



کتابخانه
موسسه
تاریخی

کتابخانه عمومی و مرکز اسناد و کتابخانه ملی
۷۶۱۲۶
تاسیس ۱۳۳۲

۱۴۹۸۹

کتابخانه
علیه السلام

۴۰۴

Handwritten text in a rectangular frame, likely a library stamp or record.

۱۳۵۰
۱۱
۹۸۴

۴۰۴
۱۴۹۸۹

سرمدی فصاح الفلاح

شیخ بهاء الدین حالی

فارسی

کتابخانه خراسانی

محمد باقر
۱۰۹۳
۱

۱۰
۱۱-۵
۶۱۵

۵۹۱

۴۰۴
۱۴۹ ۸۹

تسمیه نضاح الفلاح

شیخ ربیع الدین عالی

قاری

سکه حاصل فراری

محمد برادر محمد
شماره ۱۰۹۳
۱

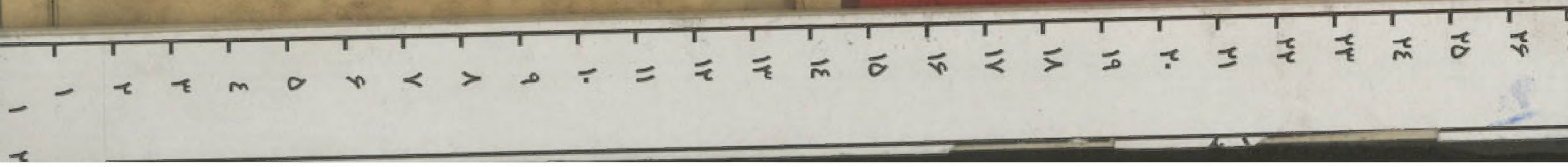
کتابخانه عمومی و مرکز اسناد و اطلاع رسانی
۷۶۱۲۵
۱۳۸۲

۱۴۹۸۹

کتابخانه
علیه السلام

۶۰۴

Handwritten text in a rectangular frame, likely a library or archival record.



بسم الله الرحمن الرحيم

مفتاح فلاح دنیا و عقبی و مقدمه فلاح آخرت
 و اول حمد و ثنای بارگاه کبریا که نیست که دعا را بگوید
 خزان فضل و احسان و مفتاح ابواب طول و امتنان
 ساخته هر که در شبستان شریف داری عبادت مضی
 دعا را فروخت صبح الجابتش پیش از صبح دمید و هر که
 در زانو به مسجد اطاعتش مناجات صبحگاهی بخواند
 نخستین چهره شاهد مقصود خویش دید صحیفه
 اعمال ایمان در کاهش را برات امان از آتش
 چرخ پر واز و سماء احاطت ساقلان بارگاهش گوا
 و لایح در آغاز رجوعی نیست که نمی خمش از سرد
 کنه کاران خرمین خرمین و زرد و غصیان در هم سوز
 غریزی که بدستگیری تقویتش نیز دعای مظلومان

صد جوش و خفتان بر هر دوز و بخواند یک آیه
 اگر کسی صد طلب بر کرسی نشاند و یک اشانه
 خربالو بنیاد کرده ستمکاران بابت ساند سنجی
 اثری نبخشید که با ضربت آن جوشن را و دی سودد
 و جوشن را بگوید بگردانید که از سیف ضرر
 کند رسد در سفک هیچ اعدای دین علوی ضرر
 قایم مقام ذوالفقار حیدری گردانید و در حفظ
 اگر با ایمان و یقین خربالو را ساد مساند اسکنند
 تعالی شان و عظم امتنان و وسیله وصول طاعت
 دارند و در نیت حصول مقاصد شان صلو و
 درود رسول واجب التکرار نیست که نخستین
 مرتبه بخند و رفعش در اولین پایه قرب
 و منزلتش باب قوسین و اذان طایر بلند پرواز
 و صفیر اشیان بر شاخ سلسله آمنتی و کشت
 خوشخامه غنمش را میداز و لسوف یعطیک نیک
 فرضی بر گردیدن افتاب برکت دعای اجابت

قریب کاشی که از بحر و فرونشستن اشک در
 شب میلاد سعادت بنیاد کائنات علی است چنانچه
 در کتب عجیب یکی از معجزات ظاهره اش که بکثرت
 زیاده از زبان بیان نیست و ملاحظه فرمایید
 سائیکی از این باهره اش که با غرق فروزان قطره
 بالوان شکست طاق کبری هنگام طلوع سعادت
 انما بر اعلاست سماء و ظاهر بر شکاف بلبل
 میسر که با شاره سرانگشت معجزه اش مانند افغان
 تابان مشاهده شده و فرو رفتن آب دریا در شب
 میلاد میمنت بهر مقدمه بود لایح از معجزات
 صافی که از سر چشمه دید و بیکبارش فروزان محیط و
 غمان روان گردید روح الامیر که سرخیال هر روزه
 اگر سعادت ملایمتش به لایح عجیب پروبال داد
 خفقت اوست و سلاله طهر که مسجود مناجی
 کرمیانش که کثیر و انبساطش نیاز چه شکفت
 از خال و بر داشتند ثبوت و در روزی از شفاعتش

کمترین کثافتی را بدین گشتان چنان بر سر گرفت و خسته که در
 عشرت رخسار و قضا بخیال نرسید و در و دیوار عالم
 عبادت صد ساله و لای الی اطهار که عرض نمود
 که بجای از بخت و دام مقید با غلال و سلاسل کرد
 صلوات الله علیه و علیه السلام جمعین الی یوم الدین
 بر مرالای حقا و قوامی هوشمندان حقیقت کردند
 که بر نوافین بر دانی و هر چه خضر عنایت سبحانی بر
 چشمه حیوان تحقیق و ایمان بی پرده جمال شاهد حق
 استیلا را که در این سکه کندی ظهور جلوه کرد
 یافته اند محجوب و مخفی نخواهند بود که علت غائی
 و غرض اصل از لایع انسان و اختراع این بزرگ تنگ
 ارکان و خلاصه از دوائجات عالم امکان بر وفو طهر
 غراء و ماخلقت الحی و الاشرار لعبدون طوبی
 بر طاعات و اشتغال بر عبادت تا اینکه هر
 در خور استعداد و قابلیت که سبب آنها آگشت
 نماید و باز از استحقاق و اهلیت که از آنها افتد

فیه یابن اوار رحمتی منتها و مستحق نعمت های لا تعد
 ولا تحصى کردید در مرتبه خود در جنات علی
 بعضیها فوق بعضی قرار گیرند و چون از جمله کتب
 دزیر یابن مفتاح الفلاح که حضرت شیخ محقق
 و تخریر متوفی و چند زمانه و علامه اوانه الشیخ
 بهاء المله و الذی محمد العاقلی علیه الله بطبقه
 اخی و الجلی در صلاوات و ادعیه شبان روزی
 کرده کتابیست جلیل القدر و غیر المثال عظیم الشان
 علیه المثال فیما یلیع پیست و نه حرف بر قامت
 توصیف از نارس و جامه طویل الذیل الفاظ در بر
 تعریف آن کوتاه ففی کل سطر منه روضه من
 و فی کل سطر منه عقده من الذل لیکر چون برآ
 عربی بمن یزیر یافته و جمعی را که لغت فارسی ما تو
 و ما الوف بوده باشند از آن چندان تمتع و بهره میسر
 نیست بخاطر فائز این بند محتاج بعضی باری جمال
 الذین محمد بن حسین خوانساری رسیده که از زبان

فارسی ترجمه نمایانها همگی طوایف نام از خواص و عوام آنرا
 مخطوط و بهره مندی کردید باین اقله بر آن نموده آنچه
 کلام شیخ زه بود ترجمه نموده بترجمه آن کتب نمود و
 ادعیه را نقل کرده ترجمه آنرا در تحت آن قلمی
 کرد اینک در هر جا که احتیاج شود بخی بود خواه فقر
 دعا و خواه از ترجمه کلام شیخ و در حاشیه توضیح
 آن نموده و همچنین آنچه از مساندان خاکی که درین کتاب
 مذکور شده نقل احوال علما در آنها و ترجمه هر طرف
 که با عتقاد فقیر ترجمه داشت در حاشیه قلمی شد و
 آنچه شیخ زه در توضیح بعضی فقرات آن عینه قلمی نمود
 بعضی بعبارةهای ترجمه شده و در حاشیه نوشته
 شد و سندان رس رفتند و بعضی دیگر مضمون
 آن در طی بعضی حواشی آن شیخ نقل شد و سخنان دیگر
 باز کالی شد و از سخنان شیخ چیزی از یاد و قلم
 بیرون نرفته مگر قایل آن فقرات که نکرده نموده که
 اینها را بجهت آنکه مناسب این ترجمه و آنچه غرض از

وضع آن بوده فیندا است و هم چنین هر جا که در کتاب
 شیخ با عتقاد این فقیر خلی بود در کواشی اشاره باز بود
 مگر بعضی مواضع که ذکر این زمینها سبیلین فرموده
 و آنچه از کواشی این فقیر است سندان هم رفته شده و
 بجا الله و آلمنه که این غنی بر وفق ممد غایب از این دنیا
 در برگرد زینت افزای این کرباب غافل و غریب محشر
 چمن احباب ایقان محمد آله و محمد آله و از آنجا که
 غایت نیست فایده و دستوری که هر یک از این باب است
 و بنشیند ملاحظه احوال خویش ظاهر و روشن که هر کس
 متناهی آن که این غریب نداند و محض شمار بجانب برگرد
 دوران و فرمان فرمای زمان اهدا و انخاف نماید چنانکه
 حکایت ملج و مور و اعراق و آب شور همه است و احوال
 مکنور و مشهور است این قلیل البضاع را هوای آن
 بر سر افراشته که این کمترین محقر منظور نظر نیستادگان
 پائین بر گردون نظیر سلطان زمان و شهنشاها و در
 یعنی صاحبان کیتی ستان این سپاه گردون بارگاه

شهریار عادل دنیا دل که در طی فادی ما بخششها از بلند
 پرواز سخن جدا به بال گذاشته و کیت خوشتر فایده
 فایده چندین عقل انداخته پیر و که سیاحت عوالم لفظ
 و معنی است از برای در نوشتن این بیان بی پایان بهما
 فایده عصای فولاد برداشته و پیر ناطق که سیاحت بجا
 نظم و نثر است بجهت هر شعبه این بحر بیکران سفینه با
 شه عالمستان اتمان تخت جهانگیر و جهان
 بخش و جوان بخت هم اغوش هر زوی بر دولت
 بهم نازان ز عدا لش ملک و مملکت همه روی زمین بر
 نیکیش فلک فیروزه آنکه کشتنیش بقصر دو
 چون طاق نیستند دوباره طاق کسیر را شکستند
 فلک و خیزان افسر اوست فیما متخو جوشش لیکر
 اوشت جنبه برخاک در کاهش مالیک است افشا
 بر عرش برین سودن سجده بردارستان ملایک باشت
 کردن سر بر زمین و آسمان فرو نیاوردن حلقه اطاش
 در گوش کردن خود را بر نور سلطان از راستن غاشیه

دولتش بر دوش کشیدن دوش بر دوش دولت جادو دارد
 رفتن اگر نعل بکشد از آن حلقه در کوش هلال کند جادو دارد
 و اگر شمس طاف او افتد لب بر لب جامه خورشید کند
 می رسد اگر عاقبتش را کراخی حلقه فکری نشانی زمین
 در آب غرق گشته و اگر ناله معین طغش با آنش فخر
 بنامختی همان سر اسر سوختی بحر سخاوتش زمین در
 کنار مفلسان کند که اگر روز روی ایشان را
 دهد بر ناله ماهی را که عطا پیش لایق دارد
 سر روی سالان شاگرد تا قطرهای خون جگر
 مستبته کردد تیغ ابلار کش افتد در میان دشمنان اند
 و سنان لشکراش جوی خون در میدان بفران سازد
 همت که نام لا ابرون تیغ ماهی اتمان در شکم ریخته
 و در وقت پایش آوردن کا و زمین در پشت درویدن
 جبر جیش شاه راه عدل و انصاف بر یکیش افتاد
 تا بقاف از شک که نایش دست سخاوتش از خون
 عرقی از بجران کرده بر ناله کل بحر بر لایق و انشود

کف عطا پیش از بر ناله ناله کشته ابری بنظر در آید
 اگر سکه های یونش بر و ف کمال حیرت کند باز
 تکی بشکند و اگر بخای ناله ناله عبا می مقرر
 دیگر اشرف بیکدینا رخ نشود در جنب ایشان دکان
 پایه سپهر گردون نظیر ماوله عجمی کند و در برابر
 بساط فلک اینسا طایفه سکندری جامه بیخود
 هر آنکه که کشتی خلش لنگر اندازد اگر هه کوه باشد کمر
 بیازد و هر جا که کوه شکو هشت سایل کند اگر هه قاف
 باشد ناف بکند در در میان عدالت تو امانت
 از ایشان کرد شپهر کز به شعله در پیر و بال و پر روانه
 جامه پر نیاز و حریر صرصر خزانای آن که ناله
 جهره کل بشکند و باد مرکان لافند از کجا که سر
 سنبلی تاب هدیه مکرر از رخسار و نشاط همین
 بهن که در فاعله فقهه جادو دارد و فتنه جورا
 از غم و حیات همان فاعله خط که در لایق لب شمشیر
 در دوران سخاوت بنیافتش مروارید چنان خیم افتاد

که بجز صدف کبی در گوش نکند و یا فون هر چند سواد
 رنگ کند از سفالی که رو برود لعل کران بهادر ظاهر
 سبکت از سنگ و بجای آنکه حوصله از دست کجا
 شک دیک صدف را نظار مشتری آب مروارید او
 و چشمه دبی خریدار سفید شد عجب آنکه از شکست
 نه فاش کار نایب گرفته و در یاد بجران فدا و طفر
 اینکه از بیم کف که بخشش دیا گزیده بر اندام فدا و کلان
 منقلب از لعل و یا قوت پیش خود نهاده هرگز
 که در بنیضه صدف چشم باز کند بجانب آن بحر که
 وجود غلطان و هر لعل که بخون دلی بر روی کار آرد
 بطرف آن عکس سخاوتمند روان حاصل بحرین بکهر
 افشانی بیک لحظه کف عطایش و فاش کند و خراج غم
 بنماید بیکروزه دست بخایش نرسد در عهد بخار
 اگر کویر اطفال شیر خوار بر سر پلان کج نموده و
 و اگر دعوی از کم که کور کار لبه شیر ناستسته
 بجز شیر در هم شکسته دست بر خد نکش اگر آید

در جازای و درود بر اشرف فریدگان و افضل اسمائها و
 محمد و آل و آنکه بدوستی ایشان قبول میشود نمازها و
 بر کفهای ایشان مستجاب گردد دعا **بعد** پس بایستی
 که کمترین بنده کار از روی عمل و پیشتر ایشان از روی
 لغزشها محنت مشتهر بهاء الدین عاملی بوقوع دهد
 خدا و برای عمل در روز و محبت فردای او پیش از آنکه
 بیرون رود از او دست و می گوید که تحقیق انما سر کرد
 از من جمعی از اهلان دین و دوستان یقین تألیف مختصر
 که مشتمل باشد بر آنچه ناچار است اهل دینت را از
 ایشان در هر روز و شب از واجبات عبادت و مندوب
 آنها و پسنداید اذابت مرغوب آنها افطار گشته در
 اعمال سنتی و آنچه قلیل المونه و کثیر المعونه باشد
 پس اجابت کردم مسؤل ایشان را و بجا آورد مرتب فوق
 ما مولای ایشان را و نامید از مقتضای الفلاح سؤال
 کنند از خدای سبحان آنکه نفع بخشد از طایبان را
 و اینکه بگرداند از آن بهترین ذخیره از برای روز

جزاوتیست دادم این بر شش باب اول گفت که بر الهام
گفت که صواب که هر باب **باب اول** در آنچه گذارده می
در میان طلوع صبح تا طلوع افق است **در وقت که**
گذارد می شود در میان پیشین تا غروب **سینوی**
در آنچه گذارده می شود در میان غروب تا وقت
خواب در آنچه گذارده می شود در میان
وقت خواب تا نصف شب در آنچه گذارده
می شود در میان طلوع صبح تا طلوع افق است و این
مستملست بر مقدمه و چند فصل **روایات**
بسیار از اصحاب عجم و صلوات الله علیه درین
این وقت نقل شد و از اساعی غفلت گویند چنان
میان غروب افق است بر طرف شدن شفق و این
غفلت می گویند و سزاوار است که این چنین وقت
بگذارد از آنچه خواب درین وقت شو مست وقت
گذرد و این محله این محله این باب و در کتاب من لا یحضر
الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می

که خواب صبح شو مست منع می کند روزی را و روزی را
زنا را و بقیه می دهد از این خواب هر شو مست است
که خدای تبارک و تعالی قیمت می فرماید روزیها را در
طلوع صبح تا طلوع افق است چنانکه درین وقت
روایت کرده است نزد کتاب من کور از امام ابی الحسن
الرضا علیه السلام در تفسیر قول خدای تعالی فامضت
امرا که انحضرت فرمودند که ملائکه قیمت می کنند
روزیهای بنده را در میان طلوع صبح تا طلوع افق
پس هر که بخوابد در میان این دو وقت می خوابد از روزی
خود و روایت شده است که نماز صبح نوشته می شود در
عماهای شب و عماهای روز هر دو روایت کرده است
الاسلام محمد بن یعقوب کاتبی در کتاب کافیه حضرت
صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ان قرآن العج
کان مشهودا که انحضرت فرمود یعنی نماز صبح حاضر
می شوند از ملائکه شب که ملائکه روزی هرگاه
بگذارد بنده نماز صبح را وقت طلوع صبح شب می شود

از برای او و در مرتبه ثبت می کنند از امام که است و
 ملائکه روز و درین مقام اشکالی نیست و از آنست
 که روایت کرده اند جماعتی از علمای ما از حضرت صادق
 علیه السلام که از حضرت فرمود که مردی از شما که
 پرسید از پدر من حضرت امام محمد باقر علیه السلام از شما
 که نیست از شما غایت شک و نه از شما غایت روشن حضرت
 فرمود که اینست که می بیند طلوع صبح است
 طلوع آفتاب و پوشیده نیست که این منافات دارد با
 آنچه نقل شده از اصحاب ما و بر آن اجماع کرده اند که نماز
 صبح از نماز روز نیست و اینکه مخالفت نکرده است
 درین مکرر سلیمان بن مهران عمش که او نماز صبح را
 از نماز شب شمرده و استدلال کرده بقول پیغمبر صلی
 علیه و آله که نماز روز عجم است یعنی اهسته گدا
 میشود و استدلال کرده اند بر آن جانب عمش با آنچه
 روایت کرده است پیش محمد بن در کتاب فقیه از
 حضرت جعفر علیه السلام که از حضرت فرمود

که پیغمبر صلی الله علیه و آله نماز منکر و در مرتبه هیچ
 نمازی تا آنکه زوال الفنا باشد و نمکست خلاصه
 ازین اشکال اینست که روایت وارد شده است باینکه
 از شخص که از حضرت باقر علیه السلام سؤال کرد که پیشتر
 بوده از علمای ضاری سؤال کرده از حضرت مسئله
 بسیار که معروف نبوده مگر میان علمای ایشان و این
 مسئله از جمله آنها بوده پس شاید که امام جواب فرمود
 باشد و این را بر آنچه موافق عرف و اعتقاد او باشد و اینها
 ندارد باینکه روزی در نوع ما حقیقت باشد در اینجه
 طلوع صبح باشد تا طلوع آفتاب و اما آنچه استدلال
 کرده است با آن عمل بقول پیغمبر صلی الله علیه و آله
 که نماز روز عجم است پس جواب گفتند از آن علماء ما فدا
 الله ارواحهم باینکه این از باب غلبه کردن است که است
 اقل و اینکه از حضرت که باینکه است نماز صبح از نماز
 شب چندین بار گفته اند و بعد از آن که تحقیق که روایت
 کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه و آله تعین می فرمود

بتماز صبح ختی آنکه هرگاه فارغ می شوند از آن بر می کشند
 زمان و ایشان شناخته می باشد بکسب آن یکی روایت
 کرده است رئیس محمد بن در فقیه که بجای آنکه سوال
 کرد از حضرت ابو الحسن اول علیه السلام از نماز صبح چرا
 بلند می کنند آن قرآن و حال آنکه او از نماز روزانه است
 پس آنحضرت فرمود که آنکه پیغمبر صلی الله علیه
 و آله تعظیم می فرمودند پس نزدیک می کردند آنرا باشد
 و با آنکه ذکر کردی ظاهر می شود جواب آنرا بچند استدلال
 کرده اند از آنکه این احادیث ظاهر آنکه ظاهر آنست که مراد ما
 علیه السلام تعظیم نماز است نه بکسب آنکه
 نماز باشد یا سنت می باشد قنونی نیست
 در تحقیق صبح اول و دوم بنقل کلامی درین مقام
 ذکر کرده است از علامه جمال الملک و الحوی و الذی در
 کتاب منهجی المطلبین از اینست بدانکه روشن می شود
 از روشنی افایک و روشن نمیشود بافتاب مگر چیزی
 که تیره باشد فی نفسش و کثیف باشد فی ذاته مانند

زمین و ماه و اجزاء زمین خواه متصل باشد زمین و
 خواه جدا باشد از آن هر چه روشن می شود بسبب آن
 پس می آید سایه از آن بطرف دیگران و تحقیق که نفوذ
 کرده است خدای تعالی بکمال لطیف خود که بداند آنرا
 دور زمین را تا پس هرگاه افایک زمین را باشد می آید
 سایه زمین بالای زمین بر شکل مخروطی و اطراف می کشد
 هوایی که روشن شد بر روشنی افایک همه اطراف این
 مخروط پس روشن می شود و اطراف این سایه مخروطی بر روی
 از هوای روشن دیگر روشن می شود و چون ضعیفست بسبب
 آنکه بالذات نیست و از دیگر کسب شد و نفوذ نمی کند
 بسیار در اجزای این مخروط بلکه هر چند دور می شود آن
 روشنی زیاده می شود ضعف آن پس هرگاه بوده باشیم
 در وسط آن مخروط خواهیم بود در آن یکی تحت پس چون
 نزدیک شود افایک با فواید می آید می کشد آن مخروط
 از بالای سر و بطرف مغرب می افتد و نزدیک می شود به
 اجزای که در اطراف سایه روشن شد بود و روشن می شود

هوائی که از آفتاب روشن شده بود و در وقت اندک نور
 میگیرد در روشنی اجزای بزرگ را که در آن بصر نزدیک
 صبح و همچنین هر چند که زیاد میشود نزدیک آفتاب
 با نور زیاد میشود و نزدیک روشنی اطراف سیاه بصر را
 که طلوع میکند آفتاب و اول غروب که ظاهر میشود
 روشنی نزدیک صبح بزرگ و بلند مانند ستون و از آن
 صبح کا در صبح گویند و شبی است که در شب بصر را
 و بلند می که دارد و صبح اول بزم میگویند اعتبار آنکه
 قبل از صبح دویم است که مذکور خواهد شد و آنست
 اگر کاذب میگویند که افق در آن وقت تاریکست و بالا
 از آن روشن شده و اگر آنرا است غنی که روشنی
 آفتاب است یا شبی که بجز نزدیک باشد آفتاب که آن افق
 روشن باشد و آنرا است از آن که بالای افق باشد
 و این روشنی صبح کا در صبح ضعیف و تاریکست در آن وقت
 باقیست روی زمین بر آن یکی خود که بسبب سایه
 دارد بعد از آن زایدی شود و روشنی تا آنکه میرود

بطرف طول و عرض و این میشود در عرض افق که
 نصف ظیره و این صبح دوم است و این را صادق و معتبر
 باعتبار آنکه راست بخبر داده است از آن صبح و ظاهر
 کرده است صبح را از برای توانیست کلاه علامت
 کرد آن خدای تعالی مقام او را و بدانکه تعاون بکر
 بطول صبح اول مکرر فیلی از عبادان مثل حواف
 فضیلت نماز و ترجیه افضل و فائز میان صبح
 اول و دوم نیست چنانکه روایت کرده است صبح ظاهر
 شیخ ابو جعفر طوسی در کتاب تهذیب بسند صحیح از
 اسمعیل بن عمار شمری که گفت سوال کردم از ابوالحسن
 رضا علیه السلام از ساعتهای و تر الخضر علیه السلام
 فرمود که دو سترین آنها بسوی من صبح اولست و روا
 شده است که مردی سوال کرد از خضر تامل المؤمنین علی
 ابن ابی طالب علیه السلام از او در اول شب پس
 الخضر جواب فرمود پس چون میان صبح اول و دوم
 شد بیرون آمد الخضر علیه السلام بسوی مسجد و

مرتبته نذا فرمود که چندان کنی که سوال کرد از تو خوب
ساعتیست از برای تراز ساعته بعد از آن برخاست و
گذازد صبح دوه پسر عبادت متعلقان بسیار
پس هرگاه میخواهی که در طلوع از اجوان نالفا لغه
میر جنت لا اری و منجبه من جنت اری صدر
على محمد وآله واجعل اول يومنا هذا صالحا
و اوسطه بخا و اخره قايما و بخوان آنچه روا
کرده است از پسر خدین در فقیه از حضرت
صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که
حضرت نوح علیه السلام هر صبح و شام میخواند
که اللهم انی اشهدک انه ما اصبح فی من نعمه و
غافیه فی من اودینا منک و حله لا شریک لک

لک الحمد و لک الشکر بها علی خیر ترضی و بعد
ان تضا و میخواند این را در صبح ده مرتبه و در شام ده
مرتبه پس بسیار امید شد بعد شکر و تعجب
بسیار شکر کنند و بخوان این آنچه رواست که است
نعمه الاسلام در کافیه پس در حضرت
عبد الله علیه السلام که بدو شکی که امیر المؤمنین علیه
السلام میخواند در صبح سبحان الملك القدوس
سه مرتبه از امیر گفتند بعد از آن می گفتند
که اللهم انی اعود بک من ذوالنعمتک و من یحویل
غافیتک و من یجاء و نعمتک و من یرک الشقاء و یسیر
سبح فی الليل و النهار اللهم انی اسئلك بعونک
و یسیر کرم و است و در این حد و دعا و سستی که خواندیم در این
و یسیر کرم و است و در این حد و دعا و سستی که خواندیم در این

آن بعل که کذا و کذا و از عاقلانی که خوانده میشود
 طلوع صبح دعایت که روایت کرده است از کاف
 بسند صحیح از حضرت زایفر علیه السلام که آنحضرت
 فرمود که گذشت رسول خدا صلی الله علیه و آله
 که مینکاشت درخت را باغی که از برای او بود پس آنحضرت
 در آنجا توقف نموده فرمود که ای االه منزه ترا درختی
 که ثابت باشد همچنان و زودتر باشد هنگام چیدن
 میوه آن و پنبه تر باشد گفت آن مرد بلی ای بنی آدم
 خدا پیش فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله که هر
 گاه داخل جنبه شوی و داخل شاه شوی پس بگو که
 سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر

پس بگوید که از برای شستن که کوه را با آب جوی
 شستنی درخت که بهشت است انواع میوه و اینها
 از جمله باقیات صالحانند حضرت زایفر علیه السلام
 فرمود که پس گفت آن مرد پس بگوید که من گواه می
 دهم

ترا ای رسول خدا که این باغ صدقه است فیض کرده شاه
 بر فقرا و مسکینان که اهل صدقه باشند پس خدای تعالی
 فرستاد اینها را از قرآن مجید فاما من اعطی و انقی و
 صدق و انحنی فی سبیل الله لیسری و روایت کرده
 سید جلال جلال الاعرابی رضی الله عنه بر طاووس قدس
 روحه آنحضرت زایفر علیه السلام که آنحضرت فرمود که هر
 که صبح کند و بر او انگشتی باشد که نیکین او عقوبت باشد
 و از او در دست راست یا نکشت کرده باشد پس صبح کند
 پیش از آنکه بیدار گشتن پس بگوید که یا اهل بیت
 کف و مجاند سوره انا انزلناه فی لیل القدرنا الخ ان
 بعد از آن بگوید امست بالله وحده لا شریک له و کفر

با بحیث و الطاعون و امنست فی الزمان و علای
 و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و آخرهم
 و ظاهرهم و باطنهم و اولهم و آخرهم

نکته دارد و از خدای تعالی در آن روز از شتران خود می‌داند
از آسمان و آنچه بالا می‌رود در آن فرو می‌رود و در زمین
و آنچه بیرون می‌آید از آن و بویژه باشد که پناه خدای تعالی
و سایه او را ایستاده داخل می‌شود و آنچه خوانده
شود در جنت دعای است که روایت از حضرت صادق
علیه السلام است و در آن آمده که لا اله الا الله محمد
صلى الله عليه و آله و آله و سلم

و بی و نقی و اهل و مالی و ولدی و اخوانی المؤمنین

و جمیع ما فی ربی و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

پس اگر در طالع صبح با وضو و با شستن کفش
بوی وضو را از تن که در وقت اذان صبح با طهارت
داشتی و هر اینکه ذکر میکنی در اینجا کیفیت وضو
کامل را پس میگویم که هرگاه اراده وضو داشته
ابتدا کفش را از تن بکن و مالیده شود و مسوا
ک بر عرض دندانها بر طول آنها و هر یک از انگشتان
مسواک روایت کرده است شیخ طایفه در کتب
حضرت صادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه
و آله فرمود که کسی که مسواک را نکشید و نکش
شهادت مسواک کرد نکست و نکست و نکست و نکست
در حال وضو و اکثر علما می‌گویند که اگر وضو
نکرده اند این را و بعضی ذکر کرده اند این را و مسند
با آنچه روایت شده است از امام ما علیه السلام که هر
گاه بجز محاسنی است که بوده باشد و در آن بجانب
پس اگر وضو میسازد از طریق که نکست کفش
از آن که در آن بجانب راست خود و اگر وضو میسازد

و بی و نقی و اهل و مالی و ولدی و اخوانی المؤمنین

و جمیع ما فی ربی و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

و جمیع ما یحبب الی الله و جمیع ما یحبب الی الله

آن نری یا حوضی مثل دیگر از او است که چنان پیشین
که بوده باشد بجانب راست او اگر وضو کند
کردن آنرا واجب است و رو کردن بقبله پیش ظاهر
که رو کردن بقبله را باید ترجیح داد و بگو وقت نماز
کردن یا بگوید یا لا اله الا الله یا محمد یا و لا یجعله

بخش بعد از آن بشوید و دست را بابت سر دست
از آنکه داخل ظرف کنی یا بر لبه و اگر وضو کنی تو حاش
خواب باشد از آن حدیث بول و دو مرتبه اگر از حدیث
باشد و سنت نیست شستن دستها از غیر این سه
حدیث و اگر وضو تو از حوض یا برقی بوده باشد
پس اگر بپوشد که شستن دستها در کار نیست
بعضی میگویند که اگر از سنت است این وضو را
و بعد از آن بگذارد دست راست را در آب بگوید یا لا اله الا الله
بگویند که روایت کرده است شیخ طایفه در نهج
بشد صحیحی از حضرت باقر علیه السلام که از حضرت

فرموده که هرگاه بگذارد دست خود را در آب بگوید
بسم الله و یا الله یا لا اله الا الله یا محمد یا و لا یجعله

و من لم یطهر من بعد از آن سه مرتبه مضمضه بکند
کف است بعد از آن استنشاق بکند همان بخور و بگوید یا لا اله الا الله
هر یک از اینها آنچه نفل خواهیم کرد در فضل بعد از آن
بردارد دست راست را کف است و دست چپ را آورد
وضوء واجب و جهت چپ همان بر داری امر خدای تعالی
و اما افعال سنتی آن پس داخل درین نیست میشود
گاه قصد کنی چپ آوردن افضل و قدر واجب و اگر
قصد کنی قیام چپها و دستها را علی حده نزدیک آورد
آن هر آینه به جهت خواهد بود و مقارن دانستن
باشستن با لای وی خود و همیشه باشد در حکم آن
نیست تا فارغ شوی و بگوید شستن بسم الله چنانکه
روایت کرده است از ائمه السلام در کافی از حضرت
باقر علیه السلام و ظاهر آنست که شستن اول وضو که

سابقا مذکور شد غنی غنی سازد ازین چنان تمیز دین و
 در واجب و از آن برای سنت بود و بخوبی بر کرده آن علما
 مقارن ساختن نیست الا شستن دستها که در اول وضو
 مذکور شد هرگاه جمع شده باشد در این وضو
 و استنشاق نیز چنین وجه گفتند که اینها از جمله
 افعال وضو کاملند و این طاعت و توقف کرده آن
 در جواز مقارن ساختن نیست با غیر شستن و احتیاطا
 با او نیست پس هرگاه بر بری این طاعت و اوارا است
 که کشتن دست خود را بر آن جهت افتد با آنچه نقد
 کرده اند از اصحاب عصمت سلام الله علیه حکایت
 ایشان وضو بیاورد و جهت بیرون آمدن از جای
 بعضی از علمای ما که واجب دانند از او واجب نیست
 بر تو که مقدمه داری شستن هر جزوی از اجزای بدن
 بر آنچه باین بر آن باشد بلکه همین که در اول ابتدا کرد
 شستن با لای و کافیه است حد و در طول و غیر
 افند نیست که بکردن آن کشتن بر آن و آن کشتن

چنانکه ظاهر است از این حدیث نه از آن حضرت باقر علیه
 السلام و نه از کذا که از کلام ائمه و ازین مقام در
 حدیث چهارم از کتاب کعبین و واجب است تکبیر
 مؤمنی که دیده شود بوسه روانه بر آن در مجلس
 بر بخوی که برسد از این روشی که شسته شود اما
 دیده نمیشود بوسه زدن بر آن پس در کتاب نیست
 از آنکه واجب نیست بر تو مگر شستن آنچه وضو
 میکنی با آن نه و و از آن چشمهای خود را در وقت وضو
 پس تحقیق که روایت کرده است بر این حدیث که فضیله
 آن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود باز
 چشمها خود را زده وضو شاید که نه ببیند آنرا چشمها را
 و اکثر علمای ما ذکر کرده اند از آن در کتب شستن وضو
 و گاه باشد که گمان شود که سبب افکندن ایشان
 گرفتار کرده است شیخ انصاری علمای ما این که سنت
 رسانند از وضو آنکه در چشمها و شستن شستن
 ذکر کرده که منافات نیست میان این وضو و آنکه

باز کردن لازم ندارد ساینده از با نده و چشمها
 و این سخن خوب است و دور نیست که مرتبه خود را بر
 بردین آنچه بخواهی و در آنرا وضو سازند از افعال
 وضو نیز هر کس که فارغشوی از شستن
 روبرو از یک کفایت بدست چنانکه کرده است
 حضرت باقر علیه السلام نزد میان وضو پیش از
 علی و اله و بشوید دست راست در حال که ایستاده
 کنی از مرقف و بکشی دست بر آن سه های انگشتان چنان
 گذشت در رو و لیکن واجبست که در لیکن ^{چشم}
 در اینجا تخیل موه چندان پوشیده باشد بر خود
 و ابتدا کن نوشتن ظاهر ذراع و زن بباطن آن
 بعد از آن بر داری که گفت دیگر بدست و بشوید دست
 نیز مثل دست راست باشد که بوده باشد شستن هر یک
 از دو دست با یکدیگر نیز پیشتر چنانکه بخوار ثقه
 الاسلامست در کاف و رئیس محمد بن در فقیه و ما
 بنط دانه از کلام را در زبان است در کتاب مشرق و المغرب

و در کتاب جبل التین بعد از آن مسح کن پوست پیش
 خود را با موی بر آن که در نزد سبب کشیدن آن محل پیش
 بمقدار سه انگشت مضموم برتری دست راست و
 از بری مسح کن پشت پای خود را نیز انگشتان را که
 یعنی مفصل پای و قدم و مخفی نیست مسح با پای
 تر از آن و تحقیق که ما بیان کردیم از این در نزد و کتاب طه
 با آنچه فرموده بر آن باشد بعد از آن مسح کن پشت پای خود
 بر بری دست چپ و باید که مسح بر و باها بکشد باشد
 نه پشت آن که جهت ضرورت و اجازت است از کشیدن
 بر محل مسح پس کافی نیست که شستن گفت بکشد کشیدن
 بر آن و سر او را نیست که مسح کن باها از انعام گفت چنانکه
 کرده است شیخ طاهر در نهج سبب صحیحی از این
 محمد بن نصر بن نظمی گفته سوال کردم از حضرت زاهد
 رضا علیه السلام از مسح بر پاها چگونه است که کشیدن
 گفت مبارک بر سر انگشتان بعد از آن مسح کن دانه که
 پس گفتم من که مردی بکند بدو انگشت از انگشتان خود

هیچکس ناکهنا حضرت فرمودند که مکرر بگویم ان یا
 که بوده باشد افعال وضوی تو در پی بیاض صلیب
 آنها و رعایت کرده شود در آنها ترتیب مذکور حتی در
 مسح باها نیز چنانکه مختار را عقیقتی است که هرگاه
 ما است و روایت کرده است که است که فرمودند
 کافی نیست در حسن حضرت صادق علیه السلام که
 فرمودند که مسح مکرر باها و ابتدا بکن بطرف راست و
 سزاوار است که خوانده شود در هر فعلی از نشستن
 و مسجدها دعاها ای که وظیفه است چنانکه خواهد
 در فضل اینده پس هرگاه فارغ شوی از وضو بگو
 که الحمد لله رب العالمین **روایت**
 روایت کرده این را در نهضت بندگان بعد از آن
 که اللهم اجعلنی من التوابین واجعل منی المصطفین
فصل در بیان نماز و وضو و کلمات
 اللهم انی اسئلك فاما الوضوء فاما الصلوة واما
 خداوند باری و بر سر آن که نماز و وضو و کلمات

و الخنة و بدانکه اکثر فعلها و جمیع ذکرها که مذکور
 شد سنت است و افعال واجبی همین ده چیز است سنت
 در حالیکه حکم آن باقی باشد با احوال وضو و مسجدها
 و مسماهی سه مسح بیکر بیکر طانکه متضاد باشد
 اگر از سر باها نا کعبها و ترتیب و یکی در پی بودن و مسجدها
 این افعال را نفس خود مکرر بیکر و در پی و اول
 ترک متضاد از وضو پس روایت کرده است که است که
 در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که
 هر که وضو سازد و متذلل کند خواهد بود از برای او
 بایستد و اگر وضو سازد و متذلل نکند نا انکه
 خشک شود آب وضوی او خواهد بود از برای او بی
 حسنه و ظاهر اینست که عمدا خشک کردن بافتار با
 با دشمنان حکم متذلل دارد و قصور ندارد وضو ساز
 در مسجد از غیر حدیث بول و غایط اما ازین دو حد
 مکرر است چنانکه روایت کرده است که است که است که
 در کافی بندگان چنانچه روایت کرده است که است که

اَللّٰهُمَّ وَكَافٍ فِيْ بَعْضِ مُجَدِّدِيْنَ دَرْفَتِهٖ وَشَيْخِ طَائِفَةٍ
 دَرْ تَهْدِيْبِ رَعِيْدَةِ الزَّمَنِ بِكَ بَيْتِ هَاشِمِيٍّ اَخِيَّ خَضِرَ
 اَبُو عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَقَوْلِكَ دَر اَشْنَائِ خَضِرَتِ
 اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِكَ رُوِيْ فَيُسْتَبْدَى بِاِيْ خُودِ
 مُحَمَّدٍ بِنِ حَنِيفَتِهِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ اِنَّا كَاهِرٌ قَوْلُكَ دَاوَايَ مُحَمَّدٍ
 بِيَاوَرَاوَايَ فَرَطُفَاوَايَ كِهْ وَصُوفِيَاوَايَ فَرَايَ فَاوَايَ
 اَوْرَدُ مُحَمَّدًا بَرَايَ اَخِيَّ خَضِرَتِ بَرَايَ اَخِيَّ خَضِرَتِ
 بَرَدُ سَبَّحُ خَبَرِ نَجِيْتِ فَرِيْدُ كَلِمَتِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ
 اَلَّذِيْ جَعَلَ الْمَاءَ طَهْوَرًا وَلَا يَجْعَلُهُ خَبَرًا خَضِرَ
 كِهْ اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ

اَبُو عَبْدِ اللهِ قَوْلُكَ بَعْدَ اَخِيَّ خَضِرَتِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ
 اَلَّذِيْ جَعَلَ الْمَاءَ طَهْوَرًا وَلَا يَجْعَلُهُ خَبَرًا خَضِرَ
 اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ
 وَبَعْدَ اَزَانَ اَخِيَّ خَضِرَتِ حَضَرَتِ كَرْدَنَدُ وَفَرَمُودَنَدُ
 اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ
 اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ

وَبَعْدَ اَزَانَ اَخِيَّ خَضِرَتِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ
 اَلَّذِيْ جَعَلَ الْمَاءَ طَهْوَرًا وَلَا يَجْعَلُهُ خَبَرًا خَضِرَ

اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ
 اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ

وَبَعْدَ اَزَانَ اَخِيَّ خَضِرَتِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ
 اَلَّذِيْ جَعَلَ الْمَاءَ طَهْوَرًا وَلَا يَجْعَلُهُ خَبَرًا خَضِرَ

اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ
 اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ

وَبَعْدَ اَزَانَ اَخِيَّ خَضِرَتِ اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ
 اَلَّذِيْ جَعَلَ الْمَاءَ طَهْوَرًا وَلَا يَجْعَلُهُ خَبَرًا خَضِرَ

اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ
 اَللّٰهُمَّ اَوْجِدْ لِيْ اَخِيَّ خَضِرَتِ وَكَوْنِيْ بِهٖ اَنْوَارُ

مِثْقَلِ ثَوْنَيْنِ وَالَّذِي أَصْعَمَ أَنْ يَعْرِفَ حَبِيبِي
يَوْمَ الدِّينِ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَجْنِبْنِي بِلُصَافِرٍ
وَأَجْعَلْ لِسَانِي صِدْقًا فِي الْأَخْيَرِ وَأَجْعَلْ مِن مَّرَّةٍ
حَذَائِقِي وَأَعِظْ لِي بِسَخْفِي وَدَائِي أَسْتَغِيثُكَ
عَلَيْهِ وَالْهَدْيُ وَهُوَ كَرِيمٌ وَهُوَ كَرِيمٌ وَهُوَ كَرِيمٌ
وَكَيْفَ يَدْرِي أَنَّهُ يَدْرِي وَهُوَ كَرِيمٌ وَهُوَ كَرِيمٌ
الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ فَاعِلِي أَعْمَالِي وَأَنَا خَلْقِي
بِصَوَابٍ وَأَنَا وَهُوَ كَرِيمٌ وَهُوَ كَرِيمٌ
وَيَسْقِينِ اعطامَكَ خَلْقِي وَأَنَا خَلْقِي
بِإِسْطِطَاعِهِ وَأَنَا خَلْقِي وَهُوَ كَرِيمٌ
وَأَنَا مَرْضٌ فَهُوَ شَافِي بَكَرْدِ خَلْقِي وَأَنَا خَلْقِي
كُنْهَانِ وَأَنَا وَهُوَ كَرِيمٌ وَهُوَ كَرِيمٌ

[illegible]

الْأَسْمَاءُ كَالْهَيْلَةِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا
 بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَفِجْ لِي أَوَابَ جَنَّتِكَ
 وَتَوَكَّلْتُكَ وَأَعْلَى عَنِّي أَوَابَ مَعْصِيَتِكَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ
 زُفَارِكَ وَغَمَّاتِ رَسَائِدِكَ وَمِنْ بِلَاجِيكَ فِي الْيَسِيرِ
 وَالْهَارِ وَمِنْ لَذَائِشِكَ فِي صَلَواتِهِمْ خَاشِعُونَ
 وَأَذْخِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ وَجُنُودَ الْيَتِيمِ
 يَسْ هَرَكَاهُ خَافِي بَكْتِ نَعْلَيْنِ خُودِ الْيَتِيمِ كَرِ الْيَتِيمِ
 بَيْشَرِ الْيَتِيمِ بَعْدَ كَرِ بَيْشَرِ الْيَتِيمِ وَكَرِ بَيْشَرِ الْيَتِيمِ
 تَوَكَّلْتُكَ وَمَنْ كَرِ بَيْشَرِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 جَمْعُ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ

بَحْبُوحِي كَرِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 حَبْبُوحِي كَرِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 عَلِيٍّ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 بَكْتِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 كَرِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 كَرِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 بَوْرِهِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 الْحَضْرَةِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 اَنْتَ كَرِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 مَيْشُودِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 سُونَا بَكْتِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 صَادِقِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 اَيْشَانِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 صَحْحِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 قَايِلِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ
 يَا اَوْبِنِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ الْيَتِيمِ

نماز صبح بیست و یک بار و صورت اذان بیست و یک بار
 چهار مرتبه و هر یک از شان دین و حی علی الصلوة و حی
 علی الفلاح و حی علی خیر العباد و الله اکبر و لا اله الا
 الله و مرتبه باینکه استاده باشی در حال اذان و بعد از
 کنی باواز بلند و از روی غائی بگوئی و بگذار ایوانگشت
 خود را در گوشه های خود و توقف کنی بر هر یک از این هجده
 فصل و الفاتحه کنی بطرف راست و چپ و هر
 نزد رانهای آن و صلاوة بفرستی بر پیغمبر صلی الله علیه
 و اله و نزد ذکر آنحضرت بر تحقیق که روایت کرده است
 رئیس محمد بن در فقیه پسند صحیحی از حضرت جعفر
 علیه السلام که فرمود که صلاوة بفرستی بر پیغمبر صلی الله علیه
 علیه و اله هرگاه ذکر کنی او را یا ذکر کنی نزد تو
 در اذان و غیر آن و پوشیده مانده ظاهر این حدیث
 میکند بر وجوب صلاوة بر آنحضرت بر هر ذکر کنند
 یا شنونده هرگاه ذکر کند او را یا بشود ذکر او را صلی الله
 علیه و اله و بعضی از اهل سنت و جماعت بوجوب

صلاوة بر آنحضرت در تمام عمر یک مرتبه و بعضی در هر
 یک مرتبه و بعضی در هر مرتبه که ذکر شود و این هفت
 رئیس محمد بن است قدس الله روحه و اما آنچه در
 اوست از علم و وجوب صلاوة بر پیغمبر صلی الله علیه
 و اله در شهادت اذان و اذان پس از اذان که جز و نماز
 و یا عند اذان و واجب نیست مگر آنکه نام آنحضرت
 شده نیز واجب نیست پس منافاتی نیست میان کلا
 او اعلی الله در جنت و تحقیق که موافقت کرده است او
 صاحب کفر اعراف در وجوب صلاوة هرگاه ذکر
 شود آنحضرت و این قول صحیح تر است تحقیق که
 استدلال میکند برین بقول خدای تعالی لا تجعلوا
 دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا یعنی
 مگر باینجا خوانند که رسول را در میان خود مثل خوانند
 بعضی از شما بعضی دیگر را الله تعالی فعل و آنچه در
 شده است از آنحضرت صلی الله علیه و اله که فرمود
 که هر کس که مذکور شد او من نزد او پس صلاوة بفرست

بر من بگردا خورشید است آفتاب را پس دور گردانده است خورشید
 او را و آنچه را بخت شده است که سوال کرده باشد آنحضرت
 صلی الله علیه و آله و آقا خدای تعالی ان الله وملائکته
 یصلون علی النبی و آلہ الذین اصابوا صلوٰ علیہ و
 سلموا تسلیما یعنی بدین مرتبه که خدا و ملائکه او
 صلوٰه میفرستند بر پیغمبر و آل او چنانچه که ایمان آورده
 صلوٰه نفرستیدند و درود نفرستیدند و درود فرستادند
 و الله تعالی هم بر آنحضرت صلی الله علیه و آله که
 این از عالم مکنون است و اگر نمیدانید و اینکه شما سوال کردید
 از آن اخبار غیبی که شما را باری درستی که موکل کرده است
 خدای تعالی عن دو فرشته کبریا ذکر کرده میشود نزد
 مسلمانان که صلوٰه نفرستند بر من مگر اینکه بگویند
 مرا و از آن فرشته کار او امین و ذکر کرده نمی شود نزد
 هیچ مسلمانی که صلوٰه نفرستند بر من مگر اینکه بگویند
 پیامبر خدا و خدای تعالی را و بگویند خدای تعالی او فرستکار
 او امین و بگویند مانند ظاهر قول او علیه السلام

در حدیث اول که هرگاه ذکر کنی تو او را یاد کرد کن و او را
 گشته و افضا می کند و موجب صلوٰه را خواهد مذکور
 آنحضرت صلی الله علیه و آله بناه مبارک را یا بعلینا
 بکنیت و مکنیت که مذکور شد آنحضرت صلی الله
 علیه و آله بضمیر می که الجمع باشد و نیز چنین باشد
 و اطلاق نیافتد و ذکر کلام عظمای ما فایده الله او
 دین را بربحی از احتیاط موجب است که گفتیم
 که در همه صورتهای مذکور صلوٰه فرستاده شود و
 بدانکه ظاهر آنست که قدر واجب را میباید گفت
 اللهم صل علی محمد و آل محمد و اما آنچه روایت شده
 که چون نازل شد از من بگو که گفتند یا رسول الله هذا
 علیک قد عرفناه فکیف الصلوٰه علیک یعنی این
 سلام بر تو تحقیق که دانستیم از این چگونه است
 بر تو پس آنحضرت صلی الله علیه و آله فرمود که بگو
 که اللهم صل علی محمد و آل محمد ما صلیت علی ابراهیم

بسبب قول الخضر صلى الله عليه وآله كنت نبيًا و
 آدم بن نوح و الطين يعني من بغير نوح و حال الله
 هنوز آدم میانه است که بود پس چگونه صلوة بر
 حضرت ابراهیم مقدمه باشد بر صلوة بر او صلوات الله
 علیه و اله و توحید دوم را نیز ضعیف نموده اند با
 آنکه خلاف متبادر بجهت مسکن چنانچه ایشا نوال کرده اند
 از کیفیت صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه و اله که فرمود
 باینکه عرض کن که صلوة بر اینهاست خلاف ظاهر
 و این تشبیه را توحید هائیکه نیز کرده اند و ما بعضی
 از اینها را ذکر کردیم در محله تفسیر از کتاب حبل المتین
 بر هر کاه فارغ شدی از اذان بر فاصله
 مکرر میان آن و اقامت بجهت یا نشستی و بگوید چنانچه
 در سجده باشی یا نشستی یا ای الله صلواتی بر او و علی
 فا و از تفرقه را و اجعل لیم عند قبره و اول مستقر
 ناکند و در هر وقت که بخواهد از اینها بگوید در هر وقت که بخواهد
 و قرا بعد از آن بخواند هر دعا که خواهد و سوالی

حاجت خود را پس بپوشد و روایت شده است از پیغمبر
 که دو عامیان اذان و اقامت مذکورده میشدند و بعد از آن
 میخیزد جهت اقامت فصول از همه دو تا دو تا است
 لا اله الا الله که در آخر اقامت بکبار گفتند میشوید
 میشوید بعد از آن علی خیر العمل قفا من الصلوة و
 مرتبه و بخارجی اوری که از جمیع اذان بعد از آن
 گذاشتن آنکه شهادت در گوشه و بلند کردن و از یکدیگر
 در اقامت است و باشد و ناکند طهارت طهارت و
 در حال اقامت پیشتر است از حال اذان یعنی اینکه و
 دانسته است انها را استند بر ضعیف از الله علیه و اله
 هر کاه فارغ شوی از اقامت و حال آنکه روایت شده
 اللهم صل علیک و علی آله و علی اهل بیتک و علی
 صلواتی بر او و بر اهل بیت او و بر اهل بیت او و بر اهل بیت او
 انبعثت و علیک امنت و علیک توکل اللهم صل
 علی محمد و آل محمد و افع فی لیلتک و تبتی علی ذنوبک

ولا تترفع قلبی بعد از هدایتی و همیشه من لایک رحمت الله
و علی بن ابی طالب بعد از هدایتی و همیشه من لایک رحمت الله
آتش آلهاب و ناله که اینست در نماز و قار و جشوع
و کداری شهادت روی زانها مقابل از اوها و یکت
قدمهای خود را بعد از آنکشت کشاده از یکدیگر نالد
شیر و نگاه کنی موضع سجود خود بلند نگذره نگاه خود را
بطرف آسمان و در لایح خاطر خود که از نماز کسوت که
و ذاع میکنند از نماز بعد از آن قصد کل اداء نماز صبح
و الحجب جنت فوان بر داری که خدای تعالی مقارن در
نیت بیک از هفت تکبیر که در اول نماز گفت میشود
بلند میکند در هر یک از این تکبیرهای خود را بعنوان یک
که در منها بطرف قبله باشد و آنکشتان بیکدیگر نالد
عبره صنها که آنها نالد که کشاده باشد و نمیکند از یک
دستهار از بر کوشهای خود و ابتدا میکند یکبار
ابتدای دست برداشتن و تمام میکند از نماز و نماز
شدن آن و بدانکه بعضی از علما میگویند که این طناب بود

در نماز نیت و در نماز کرده اند علما کلام را در آن و در آن
اثمه علیهم السلام نیت سجده از آن بگویند متقا
از کتب پنج آخر و از شده است از ایشان علیهم السلام در نماز
وضو و نماز و باقی عبادان که تعلیم کرده اند آنها را از
خود اینست که اگر نیت سه است و اگر نیت غنی است
و فکر کردن است در مطایع جمیع عبادان وقت صادر شد
فضل اخیناری از ایشان از برای اینست که قدمهای آنها
ما رضی الله عنهم من عرض محبت از آن نشدند و خوشی
در آن مکرر عین متاخرین و ناله اند که الله را در آن
بر وجهی موهب اینست که هر یک نیت از آنجای نیت
و این باعث شواری شده است بر بسیاری از مردم و
گشاده است ایشان را بوسه و نیت نیت در حقیقت
مکرر قصد اوضاع ساختن فعل معین از برای علت علایق
و نیت ترکیب مکرر در فعل نوی این قصد نیت
نیت که جدا شود از آن غافل زده هر فعل که بخاورد و در آن
کنند بعضی از علما میگویند که اگر تکلیف میکرد ما را احکام

و در روایت دیگر از عمو و اقصد که و حجت و حجتی
لله فی قضا السوا و لا أرض علی ملک ابره و درین حدیث

و نه حاج علی خنقا مشایما
نا انحری لضافه عالم الغیب و الشهاده و اتقوا کبریه
علمای ما را آنکه جایز است معارف داشت نیست با هر
ازین هفت تکبیر که معارف ازین نیست را این کردان از
تکبیر و الاخره و تحقیق که ترجیح داده است که شیخ
نور الله مرقد در مصلح گردانیدن تکبیر الاخره از تکبیر
الاخره و این ظاهر میشود از حدیث حجت زاده و در شیخ
سیف بن علی علیه و اله و اله ما را تکبیر و تاجت کردن
امام حسین علیه السلام حضرت را آنکه تکبیر اول را
تکبیر الاخره گردانید بودند چنانکه ذکر کرده ام و در
اثنا عشره و بیضا داده ام که اگر را در حیل است
بعد از آنست عاده میکند بعد از فراغ از دعای نیم و
اعوذ بالله و من الشیطان الرجیم

و استعاده نزد ما مخصوص است بر کف اول و پس و پس
میگویند از او بعد از آن بخوان سوره حمد از ترتیل کند و در
بخوان از رعایت کند و فعلهای آنرا در جای آن و حاضر
قلب خود را و تفکر کند در معانی آن و ساکت میشود
بعد از آن بخوان سوره همان بخواند و باید که پوره باشد سوره
یا غایت یا فایده که هر مانندیها اینچرا باشد در
چنانکه روایت کرده است شیخ طاهر در تفسیر بسند
صحیح از حضرت علی علیه السلام و ساکت میشود
بعد از آن چنانکه ساکت شود و بعد از آن بعد از آن
دستهای خود را چنانکه بر داشته در آن هفت تکبیر
الله اکبر بعد از آن بر کعبه و بعد از آن که بگذارد
راست بر او ایستاد پیش از آنکه سجده بر او و سجده
و بر کعبه را بر او ایستاد خود لقبه سازد و اهل بیت
خود و بر کعبه را بر او ایستاد و بعد از آن و بعد از آن
کردن خود را و بر کعبه را بر او ایستاد و بعد از آن
میان قلب خود بعد از آن میگویند این روایت کرده است

ثقة الاسلام درگاهي بسند صحيفي حضرت صادق
و ان ايست اللهم لك ركعت ولك اسمت ولك
عند ابي ابي روح الله عز وجل
امنت وكليلك توكلت وانت ربي شفع لك عني
ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير
وبصري وشعري وكثيري وحي ودي وحي وعصبي
دري و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير
وعظامي وما املكه فاماي عرفت شكف ولا تكبر
ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير
ولا مستحبر بعد از ان كه بخوان ربي العظمى ويحيى
دري و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير
ولا ياك ابرهفت مرتبه گفته شود يا نوح يا سه مرتبه
بعد از ان كه كوفي سمع الله من حمده بعد از ان تكبير
ميگوي مبروي سجود بجنوع وخشوع در حال
كه بگدايي پنهان كه بايش از انوها و چنان ميكني
كه دستها در وقت سجود منزله بالها شوند از براي

و پنهان ميكني كه با اراد خالك انكشنان خصم شوند
و در برابر و شها و روي خود و ميكناري هيچ عضو
از بدن خود را بر روي عضوي ديگر و ميكناري بيش
خود را بر زمين و افضل است كه ان تربت حكيمة
باشد علي صاحبها افضل الشياكان في كرامته
خود را هشتاد مرتبه مساجد كعبه و حكايمال انوار
نكاه ميكني در وقت سجود در روي و بعد از ان كه كوفي
انچه روايت كرده است درگاهي بسند صحيفي حضرت
الهم لك سجدة ولك امنت ولك اسمت و
عند ابي ابي روح الله عز وجل
عليك توكلت وانت ربي سجدة وحيي للذي خلقه
دري و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير
و شوقه و بصير و الحمد لله رب العالمين ببارك الله
دري و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير
الحمد لله رب العالمين بعد از ان كه بخوان ربي العظمى ويحيى
دري و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير و ابو بصير

رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَيَا فَائِزًا بِزَادِ ثَنَائِكَ يَا رَاجِيًا إِلَى طَلْعِ
شَدِّهِ آمِينَ يَا زَكَاةَ هَيْبَتِهِ وَمُعْتَبَرًا بِمَبْكَوْمِهِ بَعْدَ كُلِّ
فَرَجٍ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَدِينَةَ يَسْكُوبُ اللَّهُمَّ
إِلَيْكَ شُحُوبَنَا وَنَقْلُكَ الْأَقْدَامَ وَرَفْعُكَ الْأَرْجَاءَ
وَمَنْ لَيْتَ الْأَعْيَانُ وَكُنْتَ دُعَايَ الْأَلْسِنِ وَإِلَيْكَ تُهَيَّرُ
وَتُجَوَّهُ فِي الْأَعْمَالِ يَا تَبَا أَفْجَى سَيْنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ
وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَائِزِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْبَيْتَ غَيْبَةً
إِنَّمَا نَسْأَلُكَ عَنْكَ نَاوَكْرَةً عَدُوْنَا وَنَظَاهَرَةً عَدَاةَ
أَعْدَائِنَا

عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَافِعِهِ ذَلِكَ اللَّهُمَّ نَعْبُدُكَ بِطَوْبِهِ
وَأَمَّا وَجْهِكَ فَعَرِّضْهُ إِلَى الْحَوَامِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ بَعْدَ ذَلِكَ
وَأَمَّا حَقُّكَ فَتَسْلِمُ إِلَيْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِيمُ
مَبْكَوْمُكَ اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ أَحَبَّ إِلَيْكَ نَفْسُهُ أَوْ جَلَدُهُ
عَبْدُكَ فَإِنَّتِ نَفْسِي وَجَلَدِي إِلَى أَحَدٍ مِنْ سُلُوكِ الْأَرْحَامِ
مَرَّاسٍ رَحِمَ ضَعْفِي وَمَسْكَنِي وَقَلْبِي حَبْلِي وَأَمِنْ
عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَفَكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَعَافِي فِي نَفْسِي
فِي جَمِيعِ أُمُورِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَهَكَذَا
خَوَاهُ طَوْلُكَ هَذَا فَوَيْلٌ لِمَنْ أَضَافَ كَيْدًا إِلَى هَرَجٍ رَاحِلًا
أَزْفَقَ تَهَيُّيَ بِكَ ذِكْرَ مَيْكَنِي إِنْهَا لَادِرَابَتْهُمْ أَتَى

وَحَدَّ حَدَّ الْجُرْعَةِ وَنَصَحْتَهُ وَهُوَ الْاِخْرَاجُ
وَحَدَّ قَلَمُ الْمَلِكِ وَلَهُ الْحَقُّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
اَسْتَغْفِرُكَ يَا اِلَهَ الْاُمَمِ اَلْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ
اَللّهُمَّ اِهْدِنِي سَبِيلَكَ وَ اَقِمْ عَلَيَّ مِنْ صَلَاتِكَ وَ
عَلَى مَنْ حَبْلِكَ وَ اَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا
اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ اَغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ
كُلَّهُ اَجْمَعًا اَنْتَ اَللّهُمَّ اِنِّ اَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ
خَيْرٍ حَاطَبِهِ عَلَيْكَ وَ اَعُوذُكَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ حَاطَبِهِ

[illegible]

[illegible]

والثَّالِثُ مَلِكُ النَّارِ لَهُ النَّارُ مِنْ مِزْةِ الْوَسْوَاسِ الْحَتَّائِ اللَّهُ
 يُوسُفُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْحَيَاةِ وَالنَّارِ هَذَا الزَّانِ
 بِجَوَانِ سُورَةِ فَاحْذَرُوا يَا كَرِيمِ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ
 الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ اسْمِعُوا قَوْلَ رَبِّكُمُ الَّذِي يَقُولُ

لَا تَتَّبِعُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فَتَتَّبِعُوا مَا يَتَّبِعُونَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

فَيَكُونُوا لَهَا آلَافًا مِثْقَالًا

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

الْقُدُوسِ اسْمِعُوا قَوْلَ رَبِّكُمُ الَّذِي يَقُولُ

لَا تَتَّبِعُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فَتَتَّبِعُوا مَا يَتَّبِعُونَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

فَيَكُونُوا لَهَا آلَافًا مِثْقَالًا

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

وَيَنْفِثُ السَّمَاءَ دُخَانًا

رَبِّهِمْ مِنَ الشَّارِ وَأَنْ يُخْرِجَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا آمِنًا وَأَنْ يُدْخِلَهُمْ
 الْجَنَّةَ سَالِمِينَ وَأَنْ يُجْعَلَ دَعَاؤُهُ قَالَةً وَأَوْسَطُهُ
 تَجَاوُزُهُ صَلَاحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ
 بَعْدَ أَنْ يَكُونُوا مِنْ خُصُوصِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 إِلَى أَصْحَابِ شَهِيدِكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُكَ
 وَحَمَلَهُ عَيْشِكَ وَسَكَانَ مَمْلُوكِكَ وَأَرْضِكَ وَأَنْبِيَاكَ
 وَرَسُولِكَ وَالضَّالِّحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ
 بِكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا إِلَى شَهِيدِكَ أَنْتَ اللَّهُ وَحْدَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

وَأَنْ كُنْ مَعَهُ يَوْمَ دُونَ عَيْشِكَ إِلَى قَرَارِ رَحْمَتِكَ الْبَاقِي
 السُّقَى لِبَاطِلِ مَضْغَلِ بَاعِدٍ وَجَمَلِ الْكِبَرِ فَإِنَّكَ عَنْ
 وَكَرَمٍ وَأَجَلٍ وَأَعْظَمٍ مِنْ أَنْ يَصِفَا لَوْ أَصْفَوْا
 جَلَالَهُ أَوْ تَهْتَدِي الْقُلُوبُ لَكِنَّ عَظَمَتَهُ بَاقٍ
 مَلَحَ الْمُنَادِينَ فَرَمَدِهِ وَعَدَاوَتِهِ لَوْ أَصْفَوْا
 مَا لَمْ يَحْمَدْ وَجَدَ عَنْ مَقَالَةِ الْخَاطِفِينَ عَظِيمًا
 صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْلَمَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ
 أَهْلُ تَوَكُّلٍ وَأَهْلُ الْغَفْرِ سُبْحَانَ اللَّهِ كَمَا

سُبْحَانَ اللَّهِ شَيْءٌ وَكَأَيُّ اللَّهِ أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ هُوَ أَهْلُهُ وَكَأَيُّ
يَتَّبَعِي لَكُمْ وَجْهَهُ وَغَيْرَ جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللَّهِ
شَيْءٌ وَكَأَيُّ اللَّهِ أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ هُوَ أَهْلُهُ وَكَأَيُّ
يَتَّبَعِي لَكُمْ وَجْهَهُ وَغَيْرَ جَلَالِهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلِّهَا
هَلْ لَكَ شَيْءٌ وَكَأَيُّ اللَّهِ أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ هُوَ أَهْلُهُ
وَكَأَيُّ اللَّهِ أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ هُوَ أَهْلُهُ وَكَأَيُّ
وَكَأَيُّ اللَّهِ أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ هُوَ أَهْلُهُ وَكَأَيُّ
وَكَأَيُّ اللَّهِ أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ هُوَ أَهْلُهُ وَكَأَيُّ
وَكَأَيُّ اللَّهِ أَنْ يُسَبِّحَ وَكَأَيُّ هُوَ أَهْلُهُ وَكَأَيُّ

إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أَلْفَ مَرَّةٍ عَلَى وَجْهِ
كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مَنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ
خَيْرَ مَا أَرْجُو وَخَيْرَ مَا لَا أَرْجُو وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ خَيْرِ مَا
وَمِنْ خَيْرِ مَا لَا أَحْتَسِبُ عِندَكَ أَنْ يَكُونَ لِي خَالِفٌ فِيكَ
وَيَرْجُوهُ مَعِي لِيَسْمَعَ اللَّهُ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ لِيَسْمَعَ اللَّهُ رَبِّي الْأَكْبَرُ
وَرَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا يَضُرُّهُمْ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ
لِيَسْمَعَ اللَّهُ أَصْحَابَ وَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ لِيَسْمَعَ اللَّهُ عَلَى فُلَيْهِ
وَيَقْضِي لِيَسْمَعَ اللَّهُ عَلَى ذِي وَعَلَى لِيَسْمَعَ اللَّهُ عَلَى أَمْرِ وَعَلَى

[illegible][illegible]

سأعطيكم ما ليس في الدنيا

حَصَنَ الْاِخْلَاقَ فِي الْاَعْتِاقِ بِحَقِّهِمْ وَالْمَسْأَلَةُ

يَجْعَلُهُمْ مُؤْمِنًا وَالْكَافِرِينَ فِي آثَارِهِمْ مُوْضِعًا
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
مَنْ ذَا الَّذِي يَدْعُنَا إِلَى طُغْيَانٍ عَلَى اللَّهِ حُمْلَانِ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا هَذِهِ السُّبُلَ الَّتِي يَدْعُونَ إِلَى طُغْيَانٍ
وَأَعِظْ الْقَوْمَ بِحُكْمٍ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
الْأَعْدَى عَنِ بَيْتِهِ السُّوَارِكِ الْأَرْضَ وَجَعَلْنَا
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ سَكَنًا وَمَنْ خَلْفَهُمْ سَكَنًا عَشِيرَتَانِ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
فَهُمْ لَا يَصْزُوْنَ بَعْدَ ذَلِكَ يَكُونُ الْفَخْرُ حَقًّا
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
بِقَبْضِ يَدَيْهِ الْحَذَلِ الَّذِي ذَهَبَ لِلَّيْلِ بِقَدَرِهِ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
وَجَاءَ بِالْأَنفَارِ بَوَّاهٍ حَافًيًا وَتَحْتِ فِي غَافِيَةٍ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ

بِمَنْزِلِهِ وَجُودِهِ وَكَرَمِهِ مَجْبَا بِالْحَافِظِينَ الْفَنَاءَ كُنْ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
لَا تَعْبُدُوا بَعْضَكُم مِمَّا كَفَرَ اللَّهُ مِنْ كُفْرَانٍ وَالتَّفَانِ كُنْ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
بِجَانِبِ جُودِكُمْ كَمَا كَفَرَ اللَّهُ مِنْ كُفْرَانٍ وَالتَّفَانِ كُنْ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاشْهَدْ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
وَرَسُولُهُ وَاشْهَدْ أَنَّ الشَّاعِرَ أَنَّهُ لَا رَيْبَ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ عَلَى الْبَاقِي
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
وَعَلَيْكُمْ أَمُوتُ وَعَلَيْكُمْ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ أَقُولُ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ
مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَآلِهِ مِنْ السَّادَةِ عِبَادَانِ
وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَءٌ شَيْءٌ مِمَّا يَفْعِلُ اللَّهُ هُوَ الْفَعْلَانِ

يُكُونُ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

إِنَّا نَحْمَدُكَ وَنُحِبُّكَ وَنُحِبُّ آلَكَ وَنُحِبُّ مَا نَحْبُكَ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْفَلَاحِ

وَقَدْ آمَنَ بِكَ يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

يَا مُحَمَّدُ وَآلَكَ وَآلَكَ وَآلَكَ

عَزَّ وَجَلَّ بِمَا رَحِمْتَكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

وَلَوْلَا تَعَالَى الْإِيمَانُ وَمَنْ تَعَالَى الْإِيمَانُ وَمَنْ تَعَالَى الْإِيمَانُ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

أَمْثَلُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَشْبَاهُ مِنْ الْخَاطِئِينَ يَقُولُكَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

يَا عِبَادِ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ اسْتَوْفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْطَعُوا مِنْ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

الْعَفُورُ الرَّحِيمُ وَحَدَّثَ الْغَائِظِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

فَقُلْتُ وَمَنْ يَقْطَعُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

تَوَدَّ بَيْنَنَا بِرَحْمَتِكَ إِلَى غَاثِكَ فَقُلْتُ دَعَوْكَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

لَكَ إِنَّ اللَّهَ يَكْبُرُ عَنْ عِبَادِهِ سَبْحًا وَلَوْ كُنْتُمْ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

دَلَّخُونَ لَعْنَتَكَ ذَلَّ الْأَيُّوسُ عَلَى مَشَاوِلِ الْقُطُوفِ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

رَحِمْتَكَ بِمُلْكِكَ الْحَقُّ قَدْ وَعَدْتَ الْخَائِبِينَ ظَنُّهُ بِكَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

تَوَّابًا وَوَعَدْتَ الْمُسِيءَ بِكَ ظَنُّهُ عَفَا بِاللَّهِ وَقَدْ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

السَّيِّئُ لَا يَمْنَعُكَ الظَّنُّ بِكَ فِي عُنُقِ رَحْمَتِي مِنَ الْبَشَرِ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

وَقَعْدُكَ لِي وَإِنَّا لَهْ عَشْرَتِي وَقُلْتُ وَقَوْلُكَ أَجْرُ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

الَّذِي لَا خَافِيَهُ وَلَا يَلْبَسُ بِلِيقَةٍ دَعَا كُلُّ نَاسٍ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

بِأَمْنِهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْرَبُ وَأَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ وَلَا

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

وَأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ وَبِأَعْلَى عِزِّكَ

و در این کتاب که در این کتابخانه است

خلا کو تو خلا تو بنست شری مرزا **والله اعلم** بخبره

و بهر آنست و بگویم که امیر که در این زمان در آنجا بود و در آنجا بود

روایت کرده است که در میان مسلمانان و غیر مسلمانان

وَجِي هِدَالْنَاتِيْن وَالْقَاسِطِيْنَ وَالْمَارِفِيْنَ اِمَامِي

وَحُجَّتِي وَصِرَاطِي وَقُدْرَتِي وَمُحِيطِي وَمَنْ لَا يُقْبَلُ الْأَعْمَالُ

وَأَنْ زَكَّاهُ لَا أَزَاهُ أَمَّا زَكَاةُ أَهْلِهِ فَاصْبِرْ إِلَىٰ هَذِهِ

الرجاء بأكبر انشاء و فریب صواب و انرا که نیست و در حقیقت بزرگتر باشد

بهره و افضل باد و انوار کرم و فضیلتها باد و فضل کائنات از فضل

و اما در این کتاب که در میان ما است و در آنجا که

ماده و الحاق و ادله و سراج و اعلام و سارا و سارا

أَبْرَارًا وَأَذُنٌ لِّسِرِّهِمْ وَجَهْرِهِمْ وَظَاهِرِهِمْ وَبَاطِنِهِمْ وَ

[illegible][illegible]

ذَلِكَ وَلَا ارْتِيَاكَ لَا تَحُولُ عَنْهُ وَلَا يَنْقُضُ الْعَهْدَ

این کتاب در دسترس است و در دسترس است

برای آنکه در حقیقت تمام بر آنست که در این کتاب

فَمِنْهُمْ وَأَكْتَبِي فِي أَصْحَابِهِمْ وَأَقْرَأِي فِيهِمْ

أَمَّا لَمْ يَخْلُ الْبَيْتَ فَإِنَّهُ لَا يَعْرِفُهُ قَوْمًا

از کوهستان چمن می ریزد که در مابین او و دریا

وَلَا تَكُنْ لِي وَتُفِي وَتَقْطَعِي وَتَأْمِنِي وَتَعْرِفِي وَ

لِيُشْرِكِي صَبَاحِي وَمَسَائِي وَمُتَعَلِّقِي وَمَوَالِي *اللهم*

يا رب العالمين يا ذا الجلال والإكرام يا ذا العرش العظيم يا ذا الملكوت والقدوس

قَالَ لِي فِي هَذِهِ مِنْ غَيْبِكَ وَلَا تَخَيَّرِي فِي هَذِهِ مِنْ

تَأْتِي لِي فِي هَذِهِ مِنْ غَيْبِكَ وَلَا تَقْطَعِي لِي فِي هَذِهِ مِنْ

تَأْتِي لِي فِي هَذِهِ مِنْ غَيْبِكَ وَلَا تَقْطَعِي لِي فِي هَذِهِ مِنْ

أَتَوَلَّى الْأَنْفَاقَ وَأَنْتَ دَاخِلُهَا وَمَا لِي فِي هَذِهِ مِنْ

وَأَفْجَعِي لِي فِي ذَلِكَ فَخَافْتُكَ وَأَجْعَلِي لِي مِنْ ذَلِكَ

مَخْرَجًا وَكُلِّ سَعَةٍ مِنْهَا بِحَسْبِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اللهم يا ذا الجلال والإكرام يا ذا العرش العظيم يا ذا الملكوت والقدوس

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ لِي لَيْلًا وَنَهَارًا مُخْتَلِفِينَ عَلَى رَأْسِكَ

اللهم يا ذا الجلال والإكرام يا ذا العرش العظيم يا ذا الملكوت والقدوس

وَمَعَا فَاذْكُ وَمَعَا فَاذْكُ وَمَعَا فَاذْكُ وَلَا تَقْطَعِي لِي فِي هَذِهِ مِنْ

مِنْ خَلْقِكَ بِحَسْبِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

قَدِيرٌ وَبِحَسْبِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُدِيرَ الْهَالِكِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَ

يَا صَاحِبَ الْمُسْتَضْرِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ

يَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُدِيرَ الْهَالِكِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَ

يَا صَاحِبَ الْمُسْتَضْرِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ

يَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُدِيرَ الْهَالِكِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَ

يَا صَاحِبَ الْمُسْتَضْرِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ

يَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ وَيَا مُجَلِّدَ الْعَالَمِينَ

[illegible]

يَا زَاوَةَ ارْجِعْ إِلَيْكَ خَاصُّوًا عَامًّا وَأَوَّلًا وَآخِرًا حَبْنِكَ
 ارجع يا زوارة الى بيتك خاصة وعامة واولا وآخرين
 عَلَى سِدِّ الْمَرْسِيِّينَ وَشَرَفِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ
 على سدة المرسيين وعلى شرف الاولين والآخريين
 بِالرِّسَالَةِ الْفَاتِيحَةِ وَأَوَّلِهَا وَأَوَّلِهَا الْإِحْبَادُ الْفَاتِيحُ
 بالرسالة الفاتحة واولها واولها الاحباد الفاتح
 الَّتِي صَبَّحَ عَلَيْهَا وَأَوَّلُهَا الْمَقْفُوفُ الَّتِي عَايَهَا وَاللَّيْلُ
 التي صبح عليها واولها المقفوف التي عايها والليل
 الَّتِي حَقَّ عَلَيْهَا مَذْمُومٌ وَسَيِّئٌ سَائِلِكِ إِثَاءُ إِلَى أَنْ
 التي حقه عليها مذموم وسئ سائلك اثناء الى ان
 تَوَقَّفَتْهُ وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ مِنْ أَوَّلِ الْحِكْمَةِ وَأَفْعَالِهِ
 توقفتها وما بين ذلك من اول الحكمة وافعاله
 الْكَرْبُ وَهُوَ مَقَامُ مَا لَيْدَ الْمَشْهُورَةِ وَسَاعَاتُهَا الْمَعْدُ
 الكرب وهو مقام ما ليد المشهورة وساعاتها المعده
 أَرْضِيكَ عَلَيْهِ كَمَا وَعَدْتَهُ مِنْ نَفْسِكَ وَنُطْقِهِ
 ارضيك عليه كما وعدته من نفسك ونطقه
 وَكَأَنَّكَ تَحْسِبُ رَدَّ جَلَدٍ وَكَأَنَّكَ تَحْسِبُ رَدَّ جَلَدٍ

مَا أَقْرَبَ نَوَائِكَ وَتَرْفَعُ لَكَ مَنَازِلَهُ وَتَعْلِي عِنْدَكَ
این قصه که در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
دَرَجَتَهُ وَتَعْلِيهِ الْمَقَامَ الْحَمِيدَ وَتَوَرُّدَهُ خَوْصَ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
وَأَجُودَ عَلَى إِلَهِ الطَّيِّبِينَ الْأَطْهَارِ الْمُتَجَنِّبِينَ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
وَعَلَى جَبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْأَصْفَاءِ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِقَاسِي صَرَا وَلَا
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً قَدِ انْقَطَعَتْ وَسَائِلِي وَكَلِّبْتُ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
مَسْأَلِي وَذَلَّ حَزَنِي اسْتَمْتَنِي هَلِي وَوَلَدِي اللَّهُمَّ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد

وَقَدْ كَذَى الظُّلُمَ وَأَعْيَيْتَ الْحَيْلَ لَا عِندَكَ وَتَقَطَّعَتْ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
الْأُمُورُ وَضَافَتْ الْمَذَاهِبُ لَا إِلَيْكَ وَدَرَسَتْ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
وَانْقَطَعَ الرِّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَكَذَى الظُّلُمَ وَخَلَفَ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
الْعِدَالُ لَا عِندَكَ اللَّهُمَّ إِنَّ مَنَازِلَ الرِّجَاءِ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
لِفَضْلِكَ مُرَعَّةٌ وَأَبْوَابُ الدُّعَاءِ لِمِنْ عَالَمِ مَقْفَرٍ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
وَالْإِسْتِغَاثَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةٌ وَالْإِسْتِغَاثَةُ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ وَجُودُهُ وَأَنْتَ لَدَا عَيْنِكَ وَوَضَعُ الْجَا
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد
وَالْإِسْرَاحُ إِلَيْكَ وَفِي لَأَغَاثُهُ وَلِلْفَاصِدِ إِلَيْكَ
در این باب در ذکر کردیم از توفیق شریف است که در این کتاب آورده شد

قريب المسافة وانت لا تحيى عن خلقك الا ان
ترب الشئ من ذكركم من انتم من ذكركم
تجهم الاموال لتبته وقد علمنا ان افضل زاد
بوصلة من ذكركم انتم من ذكركم من ذكركم
الراحل اليك عنم الزاد واخا لحيته وقد عفو
عنك من ذكركم من ذكركم من ذكركم
يعزير رادى واخا لحيته وصار دوتى فيها انما
بوصلة من ذكركم من ذكركم من ذكركم
ميكينك بالاسك اسيرك فقيرك سا املك من ذكركم
ميكينك من ذكركم من ذكركم من ذكركم
فارج باب جالك وانت اولى بصير الولىك واخا
لحيته من ذكركم من ذكركم من ذكركم
يرعائى المنقطع اليك من ذكركم من ذكركم
من ذكركم من ذكركم من ذكركم من ذكركم
من ذكركم من ذكركم من ذكركم من ذكركم

على الامور اسيرك وانت لا تحيى عن خلقك الا ان
ترب الشئ من ذكركم من ذكركم من ذكركم
واكر ذكركم من ذكركم من ذكركم من ذكركم
من ذكركم من ذكركم من ذكركم من ذكركم
صادرة عن قضائك مدعته بالخصوع لفته
صادرة من ذكركم من ذكركم من ذكركم
فقيرة الى عفوك ذكركم من ذكركم من ذكركم
من ذكركم من ذكركم من ذكركم من ذكركم
الفقر والى الفقر وسماكتى لخصاصك وعزيتى
من ذكركم من ذكركم من ذكركم من ذكركم
الحاجة وتوسمت الذلة وعلمتني المسكنة وحقت
من ذكركم من ذكركم من ذكركم من ذكركم
واحاطتني الخطية وهذا الوقت الذى وعد
من ذكركم من ذكركم من ذكركم من ذكركم
اولياءك فقهه الاجابة فاستمع ما يمينك لشفاعة

لا احتاج الى غيرك معها فانها ليست بدين من ديني
فانما يشتم بغيره ودمه وكنهه من غير ان يشتم
ولا يكره من عطيتك ارفع الصخرة واعطيت النقطه
ونحوها من غير ان يرفعها ولا يعطيه
وكانوا يعين الزلزله واكمل النوبة وارحم الحقوه وانج
وكذا من غير ان ينجهم ولا يرفعهم ولا يرفعهم
من لوططه واقل العروة يا منهي الرغمة وغيا
الركب ومنع من قبله من يثبت في يده
الكرية وولي النعمة وصاحبها في الكربة وكذا
المنه وصاحبها من غير ان يرفعهم ولا يرفعهم
الدنيا والآخره خديدي من خض الزلزله فقد
منه وكونت كبريت من غير ان يرفعهم ولا يرفعهم
كبريت وثبتني على الصراط المستقيم والاعو
افهم واثبت كلهم به راهم راسه والاعو
يا هادي الطريق يا راج المصطفى يا جاري للصيفي
الرشاد يا راج المصطفى يا راج المصطفى

يا ربي اوفى اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص
يا ربي اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص
وما الا اخلص يا اهل التقوى اهل المعقود والعرف
ما من من لا اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص
والقنعة والالام والعظم يا ارحم الراحمين و
وما من من لا اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص
اكرم الشاكرين ورب العالمين لا تقطع منك حرا
اكرم من لا اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص
ولا تخيب غايي ولا تفخذ لائي ولا تني قضا
دوب من لا اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص
ولا تجعل النار ما واتي اجعل الجنة مثواي و
دوب من لا اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص
من الدنيا منائي وبلغني من الآخر املي ورضي
دوب من لا اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص
وانني في الدنيا احسن وفي الآخر احسن وفي علي
دوب من لا اخلص عني المصطفى واكفني شرها اخلص

النار انك على كل شيء قدير ويحكم على كل شيء بعد ان
انزل من فوقه من جبريل فابعد الله وبعده ما كان

دعاي صانع حزميد العالين لان ادعائي ضعيف
كاملات الحمد لله الذي خلق الليل والنهار فبقوه

وسبحه وحمده الذي جعل الليل والنهار

وميز بينهما بقدرة و جعل لكل واحد منهما

حلالا وحراما واما قدودا يوجب كل واحد منهما

في صاحبه ويوجب صاحبه فيه فيقدر في العباد

فيما يقدر وهم وينشئهم عليه خلقهم

الليل ليكنوا فيه من كان الشعب تهضن

النصب وجعله لهم لباسا ليلسوا من خلقه

ومنا مرقون ذلك لهم كما ما وقوة ولينا لو ايد

لثة وسهوه وخلقهم النهار مبصر ليبتعدوا

من فضله وليستبوا الى زفره وليسر حوافر

طكارا لافيه نيل العاجل من دنياهم وذلك لاجل

في اخرهم بكل ذلك بصلح شانهم وبتواخيلا

ونظر كيف هم في اوقات طاعته ومنازل عروضة

وموافع احكامهم في الدنيا ساوا بما عملوا في

الدنيا احسنوا ما احسنوا اللهم فلك الحمد على ما

[illegible]

عَلَيْكَ فِي الْحَرْبِ وَفِي الْعِبَادَةِ مَا لَكَ الْمَلِكُ رَحِمَ الْخَلْقُ
قَالَ رَحِمَ سَيِّدِي وَرَبِّي لَأَنْ دَلَّكَ بِرُؤُوسِهِ
وَأَنْ يَهْمَا عِنْدَكَ وَرَسُولُكَ وَخَيْرُكَ مِنْ خَلْفِكَ
وَأَمْرُهُ بِكَ فَهَذِهِ دُرَّةُ الْوَرْدِ وَهِيَ أَرْغَبُ
رَسَائِكَ فَإِذَا هُوَ أَمَرْتَهُ بِالْضَّحَى لَأُتِمِّدَ فَخْرُكَ
وَيُشْرَفَ عَاجِدُكَ بِرَأْسِهِ وَبِأَمْرِهِ يَنْجُو
اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيْهِ كَمَا تَوْفَّقْنَا صِلَتْ عَلَى أَحَدٍ مِنْ
خَلْفِكَ
وَأَنَّهُ أَفْضَلُ مَا أَنْكَرَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَأَجْزَلُ
وَمَنْ يَدْرِي الْعِلْمُ بِمَعْنَى هَذِهِ الْأَخْبَارِ مِنْ دُونِهَا
عَنَا أَفْضَلُ وَكَرَّمَهُ وَاجْتَرَيْتَ أَحَدًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَزَّ
وَجَلَّ وَهَمَّكَ وَكَرَّ الْأَرْوَاحَ بِرَأْسِهِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
أَمْرُهُ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُنَانُ بِالْحُسَيْنِ الْعَافِي لِلْعُظِيمِ وَ
الْمُشِيرُ إِلَى الْوَقْفِ وَهَذَا كَقَوْلِهِ الْوَقْفُ وَهَذَا كَقَوْلِهِ
أَرْحَمُ مِنْ خَلْقِهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَتَسَنَّى
الْحَقُّ عَلَى الْعَالَمِينَ وَهَذَا كَقَوْلِهِ الْوَقْفُ وَهَذَا كَقَوْلِهِ

والله الظاهر من الاختيار لا يحب من وبلانك دعا

والله لا يحب من وبلانك دعا

وذكرها كوار شده است انما احب عصى الله عليه

در عقبتان خصوصاً در عقبتان صبح و شب است

جدا و ما اكفا كردم با بنفذه حصار و الله و

الا غانه و التوفيق و انما انما انما انما انما

ما خود است انما انما انما انما انما انما

روایت و احادیث و انما انما انما انما انما

و هرگاه و سعت و انما انما انما انما انما

و هرگاه و سعت و انما انما انما انما انما

تعبیر و تکلیف و انما انما انما انما انما

ان و انما انما انما انما انما انما انما

و دعاست و سعت و انما انما انما انما انما

از فراغ از نماز صبح و انما انما انما انما انما

باشی مشغول و عقبتان و انما انما انما انما

انما انما انما انما انما انما انما انما

پیشینه و صلاهی خود را طویع افشار خواهد

از برای او سپری که افشار و ستر و است خوانند سوره

پیشین بعد از عقبتان و بدستی که خوانند انما و صبح

همیشه محفوظ است در روزی که شده است انما انما

کنند و این سوره نیز در افعه میگویند و انما انما انما

از خوانند خود هرگز و انما انما انما انما انما

انما انما انما انما انما انما انما انما

بدانکه و ارد شده است و انما انما انما انما

ساعت و سعت و انما انما انما انما انما

علیه السلام و تحضیر انما انما انما انما

در ان و من و انما انما انما انما انما

در محل خود انما انما انما انما انما انما

ساعت است که کاه و انما انما انما انما

طویع صبح و طویع افشار و انما انما انما

امیر المؤمنین علیه السلام و انما انما انما

است انما انما انما انما انما انما انما

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَوْ قَالُوا قَدْ خَلَقْنَا أَفْئِدَةً لِلْإِنْسَانِ
مِنْ عَاقٍ أَطْهَرَتْ قَدْ تَكَ سَبِّحْ صُنْعَكَ وَخَلَقَكَ
عِبَادَكَ لَكَ كَلَفْتُمْ مِنْ عِبَادِكَ وَهَدَيْتُمْ
بِكُورِ فَضْلِكَ إِلَى طَاعَتِكَ وَتَقَرَّرَتْ فِي
عِظَمِ الشَّطْرِ وَتَوَدَّدَتْ إِلَى خَلْفِكَ بِقُدْرَتِكَ
وَقَرَّرْتَ لِلْبَرِّيَّةِ حَبِيبًا لَامِتْنَانِ بِأَمْنِيَّةٍ
مِنْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ
أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ خَارِ النَّبِيِّينَ الَّذِي لَا يَرَى

بِرُوحِ الْأَمِينِ عَلَى قَلْبِهِ لِيَكُونَ مِنَ الْمُنْتَدِينَ إِلَيْكَ
عَزَّيْزِينَ وَيَأْمُرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْبِرِّ طَائِفِينَ
عِزِّ الرُّسُولِ وَبَعْدَ الْبَتُولِ الَّذِي فَضَّلْتَ وَلَا
عَلَى الْخَلْقِ وَكَأَنَّ يَدُ رَحْمَتِكَ رَاقِيَةٌ تَصِلُ
مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدِ فَقَدْ جَعَلْتَهُمْ وَسِيئَةً فِي قُلُوبِهِمْ
أَمَّا فِي يَدَيَّ حَوَالِيَّ وَأَنْ تَعْقِرَ لِي نَبِيَّ وَتُطَهِّرَ
قَلْبِي وَتَسْتَرْعِيَنِي وَتَفْرِجَ كُرْبِي وَتَسْلِعَنِي مِنْ
طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ أَمَلِي وَتَقْضِيَ لِي حَوَالِيَّ

لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و جایز است

بر او دعا و آیت از حق تعالی بخت نماید

که بگردانی این دعا از جمله نفعی بیاید که نبوده باشد
آخر این دعا ای وری از بعد از نماز سجده شکر پس تحقیق
که روایت کرده است رئیس محمد بن در فقیه حضرت
ابو عبد الله علیه السلام که فرمودند که سجده شکر
بر هر مسلمانی تمام می شود چنان نماز خود را و راضی
می گردانی آن پروردگار خود را و شکفت می آید
ملائکه از نوید رستی که بند هر گناه نهان
کنند بعد از آن سجده کند سجده شکر را می کشاید
پروردگار جایز امین بدهد و میان ملائکه پس
فرمایند ای ملائکه من نگاه کنید بده سجده
فرض مرا و تمام کرده است عهد را پس سجده کرده
برای من چشمتان را بخواه افشاء کرده ام من را بگردانی
ای ملائکه من چه چیز است برای او پس میگویند ملائکه
ای پروردگار ما وقت تو را میفرماید

پس از آن دیگر چه چیز پس میگویند ملائکه ای پروردگار
ما کفایت هم و مطلب او را میفرماید خدای تعالی
پس از آن دیگر چه چیز پس میگویند ملائکه ای پروردگار
اینکه میگویند ملائکه پس میفرماید خدای تعالی
ای ملائکه من پس از آن دیگر چه چیز پس میگویند ملائکه
ای پروردگار ما نیست عالمی از برای ما پس میفرماید
خدای تعالی هر این شکر می کند من را این دعا و
شکر کرد مرا و روحی او را بر روی او و فضل خود و
نمایا و رحمت خود را و سنت طولی از این سجده
پس تحقیق که روایت کرده است در فقیه حضرت
کاظم علیه السلام بخود میفرماید بعد از آنکه نماز
صبح میگردند پس بر میخیزند و میگویند یا
بلند نیستند و در هر گاه بکنی این دو سجده را پس
میکنی را عهای خود را بر زمین و می چشمتان را
خود را و شکر خود را بر زمین میخوانی آخر را روایت کرده
است

ما ضي علينا السلام بين مكيون رجاؤه اول اللهم
يا ارحم الراحمين واشهدك ما لا يحيط بك وانبياءك ورسلك
وجميع خلقك انك انت الله ربّي والاسلام
دعني فحمدك صلى الله عليه واله يني وعليا وآل
الحسين وعليها ومحمدا وجعفر وموسى وعليها
ومحمدا وعليها والحسن ومحمدا سلام الله عليهم
آمنتني هم اتون ومن عدوهم كيترا
اللهم اني اشدك دمر المظلومين
اشدك يا باؤك على نفسك لا وليا لك لا تنهينهم

بعدونك وعدوه من ان صلى على محمد وال محمد
المستخفين من ال محمد صلى الله عليه واله
اللهم اني استألك اليه بعد العسر
ميكذاري كونه راس خوذ ابراهيم وفي
يا هفي حين يعني المذاهب وتضي على الاض
ينار جت وبلا ري خلفي نعمتي في وكان عند خلف
عنيتا صل على محمد وال محمد صلى الله عليه واله
ميكذاري كونه ج خوذ ابراهيم وفي
يا مذك كرجاء روا معز كل ليا قد وعزك

[illegible]

و میگوید هرگاه بر میخاری سر خود را از شجره های

اللهم لك الحمد كما خفيت في لسان شيتا مدورا

هست فانه اي كه شاعري در علم مخصوص است پس
ساعتها اول كه انفيضا تطوع صبح است تطوع افنا
از حضرت امير المؤمنين عليه السلام است و ذكر كرده
مادعاي اراد و جمله اعمال اوقات پنهان
ميكنيم دين مقام انچه مخصوص با وقت پس ميگويم
كه ساعت دوم از تطوع افنا است تا بر طرف شد و در
ان و اين حضرت امام حسن عليه السلام و مخفي
در اين سيند عار الله لا خاف في السموات ولا في الارض و الله
عنه ان الرافضة يسمونه و الله اعلم
البدن و القضي و مديرا الارام و القص و من لا
الدين الهمه و من لا الله في دين و من لا الله في دين
المصطر اذا دعا و يكثف السوء يا مالك يا حاجل
حاجه را و يا حاجل را و يا حاجل را و يا حاجل را
يا واحد يا قهار يا عزيز يا عفا من لا ينكر الا
العزيز الودود و يا عزيز الودود الودود الودود
و هو يدرك الابصار يا من لا يسك خشيته و يا

وَلَا يَغْتَرْخَوْا الْإِسْلَامَ وَلَا كُتُوبَهُ إِلَّا مُسْتَكْبَرِينَ
 الَّذِينَ كَذَبُوا فِيهِمْ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا فِي الْوَيْلِ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا فِيهِمْ
 قَبْلَ اسْتِخْفَائِهَا يَأْمُرُ الْبَيْتُ بِالرُّوحِ بِأَمْرِ عَلَى مَنْ
 بِشَيْءٍ مِنْهُ فِي الرُّوحِ وَمَنْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى زَاوَاهِ وَدَوَاهِ
 لِيَأْتِيَ مِنْ عِيَادَةِ يَوْمِ الْخُلَاقِ كَبُرَتْ بُعْدُكَ عَنْكَ
 حَقُّهُ مِنَ الْمَدِينَةِ فِي الْيَوْمِ الْخُلَاقِ كَبُرَتْ بُعْدُكَ عَنْكَ
 وَصَغُرَ فِي جَنَّتِهَا شُكْرِي وَدَامَ غِنَاكَ عَنِّي وَعَظَمَ
 دَوْرُكَ دَجْنَتِكَ مِنْ مَدِينَتِكَ بِأَمْرِ دَوْرِكَ
 إِلَيْكَ فَقَرَى اسْتَلْكَ بِالْأَعْلَى فِي وَجْهِكَ يَا مَنْ لَا
 بَعْدَ مِنْهُ وَجْهٌ سِوَاكَ الْوَيْلُ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا فِيهِمْ
 بَعْدَ مِنْهُ عَلَى كَيْفِ ضَرْبِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا
 فَكَيْفَ سَمِعْتُ مِنْهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا
 رَسُولُ الْخُفَارِ وَجُعْتُكَ عَلَى الْأَبْرَارِ وَالْخُفَارِ عَلَى
 كَذِبِهِمْ بِأَمْرِ دَوْرِكَ وَجُعْتُكَ عَلَى الْأَبْرَارِ وَالْخُفَارِ
 أَهْدَيْتُهُ الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارَ وَأَوْسَلْتَ إِلَيْكَ يَا
 سَائِدُ الْخُفَارِ وَجُعْتُكَ عَلَى الْأَبْرَارِ وَالْخُفَارِ

مرضايتك وجاهدنا في كل حين عن صراط طاعتك
وإيمانك ووجوه كرامتك على أن لا نزل عطفك علينا
ساعيا ظفنا أنا وهتكوا حرمة بعبادنا وعلونا
كبريتك لنا وكونك عزت لنا وكرمك
حماؤنا في الألفا وأحلوهم محلا أهل العناد
همزة سرادقنا الطواف ونزولنا وعلونا على كل من
الشفاء لله فصل على محمد وآله وحده على البنا
مدحوت عندنا البنا فصل على محمد وآله وحده على البنا
عليه خيراتك لعينك وإستقامك ومزنا خطك
برادو كبريتك رخصتكم وأقامكم وكرمكم
ونكالك اللهم إني أسألك محمد وآله واستشفع
بهم في دعائهم وروايتهم وكرمهم
بهم في دعائهم وروايتهم وكرمهم
بهم في دعائهم وروايتهم وكرمهم
بهم في دعائهم وروايتهم وكرمهم

توالتك ولا تهتك الشرا الممددك على من جنتك ولا
تعتز عني عواذك طولك وبعرك ووقفتي لنا بغيري
إليك وأصروني عما عداك عنك وأعطيني من الخبز
أفضل مما أرجوا وأخبرني من الشرا أخاف الخبز
يا أكرم الخلق إن لم يندك رؤاستك يا أكرم
وأزل خضرت سيد عالمين عاكبنا لم يستحقوا إلى
دعانا اللهم أنت المالك المليك المالك وكل
شيء سوى وجهك الكرمي هالك خذت بقدرتك
البحر السوا لك وأمطرت بقدرتك الغيوم السوا
بشر

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ وَجِبَّتْ لَكَ مَعَاذُكَ مِنْ عَذَابِكَ وَتَقَرَّرَ
 رُوحُكَ بِمَعَادِ اللَّهِ **وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَارَأَ الْفَسَادَ مِنَ الْغَلَامِ وَالْغَلَامَ مِنَ الْفَسَادِ**
 لَكَ بِعَظِيمِ نِعْمَتِكَ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
 نَدُو بِرُوحِ الْقُدُّوسِ وَجْهًا رُوحِي **وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَارَأَ الْفَسَادَ مِنَ الْغَلَامِ وَالْغَلَامَ مِنَ الْفَسَادِ**
 ویدانکه نغمه‌های دعاها را بخواند و بشارت داد
 بزیادتی و نقصان آنچه آورده ام من از این کتاب است
 که و تو و دانه بان و اعتماد دانه بان و خداست و تو
فصل و از آنچه بشارت داده است که کرده شود در اول روز
 تصدق است به هر چه میسر شود و هر چند چیزی حقیر
 باشد و روایت کرده است ثقیف الاسلام در کافی
 صادق علیه السلام که فرموده که رسول خدا فرمود که
 صبحگاه بدهند صدقه بیک بیست و سی که بلا بجا و زخم
 کند از این نیز در کافی از آنحضرت علیه السلام
 که فرمود صبحگاه بدهند صدقه و در غایت کیندیش
 نیست و مؤمنی که تصدق کند صدقه که گدازه کند
 آنچه را از خود خالص بدهد آنکه دفع کند خدا کسب آن

شریف فرمودی ای ایها السمان بیوی من در این روز مگر
 نگاه دارد و از خدای تعالی از شرف و قدر و قدری بداران
 روز و از آنچه کرده میشود در اول روز صبح کردن بکلام
 پس در حدیث از اصحاب عصمت سلام الله علیه هر روز
 شاه که هر که مسیح کند روی خود را بکلامی قیام
 او را در آن روز احیای حق و فقری بایده مسیح کرده شود
 رو و دستها و صلاوات فرستاده شود بر پیغمبر صلی الله
 علیه و آله و آنچه کرده میشود در اول روز در غایت
 متدبیل بچند است و بوشید جامها و موزه و بعل
 هر اینها که میکنیم ما بعضی از اربابها و دعای آنها
 پس میگویم و اما متدبیل بچندین تحقیق که در روز
 شده است که بشارت داده است که گفتند شود نزدان اللهم
 سومی نبیاء الایمان و کوشی نایج الکرامه و قل
بسم الله الرحمن الرحیم **وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَارَأَ الْفَسَادَ مِنَ الْغَلَامِ وَالْغَلَامَ مِنَ الْفَسَادِ**
 حبل الاسلام و لا تخلف زقرا الایمان من عنقی
 اندر دانه سلام **وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَارَأَ الْفَسَادَ مِنَ الْغَلَامِ وَالْغَلَامَ مِنَ الْفَسَادِ**

و من این پنج در حال که نشسته باشی و هرگاه منقلب
پس خنک کن بمندیل خود بر سر که خنک است و کذا
روایت کرده است پنج طاهر در تپانید بسیار حسن از
حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر که نماز کند
و تکبیر انداخته را از این خنک خود پس بر سر انداخته و کوفتی که
ساخته و او را برای از ملامت نکند مگر نفس خود را
و روایت کرده است پس بخندین در فقیه از حضرت
صادق علیه السلام که فرموده که من نجیب منکم آنکه
که شروع کند در حاجت خود و حال آنکه با وضو باشد
چگونه برنی ایستاده و بدستی که من نجیب منکم از
کمی که شروع کند در حاجت خود و حال آنکه کذا باشد
باشد تمامه را از این خنک خود چگونه برنی ایستاده
و احادیث در نجیب رخنک بسیار است و تحقیق
که منعقد شده است اجتماع شیعه بر آن و عجیب است
از خنک الفتن ما که چگونه انکار میکنند از آنکه
روایت کرده اند در کتابهای خود از سید علی علیه

نعمتک و حسن عبادتک و العمل بطاعتک الحمد لله
نعمت و بزرگواری و حسن عبادت و عمل بطاعت
الذی رفی ما استر به عورتی و انجلی فی الناس
که در آن که ما استر به عورتی و انجلی فی الناس
و روایت شده است از حضرت باقر که گفته میشود بر تو شد
جامه بولین دعا اللهم لعلک یؤتی یمن و تقوی و برکة
اللهم لعلک یؤتی یمن و تقوی و برکة
اللهم ارفعنی به حسن عبادتک و عمل طاعتک
اللهم ارفعنی به حسن عبادتک و عمل طاعتک
و اذا شکر نعمتک الحمد لله الذی کفانی ما اوفی
و اذا شکر نعمتک الحمد لله الذی کفانی ما اوفی
به عورتی و انجلی فی الناس و روایت شده است
به عورتی و انجلی فی الناس و روایت شده است
که گفته میشود نزد بوسیدن زبر جامه ایستاده
اللهم ارفعنی و ارفع عورتی و ارفع عینی و ارفع فرجی
اللهم ارفعنی و ارفع عورتی و ارفع عینی و ارفع فرجی

پیران نشستی لکن ما خوش میاداد از خدای تعالی و
در من میگوید صاحب از آنکه روایت شده است این
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و هرگاه که از کسی
خود را بجهنم کلام گوید بگویم الله و الحمد لله رب العالمین
پس تحقیق که روایت شده است **ما رواه ابو بصیر عن ابی بصیر عن ابی بصیر**
از حضرت صادق علیه السلام که هرگاه خواهد که چیزی
بجوید یا بپای کند دست خود را بگوید بسم الله و الحمد لله
رب العالمین فی امر من خدای تعالی او را پیش از آنکه رسد
لحم بر کهن او روایت شده است استحباب نیز هر
روایت استحباب آن هر طرف که مانده در او باشد
و هر چند از یک رنگ باشد و هر که فراموش کند شمیله
بر هر یکی پس بگوید بسم الله علی اوله و آخره و روایت
کرده است امیرالمؤمنین محمد بن در فقیه و این خبر از او
که گفت خود نزد شروع در اکل این دعوات است
اللّٰهُمَّ لَا تَطْعَمُهُ وَخَيْرُ وَلَا يَخْزَعَلُهُ
ما رواه ابو بصیر عن ابی بصیر عن ابی بصیر

باشی نری ترا چشمهای خود و یا اگر دست را بلند
هرگاه از طعام باشد این که بپس از او نکر که محمد
خدای تعالی را در شای کلام و ابتدا کن اکل پیش
از حاضران اگر بوده باشی بوضاحت طعام و فراغت
خود را از آن و منرا و اینست چیزی خوردن بدست حب
و نه آشامیدن با آن و نه چیزی خوردن بدو انگشت و نه
کاه حاضر خود را پس ظاهر مکتب خاصه شکر غیر از آن
طعام و مکتب از آن از یک سبزه یا از آن یک سبزه و منرا
یکار و ابتدا کن بتمک و ختم کن با آن و روایت شده است
ختم بیکه نیز و سبب است خاصه که در سبزی تازه برشته
و خوردن گوشت و یک خورد و معتد و معتد ترک
از چهل روز و حال می کن تمام گوشت استخوان را بلکه
بکناری از بقیه پس تحقیق که روایت کرده است که
برای جز در استخوان بهر آید این که هر که بکند در
میرد خانه او چیزی که بهتر از آن باشد و سبب طول
دادن نشستن بر مانده و اگر بوده باشی بوضاحت طعام

بر خجسته که روایت کرده است که گفتار کافیه
 حکایت از آنکه که حضرت زین العابدین علیه السلام
 السلام که فرمودند که من خجسته که هرگاه بیاموزم
 آنرا می خواهم بود آنرا را در حق و بقیای نعمت
 بر او که گفت من که چنانکه فرمودند طول دادن در
 هر کجای که بود در نماز و طول دادن در نشستن بر طهارت
 هرگاه چنانچه بخورد بر نماز خود و بجا آوردن احسان
 بسوی اهل آن و بگویند از فراغ آنرا که خجسته و
 شده است از حضرت صادق علیه السلام الخ
 الذي اطمعنا في جانيهين وسفانا في ظمانيه وكنا
 في عارين وهذا في ضالين وحملنا في ارجلين
 اوانا في ضاحين واخذنا في غايين وقضينا على
 اكثر من العالمين الخ مشهور است زین العابدین را خجسته

سوره فاطر بعد از طهارت و طهارت می یافتند و می توان
 در کتابهای حدیث و سنی و اراست که بشویند حاضران
 دست خود را همه در یک طشت بشویند و نیزند تا
 بر شود و سنت است خلا که در و مکروه است طاعت خلا
 از بزرگتر و از بزرگتر و مورد و انار و سارا است چنانچه
 انداختن اینچنین بر و انار و سارا است چنانچه
 بر و انار و سارا است چنانچه بر و انار و سارا است
 میخوری و موافق اینچنین خواهد بود از عیال و غیره
 توان و نه ایشان بر خجسته که روایت کرده نقل است
 در کافیه حضرت صادق علیه السلام که فرمودند که
 پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که مؤمن میخورد
 بجواهر اهل خود و موافق میخورد اهل و بجواهر
 انا شامیدن انا شامیدن که بگوید نزد شما میدان
 الحمد لله من الماء من السماء ومصرف الامر
 بقاء بقاء الله خير الاما وميكون بعد ان ياتي

مُحَمَّدٌ نَبِيُّ الَّذِي سَقَانِي مَاءً عَذْبًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ لِي حَاجًا
 سَقَانِي مَاءً عَذْبًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ لِي حَاجًا
 بِذُنُوبِي مُحَمَّدٌ نَبِيُّ الَّذِي سَقَانِي فَأَرْوَانِي وَأَعْطَانِي فَأَرْوِي
 سَقَانِي مَاءً عَذْبًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ لِي حَاجًا
 وَعَافَانِي وَكَفَانِي اللَّهُ أَجْعَلَنِي مِنْ تَقِيَّةِ الْمُعَافَاةِ
 وَكَفَانِي مَاءً عَذْبًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ لِي حَاجًا
 مِنْ جَوْشَنِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَعْنَةُ قَبِيضَةِ
 رُفُوفِي
 بِحَوْلَتِكَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَسَنَشْتَاشُ أَمَامَكَ
 بِحَوْلَتِكَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 رَوَيْتَ شَيْئًا سَأَلْتَهُ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَرِهْتَهُ
 أَبْعَادَ مَوْتٍ كَمَا دَسْتُ مَرَأَةً لَسْتُ كَيْفَ سَأَلْتَنِي
 بَدَسْتُ خَوْذُوبِي بِفَضْلِ مُحَمَّدٍ خَدَايَ حَتَّى أَرْبَعْدَ أَهْمٍ
 فَضَنِي وَسْأَلَكَ شَيْئًا سَأَلْتَهُ خَضِرُ صَادِقٍ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ لَرَأَيْتُ أَمَانَةَ أَيْدِيكَ تَقْرُبُ فَرُودًا كَأَنَّكَ
 أَيْدِيَهُ تَوْبَهُ تَوَابًا شَدِيدًا بِسَاءَلِي بِسَاءَلِي بِفَضْلِكَ

از او باشد پس بیایم امریک نفس و تحقیق که روایت شده
 که هر که بیایم ملاقات کند از او و منور خواهد شد
 و هر که خدا را بکشد این را سوره و واجب میشود
 از برای او بهشت و سزاوارست که اجتناب کند از این
 ابدا از طرف دست و از آنی که شکست باشد و بیاید
 محراب پس تحقیق که روایت شده است از حضرت
 علیه السلام که هر که از بیاض خوردن آب بریده است
 که از طاهره که گوشت و روایت شده است که هر که
 بیایم ملاقات کند اما مرخص علیه السلام را
 و هر که کشیده او را منور و خدا را از برای او
 صد هزار حسنه و ساقط میکند از صد هزار حسنه
 و بیاید میکند از برای او صد هزار رجه و بیاید
 که از او که باشد صد هزار رجه **در این**
 میشود میان زوال افتاب غروب و بین اب مقدره
 و تا فصل **در** روایت کرده است رئیس محدثین
 در فضیله این شعر **صلی الله علیه و آله** که فرمود که

هرگاه زوال افتاد میشود درهای ایمان و درهای همت
کشوده میشود و مستجاب میشود دعا پس خوشا آنکه که
بالا برده شود برای اعمال صالحه و روائت کرده است
نیز از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که افتاد
نزد زوال حلقه ایست که داخل میشود در آن هرگاه
داخل میشود در آن زایل میشود افتاد پس تسبیح میکند
هر چیز که پائین عز است سجده بر رویه و کار من عز و جل
و انما عیت که صلوات صیغ هستند بر سر در آن بگوید
من جل جلاله و فرض کرده است بر من و بر امت من دراز
ماند از او فرموده است اقبر الصلوة لذلک الشمس الی

عشق المثل معنی های در نماز از زوال افتاد
ناضعت و الله تعالی عیله و انما عیت
که می آید در آن حضرت را در هر قیامت پس بپایست
که در آن موافق افتاد باشد و این ساعت که بوده
باشد و سجده کند یا رکوع کند یا ایستاده بکند

اینکه هر امر که از خداوند بفرماند او را نشنید
سزاوارست برخواستن بسوی نماز در اول وقت آن
انما واجب باشد نیست مگر آنچه استثنای کرده است
پس بدین معنی که فضل اول وقت بر آخر آن مثل فضل
بر دنیا چنانکه روایت شده از حضرت صادق علیه السلام
و روایت شده نیز از حضرت که اول وقت خوشتر است
خدا تعالی است و آخر آن عفو خداوند تعالی و ظاهر اینست
که این فضیلت را یافت میشود بمشغول شدن در اول وقت
وقت عباده مانده اند طهارت پس سستی و درنگ چنان
شیخ ما شیخ شریفی و موقوف نیست در یافتن آن
بر داخل شدن در نماز در اول وقت و اما آنچه در بعضی
روایات مذکور شده که ظاهر هر حال اینست چنانکه
روایت شده از ائمه علیهم السلام که توفیر و تغیر نکرد
نماز آنکه کسی که تأخیر کرده باشد طهارت را اما اینکه داخل
سر وقت نماز پس من میافهم از برای آن سندی که
اعتقاد باشد بر آن و بنقدیر اندر هر عمل را در نماز

روایت کرده است نفع الاشلاء در کافی و سحران
 حضرت صادق علیه السلام که هر که بشود چیزی از قوا
 بر چیزی پس بکند تا خواهد بود از برای آن چنان و هر
 بنوده باشد حدیث چنانکه رسید با و پس هر که کند
 ما را چنان لا اله الا الله کند که بر آنیکه در میان زمین
 طهارت میان اول وقت و نماز منافی توقیر است نه
 اینکه منافی دریاقت فضیلت و قنوت است که اگر آن
 از برای یک است غیر توقیر نماز پس در کتب و شرافت است
 انتظار کشیدن نماز و مشرف شدن به سوی قنوت
 چنانکه روایت شده که پیغمبر انتظار میکشیدند تا داخل
 شدن وقت نماز او میفرمودند تا چنانکه ایستادند
 کن بر نماز داخل ایستادند تا علامه کردن بداخل شدن وقت
 چنانکه فرموده است پیغمبر که قرع عین من در نماز است
 و اوله فالشروع کردن سائر است زیرا دلی بعد از که
 شدن تا حادث شدن بعد از بر طرف شدن پس بدین
 که هر چند زیاد می شود که شدن تا اینکه هرگاه بد

افتاب با آنچه نهایت کوشش است در آن روز با الکلیه
 بر طرف میشود و از نزد زمین سید افتاب است یا نه
 النهار یعنی منصف طایفه مشرق و مغرب معلوم است
 که او ضلع افتاب نسبت بنا کائنات ایم مخالفت لبر
 نسبت بنا کائنات بعضی فایده نباشد در وقت زوال
 از طرف جنوب از سمت الراس ایشان و نسبت بعضی
 در طرف شمال و نسبت بعضی مقابل رایشان و فایده
 لبر در موضع اول بر طرف می شود سائر از آن منصف
 مرتفع بلکه می مانند در این وقت در طایفه ای کوه ای آن
 از سائر کشیده شده بر طرف شمال جنوب و در حال
 شروع سائر در این زمان اول وقت زوال است و در وضع
 سائر بر طرف می شود سائر الکلیه اول ظاهر شدن
 از وقت زوال است سائر شاخص را پیش از زوال اطلال
 گویند و بعد از زوال می گویند چنانچه معنی است
 و الله بعد از زوال جمیع میکند بدین معنی
 که داشت پیش از زوال و میکشد وقت فضیلت فایده

ظهر از فالان اینکه بکره دوقیعنی سایه که حادث میشود
 بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت عصر
 تا اینکه بکره دوقی برابر شاخص و فضیلت برای تو
 ناخیز کردن هر یک از فرض ظهر و عصر از اول وقت
 از مقدار این که بگذاری را تا نافلة ایضا و کسی که نمیکند
 نافلة پیش از اذان نیست که وقت نافلة ظهر از اول وقت
 فضیلت و مشهور اینست که وقت نافلة ظهر و از اذان
 صلاه او این میگویند از زوالست تا اینکه بکره دوق
 دو قدم یعنی پنج ار و سیم شاخص چنانچه غایب نیست
 که قامت هر شخصی بقدر هفت قدمست قدم خوش
 و وقت نافلة عصر و از اذان میگویند تا غایت غروب
 از ظهر اینست تا اینکه بکره دوق چهار قدم و بعضی آنرا
 تا بر آنست که میکشد وقت این نافله را بکشد و وقت
 فضیلت هر یک از این نافله ظهر تا اینکه بکره دوق
 شاخص و نافلة عصر تا اینکه بکره دوق دو برابر آن
 این قول و در غایت دور و ایاز معتبر و دلالت بر اینست

بلکه در بعضی احادیث و افقش از آنست که لایق میکند
 ظاهر این سخن زیاده ازین و بعضی آنست که اگر کسی
 طایفه در غایت بکشد و صبحی از عصر صادق
 که فرموده نماز است بمنزله هدیه است هرگاه آورده
 شود این قول کرده میشود بر مقدمه دار هر چه را خواهی
 و لیکن غایت کسی از علمای ما را که عمل کرده باشند
 مستفاد میشود از اطلاقی این روایت از توسع و تفهیم
 و ناخیز و کوبار و بقیه بر اداسست بناخیز و صلاه الله
 اعلم و مشهور میان علمای ما فایده الله انما احسن
 که جایز نیست عتقاد ظن باطل شدن وقت مکرر عتقاد
 فایز نیست عتقاد ظن باطل شدن وقت مکرر عتقاد
 یک عادل و اذان شهر و هر چند مؤذن عادل باشد
 باعجاز علم و ظاهر کلام محقق در معتبر اینست که جایز
 اعتقاد دادن یک عادل ناخیز و عادل اذان ایشان بکر
 ظاهر هر چه از اعتقاد بر آنست هر چند عادل باشد و علمای
 که عدم شیخ حاصلست بر او است و از استلزامی کسی

یا وحافظت کن چنانکه حافظت میکنی بر چهره های
سجده الله و الحمد لله ولا اله الا الله والحمد لله
الذی لم یخذلنا و لکن له شریک فی الملک
و لم یکن له ولی من الذل و کبره و تکبیر
بعدا از بشتاب نویضو بعد از ان شروع میکنی
در نافله زوال پس نیست میکنی در رکعت اول و میگوئی
ان هفت کبیرا بادعاهای انها بخوی که در باب اول
گشت و بعد از ان میگوئی اعوذ بالله من الشیطان
الرجیم و میخوانی بعد از فاطمه رکعت اول و بعد
در رکعت دوم سوره جحد چنانکه روایت کرده است
الاستلام در کافی پس بعد از ان سوره میباید
میگوئی ان سه تکبیر را که بعد از نماز است چنانکه
گشت و تسبیح فاطمه را علیها السلام بعد از ان

الاستلام انی ضعیف فقوی فی نمازک جعفتی فطالک
انحرینا صیحتی فاجعل الایمان مشهور ضایق
بارک فیما قسمت لی بقینی بر حسنک کل الذی
ارجوا منک و اجعل لی ودا ویرا لله و منین و تحکما
عندک بعد از ان میخوانی و رکعت چهارم بخوانی
تکبیر که در اول نماز گفت میشود بادعاهای انها
ان و رکعت یکم مثل انها و میخوانی بعد از هر یک از
دو رکعتها تعقیب و دعاهای که مذکور شد و بعد
از انکه تمام کردی شستن رکعت با انواع ان بر بخیزی
و از ان میگوئی برای ظهور فاصله میکنی میان ان
و امت بعد رکعت بر همان سؤال و این دو رکعت
و هفت نماز نافله ظهر و بعد از ان اقامت میکنی

جبريل وميكائيل واسرافيل ورب السبع الملائكة
جبريل وميكائيل واسرافيل ورب السبع الملائكة
والفرقان العظيم ورب محمد خاتم النبيين
والتواتر والركب والركاب والركاب والركاب
علي محمد وال محمد واسئلك بائنيك الاعظم
بواسم محمد وال محمد واسئلك بائنيك الاعظم
الذي يرفع السجود والارض ويرفع
الذي يرفع السجود والارض ويرفع
الموتى وترزق الاحياء وترزق بين المجموع
الذي يرفع السجود والارض ويرفع
جمع بين المنفرد فيه اخصيت علما الاجال
الذي يرفع السجود والارض ويرفع
وقدنا بحبال وكيل الحار اسئلك يا من هو كذا
الذي يرفع السجود والارض ويرفع
ان تصلي على محمد وال محمد وان تفعل في كذا
الذي يرفع السجود والارض ويرفع

وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
ميكني وبعدي شكر او ميكني في رايها وبعدي اذنا
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
انما يعلق بقلوبها زلفه وارزق ميكني بها فله عصر
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
وتكنية الاخره ميكني حمده وركعت اولها ان
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
تكنية زكركمست يمينت كفتن انما در هيج نافله
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
مكرن حجارا اول نافله زوال اول نافله مغرب و
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
ويكرن اخر وروميخون در نافله عصر اخر خواهي
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
انزورها وبعدي اذنا ميكني في رايها وبعدي اذنا
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
سوزها في اكرت عيشه افعله استرانيها ارامه
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
هدي عليهم السلام واخيار ميكني ارامه اخر
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
برون نروذ ووقت بخوانك ان يحقنوك رؤيت
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
شده است از حضرت زلفه جليل السلام كه هر كه بخواند
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
صفه در نمازهاي فاجي و سبهي خود بخواند خدائي تعالي
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
او ادر يك صفه يا ملكه خود و سبهي ان رسول خود
وكذا بعد اذان سوال ميكني حاجتي بخود لا بعد اذان
وهو ان حضرت است كه هر كه بخواند و متكدر خواند

سورة في الدنيا ازهاى لخيرى مستحقى خورده كند
راورد و زى او را بدهد و نامى را او را بدست
او و حساب كند او را حساب نيك و هم را انحصار
كه نسيان كند تا روز سوره الحافه را در نمازهاى قضا
و سنت زيارت كند اين جمله ايمان بخداى تعالى فرسول
او سنت و هر كز اين عملها را بخواند ان ايمان او تا
اينكه عبادت و نماز را بخشد از دور كه نيكو
الله الله لا اله الا هو اعز القوم على العظم
هذا من قول الله عز وجل لا اله الا هو اعز القوم على العظم
الحكم الكرم الخا لى الرزق الحى المهيمن المهيمن
بر او است و گفته اند در سوره ناس و سوره الفاتحه
التبني لك الحمد و لك المنة و لك الكرم و لك
عز و جلاله و هو العزيز المتعالي و هو العزيز
و لك الامر و خلقه لا شريك لك يا واحد يا احد
و هو الرقيب و هو العزيز و هو المتعالي و هو العزيز
يا صمد يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد

و له تحيى صالحة و لا ولد صالح على محمد و آله و
عليه السلام و هو العزيز و هو المتعالي و هو العزيز
و لك الحمد و لك المنة و لك الكرم و لك
عز و جلاله و هو العزيز المتعالي و هو العزيز
التبني لك الحمد و لك المنة و لك الكرم و لك
عز و جلاله و هو العزيز المتعالي و هو العزيز
و لك الامر و خلقه لا شريك لك يا واحد يا احد
و هو الرقيب و هو العزيز و هو المتعالي و هو العزيز
يا صمد يا من لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفوا احد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَفَّرَ عَنْكَ مَا اسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَدْعُوكَ مِنَّا
إِلَّا نَحْنُ وَنَحْنُ وَنَحْنُ وَنَحْنُ وَنَحْنُ وَنَحْنُ وَنَحْنُ وَنَحْنُ وَنَحْنُ وَنَحْنُ
دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ الْيَتِيمُ الْأَفْقَرُ الْمُسْتَضْعِفُ الضَّرْفَاءُ
الْمَذْمُومُ الْبِشْرُ الْوَسِيبُ الْوَسِيبُ الْوَسِيبُ الْوَسِيبُ الْوَسِيبُ
بِهِ أَنِّي مُسْتَعِزٌّ بِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
لَهُ وَكَشَفْتَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَمُشَاهِدُهُ
أَكْبَرُ وَأَكْبَرُ وَأَكْبَرُ وَأَكْبَرُ وَأَكْبَرُ وَأَكْبَرُ وَأَكْبَرُ وَأَكْبَرُ
مَعَهُمْ فَإِنَّ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا
بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
عَبْدُكَ وَسَأَلْتُكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا
بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
عَبْدُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي
بِسْمِ اللَّهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
كَأَفْرَجَتْ عَنْهُ وَأَنْ تَسْتَجِبَ لِي مَا اسْتَجَبْتَ لِي
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَأَدْعُوكَ عَمَّا دَعَاكَ بِهِ يَوْسُفَ إِذْ قَبَّلَ عَلَيْهِ يَدَايِهِ
وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
أَهْلُهُ وَإِذْ هُوَ فِي الْبَيْتِ فَأَنْدَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَسَأَلْتُكَ وَهُوَ عَبْدُكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَأَنَا أَسْأَلُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَجْتَ عَنْهُ وَأَنْ تَسْتَجِبَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
لِي كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَمَا وَكَدَا وَذَكَرْتُكَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَمِنْ كَوْنِي بَعْدَ ذَلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

يا ذا الجلال والاعزاز غفر لنا ذنوبنا ولا تنقصنا ولا تقمنا ولا تقمنا ولا تقمنا
عصروا صله منك في ميان اذان واما من بعد وعاد
منك في باطن كشت در جمع وظهر بعد اذان سغول
شوتا وعضر عايت كشته جميع ان اذان يا ذا الجلال
مداكور شد ونيوزي در كهت اول اذان يا ذا الجلال
والعز يا الهكم الحكيم ومانند انا را در كوناها
چنانكه روايت كرده است از شيخ طائفة در تهمة
الرجسرت صادوق عليه السلام كشد جميع وبعد
ان فارغ شد از نماز يعقوب منك في باطن يعقوب كذا
بان در ظهر مكران مخصوص لشعبه اذان يا ذا الجلال
كه استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم
هذا هو الحق الذي لا ريب فيه
الرجسرت ذا الجلال والاعزاز واستغفر الله ان ثوب
معدن وحب منكم اكره منكم في الله
على توبة عبدك خاضع فقير يا ذا الجلال مستكين
بروز توبه ما جبره ودر نماز كشد وبقدر حق مناجاة

مستكين لا يملك لنفسه نصرا ولا نفعا ولا موقرا ولا
برهان ودر نماز كشد وبقدر حق مناجاة
حياة ولا تنورا اللهم افي اعدوك من نفس لا
زنا كذا ودر نماز كشد وبقدر حق مناجاة
كشع ومن قلب لا يشع ومن علم لا ينفع ومن
سرمه ودر نماز كشد وبقدر حق مناجاة
صلوة لا ترفع ومن دعا لا يستمع اللهم افي
الاربعين ودر نماز كشد وبقدر حق مناجاة
استك انك بعد العسر والعرج بعد الكربة
الاربعين ودر نماز كشد وبقدر حق مناجاة
والرضاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة فيناك
وربنا بعد محسن ودر نماز كشد وبقدر حق مناجاة
وحالك لا اله الا انت استغفر لك والتوب اليك
نعم من حيث مدبر الوعد من نعمك لا اله الا انت
وتمت استغفار بعد اذان نماز عصر هفتاد مرتبه
وشره ودر نماز كشد وبقدر حق مناجاة

الْحَمْدُ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ هُوَ
مَوْجِدُ الْأَسْمَاءِ وَالْأَعْقَابِ وَظَاهِرُ الْوُجُوهِ وَدَاخِرُ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ فَأَمَّا الْإِبْرَاهِيمُ وَجَاعِلُ اللَّيْلِ نَكَّارًا
وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ
يَا غَالِبَ السَّاعَةِ مَعْلُوبٍ وَيَا شَاهِدَ الْإِعْتِبَارِ
قَرِيبُ يَاجُجِبْتُ ذَكَرْتُكَ اللَّهُ رَبِّي إِلَهَ الْأُمَمِ عَلِيمِ
تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ الْأَنْتَبُ أَنْذَلْ لَكَ لَيْلِكَ نَذَلْ لَكَ الظُّلُمَاتِ
وَأَخْضَعُ بَيْنَ يَدَيْكَ خَضُوعَ الرَّاغِبِينَ وَأَسْأَلُكَ
سُؤَالَ الْفَقِيرِ الْمُسْتَكَرِّ وَأَدْعُوكَ تَضَرُّعًا وَخُضُوعًا
وَأَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَأَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَأَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ

إِنَّكَ لَا تُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَأَدْعُوكَ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ
رَحْمَتَكَ قَرِيبٌ مِنَ الْحَسَنِينَ وَأَسْأَلُ لَيْلِكَ
وَصَفْوَتِكَ مِنَ الْعَالَمِينَ الَّذِي جَاءَ بِإِصْرِي وَ
صَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ أَنْتَ
الْمُبِينُ وَكَوَلَيْكَ وَعَبْدُكَ عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَبِالْإِمَامِ مُحَمَّدٍ عَلِيٍّ يَا فَرِيدَ الْعُلُومِ
الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ الْعَالَمِينَ يَا وَدِيلَ الْكَتَابِ
الْمُسْتَبِينَ وَأَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَأَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَأَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ

[illegible]

مؤلف این جلد میرزا محمد علی قزوینی است
چاپخانه میرزا محمد علی قزوینی در تهران

أَنْ تَقَرَّعَهُ لِعِبَادِنَا ذِكْرَ وَيْلَتَةٍ يُطَاعُونَ مَا جِئْتَ
دَعْوَتَهُ أَنْ تُضِلَّ عَلَى الْخَلْقِ وَاللَّهُ تَعَالَى بِمَا عَنَى
وَأَحِبُّ حَقُّهُمْ وَتَرْضَى لَهَا فِي آدَامِ قُرُوضِهِمْ
أَنْ تَسْأَلَ لِنَاكَ بِهِمْ وَلَسْتَ تَقْضِي عَنْهُمْ وَقَدْ
قَدْ تَسْأَلُ أَمَّا فِي بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُخَيَّرَ عَلَى خَيْرِ
عَوَائِدِكَ وَمَخَيَّرَ جَزِيلَ قَوَائِدِكَ وَأَخْلَسَ بَعْدِي
وَسِرِّي نَاصِيَتِي وَقَلْبِي وَغَرْمِي وَلَبِّي مَا أَسْأَلُ
بِهِ عَلَى هَوَاكَ وَتَقَرُّبِي مِنْ سَبَابِ رَحْمَتِكَ وَتَوَكَّلِي
أَنْ تَحْمِلَ لِي فِي هَذِهِ ذِكْرَ آدَامِ مَا سَمِعْتُ مِنْ قَوْلِكَ

تَوَكَّلِي فَضْلِكَ وَتَسْتَدِيرُ لِي مَنَاجِي طَوْلِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَأَمَّا سَاعَتُهُمْ فَمَا زِلْتُ أَكْتُشِرُ جَهَنَّمَ كَلْبًا
وَأَيْدِيَا أُنْتُ لِلْهَمِّ أَنْتَ الْكَافِي لِلْيَمَانِ وَالْكَافِي
لِلْمُهْمَانِ وَالْمَقْصُوحُ لِلْكَرَامِ وَالْشَامِعُ لِلْأَصْوَابِ
وَالْخُرُجُ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَالْجُحُوبِ لِلدَّعْوَانِ وَالْخُرُجُ
لِلْعَبْرَانِ جَبَارُ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ يَا أَوْفَى الْأَوْفَى
يَا أَعْلَى الْأَعْلَى يَا كَرِيمًا يَا أَكْرَمَ بَائِسٍ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْعَظِيمَةُ
يَا مَنْ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ فَاطِرُ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضُ وَهُوَ يُطْعِمُهُ وَلَا يَصِفُكَ أَهْلُ الْمَصْطَفَى
وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ وَالْأَرْضُ وَالْأَنْفُسُ
مِنْ الْخَلْقِ الْمَبْعُوثِ بِالْحَقِّ وَبِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ
أُولِيَتْهُمُ الْفَقِيهَةُ شَاكِرًا وَأَبْتَلَيْتَهُمْ فُوجًا ذَاتَ
وَلَايَا وَالرِّضَا عَلَيْنَ مَوْسَى الَّذِي أَوْفَى بَعْدَكَ
وَأَمَّا رَحْمَةُ اللَّهِ فَتَعْلَمُ أَنَّهَا كَرِيمَةٌ
وَوَلَوْ أَنَّكَ لَوَدِدْتَ أَنَّ الدُّنْيَا وَقَدْ أَقْبَلَتْ إِلَيْكَ
وَرَعِبَتْ عَنْ رَيْبِهَا وَقَدْ رَعِبَتْ مِنْهُ أَنْ تَصِلَ
عَلَى حَجَلٍ وَالْحَمْدُ فَقَدْ تَوَسَّلَتْ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ
قَدْ تَوَسَّلَتْ بِهَا فِي يَدَيَّ حَاجِي أَنْ تَهْدِيَنِي إِلَى
وَقَدْ تَوَسَّلَتْ بِهَا فِي يَدَيَّ حَاجِي أَنْ تَهْدِيَنِي إِلَى

سُبُلِ رُضَاكَ وَتُبَيِّرَ لِي سُبُلَ طَاعَتِكَ وَتَوَفَّقِي
لَا بُدَّ مِنَ الْفَقِيهَةِ بِمَا أُولِيَتْكَ وَأُولِيَتْكَ
مِنْ أَعْدَائِكَ وَتُبَيِّرَ لِي عَلَى أَمْرٍ فَرُوضِكَ وَلِتَعْمَلَ
سُنَّتِكَ وَتُوفَّقِي عَلَى حَقِّهِ الْمُؤَدَّةِ إِلَى الْعَوْنِ مِنْ
عَذَابِكَ وَالْعَوْنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
سَاعَتُهُمْ لَيْسَ لِي فَهَارُ عَصْرَتَا أَيْتُكَ بَكْرَةً وَدُرَّةً
سَاعَتُ وَابْنِ حَضْرَتِ جَوَادٍ سَاعَتُ وَلَيْسَ عَالِي الشَّيْءِ
اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ الْأَنْوَارِ وَمُقَدِّمَ الْكَلِيلِ وَالْكَهْلِ
تَعْلَمُ مَا عَمَلْتُ كُلَّ شَيْءٍ فَمَا تَعَيُّضُ الْأَرْحَامُ وَمَا

نظام حاکمیت و حکومت و ادب و اخلاق است و ملازمین است که با هم

میگوید و در آن است که در آن کوه که در آن است

و اما در خصوص بنام ائمه و اهل بیت علیهم السلام

تقطع له مل من خلق الضلوك واد اومع ليا

وَالْمُتَّقِينَ

از مردم ایستادند و
سوار شدند و رفتند

لَا وَابِلَ الَّذِي تَرْتَلِّ عَلَيْهِ الْكِتَابَ وَنَصْرَهُ

منه

بر اعداء و دشمنان خود در این راه مبارزه

عَلَى ابْنِ طَالِبٍ أَكْرَمَ النَّصَابِ الْمُتَصَدِّقِ

تاریخ اسلام ۱۴۴۴ھ

در محراب و ایوان و منبر
که در قیام و نماز

السلام الذي مثل فوفسته لرد جوابي وامحي

الحمد لله رب العالمين

سید کبیر الدین و سید
دعوت بر حق آمد

وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْفَارُ أَنْ يَجْعَلُوا لِأَنفُسِهِمْ

فیران اولیٰ بالترجمہ لکھنؤ دہلی

حَصَمَهُ مِنْ لَنَا وَوَجَّهَ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ وَقَدْ

بِهِمْ وَقَدْ مَنَّمْهُمُ أَمَامَهُمْ وَبَنِيهِمْ وَأَجْمَعُ وَإِنْ تَقْصُرْنِي

این سوره در مقام بیان در بیان حقیقت حق و جلالت او است

مِنْ الْغُرُضِ الْمَوَافِقِ سَخَطِكَ وَتَوْفِيقِي لِيَاوُكُ

مَحْمُودٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ

عن جعفر بن محمد عن زرارة عن ابي بصير عن ابي بصير عن ابي بصير

دهم ليل في وساعتك بعد انقضاء عصرنا نريدك
 برزقي اقبال ابن احضرت هادي استلنا عاوي
 اللهم انت الولي المحيى العفو الودود المبك
 هذا هو اقر يا رب من كان له العفو والودود
 المعبد والعرش المحيى والبطش الشدي فقل
 في يومنا من عبيدك يا رب انتم كنتم تفتقد
 لما يريد يا من هو اقرب الى من جبال الودود يا من هو
 اكرم الاكرام يا من هو ارحم الراحمين يا من هو
 على كل شئ شهيد يا من لا يعاظم عقران
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 الذنوب ولا يكبر عليه الضعف عن العيوب
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 اسألك بخلافك وبغير وجهك الذي ملكا اركا
 ما لا يملك يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 عرشك ويهدئك التي قد رت بها على خلفك
 في يومنا من عبيدك يا رب انتم كنتم تفتقد

برحمتك التي وسعت كل شيء وتوفيتك التي ضعف
 في يومنا من عبيدك يا رب انتم كنتم تفتقد
 لها كل قوي ويعزتك التي لها كل عز وبر
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 بمشيتك التي ضعف فيها كل كبير ورسول
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 التي حمت به العباد وهدت به الى السبيل
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 وبيا من المؤمنين على يدي طالع عليه السلام
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 اول من امن برسولك وصدقك والذى وفى بعهده
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 عليه وصدقك وبالإمام الزكي بن محمد
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين
 السلام الذي كفتته حيلة الأعداء وأمر
 يا من هو ارحم الراحمين يا من هو ارحم الراحمين

عَجَّتْ الْاَيَةُ اِذَا تَوَسَّلُوا بِهِ فِي الدُّعَاءِ اَنْ يَصْلِي
عَلَيْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ اسْتَفْعَلْتُمْ لِيَلِكُ
قَدَمُكُمْ اَمَّا فِي بَيْنِ يَدَيِ حَوَاجِي وَاَنْ يَجْعَلَ لِي
كَوَالِيكَ فِي خَيْرِ حِرْزٍ وَمِنْ كَلَامِكَ كَحْتَ عَيْنِ
عَزِيزٍ وَتَوْفِيقِي مُكْرَ الْاَمَكِ وَمِنْكَ وَتَوْفِيقِي
وَالْاَعْمَرُ اَوْفَ بَايَا ذِيكَ وَتَعْمَلُكَ بَا اَرْحَمِ الرَّاحِمِينَ
وَاَمَّا سَاعَتُهُمْ لَمْ يَزِدْ لِي ذِيكَ نَزْدِي اَمَّا بَلَدِي
فَانْزِدْ لِي وَاَيْنِ اَنْ خَضِرَ عَنِّي عِلْمُكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاَيْنَا
اَنْتَ اَللَّهُمَّ اَنْتَ مَرْبُّ الْقُرْآنِ وَخَالِقُ الْاَرْضِ وَالْجَانِ
وَالْاَسْمَانِ وَتَوَسَّلُوا بِهِ فِي الدُّعَاءِ اَنْ يَصْلِي

وَجَاعِلُ السَّعِيرِ الْقَمَرِ حُسَيْنِ الْمُبْتَدِي لِيَطْلُقَ
الْاَمِينِ وَالْمُبْتَدِي الْفَضْلِ وَالْاَحْيَانِ وَتَوَسَّلُوا
بِهِ فِي الدُّعَاءِ اَنْ يَصْلِي
الْزِي فِي جَمِيعِ الْحَوَالِ لَكَ الْهَامِدُ وَالْمُتَمَدِّحُ وَمِنْكَ
الْعَوَائِدُ وَالْمَنَافِعُ وَالْيَتِيمُ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ
وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ وَانْتَ الْعَالِمُ بِمَا خَفِيَ الصُّدُورُ
وَالْجَوَائِحِ اسْتَكَاتِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
رَسُولُكَ اِلَى الْكَافَّةِ وَآمِينَكَ الْمُبْعُوثُ بِالْكَوْنِ
وَالْكَافَّةِ وَآمِينَكَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيَّ طَابَ لِي عَالَمُكَ
وَالْكَافَّةِ وَآمِينَكَ اَعْرَافُ طَابَ لِي عَالَمُكَ

أَفْتَرِضْ طَاعَةً عَلَى الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ الْمُؤَيَّدِ
كَمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
فِي كُلِّ مَوْفِقٍ مُشَوِّدٍ بِالْإِيمَانِ الْحَسَنِ عَلَى
أَمْرٍ مَوْفَقٍ شَهِيدٍ وَبِمَنْ
الَّذِي طَرُوحَ لِلشَّبَاعِ فَخَاصَّةً مِنْ مَرِضِيَّاتِهَا
أَمْرٍ مَوْفَقٍ شَهِيدٍ وَبِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
بِالدَّوَابِ الضَّعَائِفِ فَذَلِكَ لَهُ مَا كَيْفَ هَا أَنْ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
عَلَى مَحَلٍّ وَالْحَمْدُ فَقَدْ نَوَّسْتُ بِهِمْ وَقَدْ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
أَمَّا فِي قَبْلِ بَدَى حَوَاجِي وَأَنْ تَرْحَمَنِي بِالتَّوْفِيقِ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
مَعَاصِيكَ مَا أَفْقَيْتَنِي وَتَعَيَّنَتْنِي عَلَى الشُّكْرِ بِطَاعَتِكَ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
مَا أَحْبَبْتَنِي وَأَتَمَّنَتْنِي بِخَيْرِكَ إِذْ تَوَفَّقْتَنِي
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ

وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَرْتَ قُلُوبَهُمْ وَطَهَّرْتَ الْقُلُوبَ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
أَنْفَعْنَا بِحُجَّتِهِمْ وَأَخْشَرْنَا فِي مَرْغَبِهِمْ وَخَتَمْنَا
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
وَلَا تَفْرِقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ وَاجْعَلْ فِيهِمْ عِنْدَكَ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ لَا حَوْلَ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
عَالِيَهُمْ وَلَا هُمْ يَخْزُونَ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
النَّارَ بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
وَجَعَلَهُ لِبَاسًا وَسَكَنًا وَجَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ
أَيُّهَا لَعَلَّكُمْ يَهْمَا عِلَّةَ السَّيِّئِينَ وَالْخَسَائِفِ
بِمَنْ قَرَّبَتْ حَقَّتْ أَوْ تَزِيدُ

عَلَى أَقْبَالِ اللَّيْلِ إِذَا بَارَأَ النَّهَارَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي

وَاصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَصْلِحْ لِي أَمْرِي الَّذِي هُوَ مَقْلَبُ أَمْرِ

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

وَأَذْفُرْ عَنِّي الْاِسْتِمَاعَ فَاصْبِرْ الْعُيُونَ دُمُوعًا

عَدَلًا وَاحْسَانًا وَتَوَسَّلَ عَلَى الْعِبَادِ بِطَوْبِهِ وَفَضْلِهِ
العدل جبار والاحسان جبار
وَأَمِينًا وَأَقْبَلَنَا وَفَعَّلَنَا خَيْرًا مِنْ كُنْهٍ غَيْرِ احْتِدَادٍ
والأقرب والأمين
تَرْجِعُ إِلَيْنَا يَدَيْهِ عَصَا جَدِيدًا أَنْ تَصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
والعصا جديده
وَالْحَمْدُ فَكُنْتَ تَسْتَفْعِلُهَا لِيَكُونَ لَكَ وَقَدْ نَهْنَهْ
والحمد لله
أَمَّا فِي يَدَيَّ حَوَاجِي فَإِنْ تَوَضَّعْتُ شُكْرًا لِعَمَلِكَ
والحمد لله
وَالْتَوَقُّفُ لِعَمَلِكَ وَالْهَدَايَةُ لِلطَّاعَةِ وَنَزَلَ
والحمد لله
قُوَّةً فِي الْمَسْكَ بِعِصْمَتِهِ وَالْإِقْدَامُ لِيَسْتَبْدُو
والقوة
أَكُونُ فِي مَرْبَعِهِ أَنْتَ سَمِعَ الدُّعَاءَ بِرَحْمَتِكَ يَا

الرَّحِيمِ الْإِلَهِي جَمَارُ دُرٍّ جَزْءُ كَرَمٍ مَبْشُورٍ وَمِيَانُ غُرٍّ
الرحيم
أَفْثَابُكَ وَقَدْ تَمَّازَ مَغْرِبُ بَابٍ مَشْهُورٍ بِطَرَفِ شَدَنٍ مَحْشُورٍ
أفثابك
طَرَفُ مَرْفُوتٍ وَمِنْكَ شَدَنُ وَقْتُ فَضْلِكَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ
الطرف
سَرَحِي مَغْرِبٍ وَوَقْتُ دَائِي أَنْ تَأْتِيَنِي بِلِقَائِكَ يَا قَائِدَ الْبَصِيرِ
السرح
شَبَقَةٌ كَذَرْدَنْ أَنْ تَأْتِيَنِي عِشَاءً بِرَهْكَاهِ تَحْقِيقِ كَرَمٍ
الشبك
دَاخِلُ شَدَنٍ وَقْتُ زَامِنِكُوهُ مَرْبَعَةُ الْخَيْرِ رَوَايَتٍ
الدخل
كَرِيمَةٍ لَدَيْكَ يُحْدِثُ دَرْفَتِي لِيَسْتَبْدِيَ صَحْبِي لِحْضَةٍ
الكرامة
صَادِقَةٍ عَلَيْكَ السَّلَامُ أَزْدَعَا نَوْحَ بَرٍّ بِغَيْرِ مَا يُرَوِّدُ
الصدق
دُرُّ دَوْلَةٍ رَوَايَتٍ كَرِيمَةٍ أَنْ تَأْتِيَنِي لَاسْلَامٍ
الدور
كَافِي لِيَسْتَبْدِيَ صَحْبِي نَزْلَ حَضْرَتِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَتَحْقِيقِ
الكافي
كَدِّكَ شَدَنُ كَرَامَتِكَ دَرْعَا هَامِي نَزْدَ طُلُوعِ ضَمِيمٍ وَفِي
الكدم
كَدَارِي سُنْخُودَ بَرٍّ جُودٍ بَعْدَ زَانٍ مَيْكَلِي أَنْ لَبَّ
الكدار
رُؤْيَا خُودٍ مَيْكَلِي بَرٍّ جُودٍ أَوْ مَيْكَلِي أَحْطَى
الرؤيا
عَلَى نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي مِنْ غَائِبٍ وَشَدَنٍ
النفسي
بِإِلَهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالْمُنَادَى

الرَّحِيمِ الرَّحْمَنُ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ وَهُوَ
الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَمَرَّتَا أَكْفَيْتُكَ لَيْلِي مِنْ سِدْرَةِ عِلِّيَّ

هَرَكَةُ بَرِيٍّ زَيْتُونِي وَقَدْ بَعْدَ أَنْ بَرَأَ لَيْسَ بِي كَفَرْتِ
لَبْوِي غَمَزَ مَغْرِبِي بِدُرِّ سَنِي كَمْ مَسْأَدَانِ فِي لَيْلِي
أَرْضَاكِ عَصَمْتَ لَمْ أَلْقِ عَلَيْهِمْ لَيْلِي وَقَدْ مَغْرِبِي
تَنَكَّتْ وَرَوَايَاتِي فِي لَيْلِي أَسْتَجْنَاكَ كَرَمِي
كَرْمَةُ أَرْزَاقِي الْإِسْلَامُ وَرَكَاتِي لَيْلِي عَجَبِي لَيْلِي
صَادِقِي عَلَيْهِ السَّلَامُ كَمْ فَرَزْتُ لَيْلِي كَيْسِي عَلَيْهِ السَّلَامُ
أَوْدِي لَيْلِي بِهَرِصِي عَلَى وَالِهِ لَيْلِي بِهَرِصِي
وَقَدْ غَمَزَ مَغْرِبِي بِدُرِّ سَنِي وَقَدْ أَنْ كَيْسِي
وَقَدْ أَنْ سَقُوطِ أَمْنِي لَيْلِي چنانکه روایت کرده
انرا میخندین در مجلس شریف و در کتاب اعلیٰ الخ
اسامه که گفت شبیه از حضرت ابی عبد الله علیه
السَّلام که میفرمود که هر که تاخیر کند مغرب تا اینکه
مشتبک شوند ستارهها پس بزارم و چنانکه روایت

کرده است شیخ طائفة در تہذیب السنن صحیحی از زید که
گفت که من حضرت ابی عبد الله علیه السلام را دیدم که جمعی را
از اصحاب ائمه اطهار با او میبکشد بزار مغرب تا اینکه
مشتبک میشوند ستارهها پس فرمود انحضرت علیہ السلام
که من بزارم لبوئی خلا انکیزی که بکند بزار عدا و چنانکه
روایت کرده است از در تہذیب السنن صحیحی
از انحضرت علیہ السلام که فرمود که جبریل علیہ السلام امر
کرد پیغمبر را صلی الله علیه و آله بزارها تا ما را بزار
کرد تا بیدار برای هر غازی و وقت مکرم مغرب بزار
که کرد تا بیدار برای آن کو وقت و تحقیق که و از شاه آ
نیز در روایات معتبره بیرون رفتن وقت بزار شد شفق
و عمل کرده اند بزار چنانکه از علمای ما و کردانند انما
عزوب رفتن شفق و وقت بزار بزار و ما بعد از آن
از برای مضطرب و ظاهر تمدن متاخر نیست که وقت
فضیلت از تکستنه وقت ادای آن بزار بزار حال کرد
میشود بزار بود حضرت صادق علیه السلام از کسی که

تا آخر کند از آن اقامت بکشد و سوارها بر کتی که عتقا
 داشت باشند و چون تا آخر از آن اقامت و سواران را که
 ترک نمودند از آن اقامت باز شد و بر تحقیق که رفتند از آنجا
 از عتقا می مثل سید رضی و ابن ابی عمیر و ابن جندب
 آنها در نماز شام بلکه قایل شده اند بعضی از ایشان
 شدن نماز شب که از آنجا و هرگاه اذان بگویند
 فاصله که میان آن و میان اقامت بکنند و استیجاب
 بجهت که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام
 که فرمود که هر که بنشیند میان اذان و غریب اقامت خواهد
 مثل کسی که بطلعه بخون خود در راه خدا و آنرا بگوید
 میشود میان اذان و غریب و اقامت بنشیند یا الله
 اِنِّیْ اَسْأَلُکَ بِاَقْبَالِ لَیْلِکَ وَاَدْبَارِ نَهَارِکَ وَحُضُورِ
 رَجَعِکَ وَغُیُوبِکَ اَنْ تَجْعَلَ لَیْلِکَ وَاَدْبَارِکَ وَحُضُورِکَ
 صَلَواتِکَ وَاَصْواتِکَ دُعائِکَ وَاَسْئَلُکَ
 اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاَلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُؤَبِّقَ عَلَی اَنْتَ

اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیْمُ وَاَمَّا فَاصِلَهُ کَرَنَ مِیْلَانِ اِنْ اَبَا
 بر داشت بر کتی که روایت شده است از آنجا
 فاصله که نیست شیخ ما در ذکر کسی که من میافهم درین باب
 حدیثی و میگوید بعد از اقامت بخیر بکشد بعد از آن اقامت
 که نماز را رعایت کند اذان را که پیشتر گفت و اختیاری
 کنی از سر هر اذان که اول سوره نصر یا کافرا یا انحر ما
 آنها باشد در کوناهی چنانکه روایت کرده است از شیخ
 طائفه در تندیب پسند صحیح و در کت و مروزه و تحید
 و تعقیب بخواند بعد از فراغ از آن سوره و تسبیح هر علم
 السلام بعد از آن میگوید سر مرتبه از آن روایت کرده است
 از ابن عباس محمد بن در فقیه از حضرت صادق علیه السلام
 و از ابی الحسن علیه السلام که میگوید یا ایها الله و لا یفعل بنا
 و لا یفعل بنا و لا یفعل بنا و لا یفعل بنا
 بعد از آن بر میخیزد یا فله و اگر دوستان طولی اذان
 تعقیب را پس از آنکه بخواند از آنجا که روایت شده است
 بر آنجا مذکور شد بعد از اقامت اگر وسعت داشت باشد

برای آن و تحقیق که وارد شده است از اخبار حضرت
 سلام الله علیه هم چنین برناقله مغربین تحقیق که روایت
 شده است از حضرت صادق علیه السلام که فرموده چهار
 بنه مغیره که و اما کنار چهار که گفت از بعد از مغرب رفسری
 در حضرت و اگر چه طاعت کند ترا سواران و مکر و هفت سخن
 گفتن در میان مغرب این چهار که گفت در روایت خفاف
 حضرت صادق علیه السلام دلائلی هست برین و روایت
 کرده است بیحدیث در فقیه از حضرت صادق علیه
 السلام که فرموده که هر که نماز مغرب بگذارد پس از آن بقیه
 کند و عرف نزل آنکه دور که نماز بگذارد نوشته
 میشود این دور که برای او دعا علی بن ابی طالب بگذارد چهار
 که نوشته میشود این را برای او حجتی مقبول و مشهور
 نیست که از سخن گفتن در میان این چهار که دلائل
 بر که گفتن از روایت اهل القوا و این که گفته می که در حضرت ابو
 عبد الله علیه السلام از سخن گفتن میان چهار که بعد
 از مغرب است و تحقیق که استدلال کرده است علامه در ۱۰۰

باین روایت بر که از سخن گفتن میان مغرب این چهار که
 و موافقت کرده است با او شیخ ما شیخ شپید و رد کردی
 برین است و لایق این چنانکه که می بینی و اول وقت این
 چهار که گفت فارغ شدن از نماز شام است از آن بر این
 مشهور بر طرف شدن شفقت و رحمت سالیانه
 فتنه و باین چهار که گفت نماز عشا خواه شروع شده باشد
 یا نه یا نه و بنا باشد که قول شده باشد یا امتداد وقت اینها
 تا اینکه باقی ماند بعد از مغرب پیش از نصف که مقید
 اداء نماز عشا و تحقیق که منیل کرده است این شیخ صادر
 ذکر لیکن که اگر علامه طاب ثراه در مشهور لایق
 میکند بر اتفاق علمای ما بر اینکه آخر وقت اینها طرف
 شدن شفقت پس عدول نیست بنا برین از مشهور
 و هرگاه وقت شود وقت اینها پس از آن است قضای
 اینها مانند باقی و اهل شبان روزی پس از حضرت صادق علیه
 روایت شده که فرموده که بعد از صلوات الله علیه و آله فرموده
 که بدینستی که خدا تعالی مباحات میکند بر بند که رخصا

میکنند نماز شب در روز و نمیکوبای صلا که میزنند
لبوی بند منقضا فی کذا الجوز واجبت کذا بنده امیر
کوه منکر شما را که در دست می کشید و از او بختی که
روایت شده است از امام علیهم السلام در تفسیر قوله
تعالی و اللّٰهیم علی صلواتهم دامون یعنی که ایشان بزرگوار
خود مندا و منست میکنند و الله تعالی بکرم و باریکست
که مندا و منست کنند نماز اگر فوت شد این را بدست منقضا
میکنند از آن در روز و اگر فوت شود از ایشان در روز و منقضا
میکنند از آن در شب زیرا فراموشی از شروع در آنرا اینک
افشاء کون کعبه اوله از آن هفت کعبه در طایفه ای که
گشت و بخواند از آن بعد از حمد سوره توحید سه مرتبه
و در رکعت دوم سوره قدر و اگر خواهد که آن رکعت اول
سوره حمد و در دوم توحید و اگر آن را در رکعت
نوازش کند در ناف تا غایب شود و در رکعت نوازش است
بلند کردن قرآن در آنجا و در جمیع نوافل شب و میگوید
بعد از فراغ از دو رکعت اول اللهم انک تری کل شیء

و انت بالمنظر الاعلی و ان الیک الرجعی فالمستغفر
انک المات و الحی و انک الآخره و الاولی
اللهم اننا نعوذ بک ان نذل و نحزنی و ان نانی ما
عنه تنهی اللهم انی اسئلك الجنة برحمتک
و استعذ بک من النار بعد ذلک و استئذ بک
الحور العين بعد ذلک و ان تجعل اوسع رزقی عندک
کثیر فی جنتک علی عند افراب الحی و اطل
فی طاعتک و ما یقرب منک و ما یخطف عنک

وَنَزَّلْنَا الذِّكْرَ عَرَبِيًّا وَاحْسِنِ فِي جَمِيعِ أحوال معرفتي
وَنَزَّلْنَا الذِّكْرَ عَرَبِيًّا وَاحْسِنِ فِي جَمِيعِ أحوال معرفتي
وَلَا يَكُونُ لَكَ أَحَدٌ مِّنْ خَلْقِكَ وَتَقُولُ عَلَى قَيْضًا
وَلَا يَكُونُ لَكَ أَحَدٌ مِّنْ خَلْقِكَ وَتَقُولُ عَلَى قَيْضًا
جَمِيعِ أحوال الدنيا وَالْآخِرَةِ وَأَبْدَاؤِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَجَمِيعِ مَا سَأَلَكَ بِنَفْسِي بِحَسَنِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
وَعَبَادُكُمْ فَارْعَوْهُ لِيُخَيَّرَ مَنُوعًا عَلَى سَائِرِ
مَرَكَبَاتِ أَوْلِيَانَا لَهُ مَعْرِفَةُ شَرْعٍ مَّيْكَنِي دُرُودُكُمْ
أَخْرَجُوا فِي دُرُودِكُمْ وَأَوْلِيَانَا بَعْدَ ذَلِكَ أَوْلِيَانَا
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَكِيمُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

وَالْبَاطِنُ هُوَ يَكْلَمُ عَلَى كَلِمَةٍ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَرُفِعَ عَلَى الْعَرْشِ عَظِيمًا
يَلْعَلُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يُخْرِجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ
وَمَا يَرْجِعُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَهُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ
يُخْرِجُ الْأُمُورَ يُؤَخِّرُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَخِّرُ النَّهَارَ
فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ وَيُخَوِّفُ
دُرُودُكُمْ وَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَكِيمُ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

عَلَى حَبْلِ الْكَيْفَةِ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
عَلَى حَبْلِ الْكَيْفَةِ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
وَيَلَا أَلَمًا لَمْ يَنْصُرْهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهَا تَتَذَكَّرُونَ
وَيَلَا أَلَمًا لَمْ يَنْصُرْهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهَا تَتَذَكَّرُونَ
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ الْغَنِيُّ
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ الْغَنِيُّ
هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ
هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ
الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ
الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ
الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ
الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى نَحْمَدُكَ لَهُ مَا
الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى نَحْمَدُكَ لَهُ مَا
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَمِثْقَلُ ذَرَّةٍ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَمِثْقَلُ ذَرَّةٍ

ذُرِّيَّةُ الْإِنْسَانِ ذُرِّيَّتَكَ هَفَّتْ فَرَيْتَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي
ذُرِّيَّةُ الْإِنْسَانِ ذُرِّيَّتَكَ هَفَّتْ فَرَيْتَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمِلَّةِ
أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَمِلَّةِ
الْقَدِيرِ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي
الْقَدِيرِ أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْأَمْهَدِ وَالْمُحْسِنِينَ وَالْمُحْسِنَاتِ
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْأَمْهَدِ وَالْمُحْسِنِينَ وَالْمُحْسِنَاتِ
وَلِلْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ لَا تَغْفِرُ الْعَظِيمُ إِلَّا الْعَظِيمُ
وَلِلْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ لَا تَغْفِرُ الْعَظِيمُ إِلَّا الْعَظِيمُ
هَكَذَا فَارْعُدْ عَنَّا يَا رَبِّ جَهَنَّمَ لَيْسَ بِمَا نَعْبُدُكَ
هَكَذَا فَارْعُدْ عَنَّا يَا رَبِّ جَهَنَّمَ لَيْسَ بِمَا نَعْبُدُكَ
كَأَمَلِكِ لَا يَنْبُذُكَ تَعْقِيبُ بَعْضُ النَّاسِ كَدُّكَ شَرُّ
كَأَمَلِكِ لَا يَنْبُذُكَ تَعْقِيبُ بَعْضُ النَّاسِ كَدُّكَ شَرُّ
تَعْقِيبُ صُغُرِ النَّاسِ خَوَانُهُ مَيْشُورٌ وَرُجُومُهُ شَامُ
تَعْقِيبُ صُغُرِ النَّاسِ خَوَانُهُ مَيْشُورٌ وَرُجُومُهُ شَامُ
جَنَانُهُ أَكَاكِدُهُ تَرَابٌ وَإِنْ رَأَيْتَهُ فَاسْأَلْهُ
جَنَانُهُ أَكَاكِدُهُ تَرَابٌ وَإِنْ رَأَيْتَهُ فَاسْأَلْهُ
ذَا شِئْتَ بِأَسْمَاءِ قَوْمٍ لَوْ كُنَّ بِحُجَانِ عِبَادٍ نَافِلَةً مَغْرِبًا
ذَا شِئْتَ بِأَسْمَاءِ قَوْمٍ لَوْ كُنَّ بِحُجَانِ عِبَادٍ نَافِلَةً مَغْرِبًا
وَعَالًا بِاسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَالًا بِاسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ
وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

تَخَالُفُكَ وَسَيِّدَا صِفَاتِكَ وَخَالِصَ خَلْقِكَ

ذِي الْعِلْمِ وَالْمَهَلِ الْمَشْهُورِ وَالْحُضُرِ الْمُرُورِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتُكَ وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ

وَصَّحْ لَا مُتَّحِدَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينُ وَصَلِّ عَلَى آلِهِ

الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَقْيَامِ الْأَبْرَارِ الَّذِينَ

اخْتَبَاهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَضَافَتْهُمْ مِنْ خَلْقِكَ

أَمْسَهُ عَلَى وَحْيِكَ وَجَعَلَتْهُمْ خَزَائِنَ عِلْمِكَ

وَتَرَاهُمْ وَخِيكَ وَأَعْلَامُ نُورِكَ وَحَفَظَةُ نَبِيِّكَ

تَفَضَّلَ عَلَى الْمَيْسَرَةِ إِذَا حَاسِبْتَنِي وَتَهَيَّجَ الْعَفْوُ

إِذَا كَانَتْ شَفَتِي لَا تَكْثُرُ إِلَى نَفْسِي فَاصْنَعْ لِي

إِلَى عَيْنِكَ فَإِنَّكَ لَا تَحْتَمِلُ مَا لَا طَافَةَ لِي بِهَا

وَلَا تَنْتَلِيحُنِي مَا لَا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ وَأَعِزِّ وَأَجْزَلْ

عَلَى حِمْلِكَ عَوَالِيكَ عَيْنِي وَلَا تُؤَاخِذْ بِلُغُو

عَمَلِي وَلَا تَنْتَظِرْ عَلَيَّ مِنَ الْإِحْمَنِ حِمْلَكَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ وَأَمَّا سَاعِدُكَ أَرْزَمُهُمْ لَمْ يَزِدْ دَسَانِي أَفْنًا

نَاعَوْكَ الْخَضِرُ خَلْفَهُ حَقٌّ وَحَقٌّ بِخَانِي وَأَيْدِي

النَّاسِ أَلْفَمُ بِأَخْلَاقِ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمَهَادِ الْمَوْصُولِ

وَرَأَى الْعَاصِيَ وَالْمُطِيعَ الَّذِي لَمْ يَزَلْ مُزِدٌ وَنُورٌ

وَلَا شَيْءَ اسْتَلْكَ بِأَمْرِكَ الْغِيَا حَسِبْتَ عَلَى طَوَائِفِ

الْعُسْرِ عَادَتْ لَيْسَ وَإِذَا وَضَعْتَ عَلَى الْجِبَالِ كَأَنَّ

هَبَاءَ مَسُورًا وَإِذَا رُفِعَتْ السَّمَاءُ مَفْشَرَةً هِيَ

الْمَعَالِي وَإِذَا هُبِطَتْ إِلَى ظِلْمَانِ الْأَرْضِ انْصَعَبَتْ

هِيَ الْمَضَائِقُ وَإِذَا دُعِيتْ بِهَا الْمُؤْتَى انْتَشَرَتْ

مِنْ الْمَحْدِ وَإِذَا نُودِيَ بِهَا الْمَعْدُ وَمَا تَخَرَّجَتْ

إِلَّا أَوْجُورًا وَإِذَا ذُكِرْتَ عَلَى السَّالُوبِ وَجِلَتْ خُشُوعًا

وَالْبَنَاءُ خَلْفَانِ مِنْ خَلْقِكَ فَأَعْصَمَنِي فِيهِمَا يَقُولُكَ

وَلَا تُرْهِمِ الْجَزَاءَ بَنِي عَلَى مَعَاصِيكَ وَلَا تَكُونَنَّ

لِحَارِمِكَ وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي

مَشْكُورًا وَسَهِّلْ لِي مَا أَخَافُ عُسْرَهُ وَأَفْضِلْ أَمْرِي

بِالْحُسْنِ وَأَمْنِي مَكْرَكَ وَلَا تَهْنِكْ عَنِّي شَرَكَ

وَلَا تُشْنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَخْأَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ وَقَوْلِكَ

وَلَا تُلْجِسْنِي إِلَى تَقْنِي طَرَفَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا إِلَى أَحَدٍ

مِنْ خَلْقِكَ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

وَأَمَّا قَلْبِي لَكَ حَتَّى أَعِي وَخَيْتِكَ وَأَسْأَلُكَ
وَأَجْتَبِيكَ هَبْكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَلَا تَمْنَعْني فَضْلَكَ وَلَا تَحْزَنْ
عَفْوِكَ وَأَجْعَلْني لَوْلَايَ وَلِيًّا وَأَعِزِّي أَعْدَاءَ
وَأَرْزُقْني الرِّهْبَةَ مِنْكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَنِيُّ الْكَفِيُّ الْغَنِيُّ الْكَفِيُّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَآلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَتَبَعُ وَعَيْنٍ لَا تَنْتَعِ
وَأُفٍّ لَا يَنْفَعُ

وَقَلْبٍ لَا يَجْمَعُ وَصَلْوَةٍ لَا تَرْفَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ
دُعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْفَضَاءِ
الشِّقَاءِ وَسُوءِ الْإِعْدَاءِ وَجُحْدِ الْبَلَاءِ
عَمَلٍ لَا يَرْضَى وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْكَفْرِ وَالْعَدَا
وَضِيْقِ الصَّدْرِ وَسُوءِ الْأَمْرِ وَمِنْ لَوْلَايَ لَكِنَّ لِي صَبْرٌ
وَمِنْ لَوْلَايَ الْعِصَالِ وَعَلَيْهِ الرِّجَالُ وَحَيْثُمَا
وَسُوءِ الْمُنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْأَنْفِ
وَالْوَلَدِ وَعَيْنِ عَائِنَةٍ وَمَلِكِ أَمَوْتٍ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَبَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نَجِي الْمُؤْمِنِينَ
بسم الله الرحمن الرحيم
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
لَا يَعْلَمُ إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرْ وَآلِهِ وَمَا
نِسْأَتُهُ
مِنْ دَقِّهِ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حِجَّةَ فِي ظُلُمَانِ الْأَرْضِ
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَأْمِسُ إِلَّا فِي كِتَابِ مَبْنِي وَبَعْدَ
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
مَوْتٍ مَيَّحُو فِي لَيْلٍ مَيَّحُو فِي الْهَمِّ إِلَى سَلَامِكَ مَيَّحُو
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
الْعَيْنِ إِلَى لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
وَالْحَمْدُ وَأَنْ تَقْعَلَنِي كَذَا وَكَذَا بَعْدَ ذَلِكَ
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ

مَيَّحُو فِي الْهَمِّ أَنْتَ وَلِيَّ الْعَمِّ وَالْفَائِدُ عَلَى طَلَبَتِي
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
تَعْلَمُ حَاجَتِي فَاسْأَلْكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
السَّلَامُ لِمَا قَضَيْتَنِي إِلَى سَأَلِ الْمَيَّحُو حَاجَتِي خُودًا
وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
عَشَامَ بِنِ الْهَمِّ خُودًا لِي عَبْدُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَّمَكَ
مَنْزِلُكَ دَارِزِ وَرَكْعَتِ لَمِيَانِ شَامِ وَخُفَّتِ دُخَانُ كُنْهَانِ
دُعَاؤُكَ الْكُنْهَانِ خُودًا حَاجَتِي خُودًا عَطَا كُنْهَانِ الْخُودِ
سُؤَالُكَ وَبَدَا كَرَّمَكَ شَهْرُكَ لَيْلِ نَامِيَانِ دَارِزِ وَرَكْعَتِ
عُفَّتِ لَهْ وَدُرْ كَمَتْ وَبَعْدَ أَحَدٍ وَعِنْدَ مَضَاجِعِ الْعَيْنِ
وَجَزَائِرِ لَيْسَتْ كَرَّمَكَ لَعْنَةُ كُنْهَانِ دَارِزِ وَرَكْعَتِ
دَارِزِ لَمِيَانِ شَامِ وَخُفَّتِ لَمِيَانِ شَامِ مَيَّحُو لَمِيَانِ
عُفَّتِ لَمِيَانِ شَامِ وَخُفَّتِ لَمِيَانِ شَامِ دَارِزِ وَرَكْعَتِ
نَافِعِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَّمَكَ دَارِزِ وَرَكْعَتِ كَرَّمَكَ شَهْرُكَ
مَيَّحُو لَمِيَانِ شَامِ وَخُفَّتِ لَمِيَانِ شَامِ دَارِزِ وَرَكْعَتِ

اوقات ذکر کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرمودند
 بسیار کند که خدای عزوجل را در دو ساعت و یک ربع
 بخواند از شریطان و کفر و الجان بفرماید که در آن دو ساعت
 درین دو ساعت بر من استی که این دو ساعت و یک ربع
 و روایت کرده است شیخ طائفه در فقه که حضرت صادق
 علیه السلام فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نافه کذا
 در ساعت غفلت و اگر چه بد و حرکت سبب باشد برین
 انجامد از آنکه از خانه که است بکند شادی و شادی و
 کلام است ساعت غفلت فرمود میان مغرب و عشاء و شب
 غافل که ظاهر اینست که از میان مغرب و عشاء میان وقت
 نماز مغرب و وقت عشاء یعنی میان مغرب و عشاء است
 طرف شدن شفق چنانکه دلالت میکند بر آن حد
 سابق میان نمازها و تحقیق که وارد شده است راجع
 صبح که اول وقت عشاء بر طرف شدن شفق است چنان
 بر وی خواهد آمد و ازین مستفاد میشود که وقت
 دو رکعت غفیله میان مغرب و عشاء است شفق

پس هرگاه بکند در آن وقت بکند و قضا و آنچه مستحب است
 آن در ساعت غفلت و حرکت است که بخواند در اول بعد
 از حمد سوره اذ انزلت سوره مرتبه و در دوم بعد از حمد
 سوره قل هو الله احد یا زده پس تحقیق که روایت کرده است
 شیخ طائفه از حضرت صادق علیه السلام که هر که بکند
 آن را در هر شبی از رحمت کند یا من در هشت و نود و ثواب
 آن را مگر خدای تعالی و اول وقت نماز عشاء غافل
 از مغرب است بر مذهب مشهور میگذرد وقت فضیلت
 ثالث شب و وقت ادای نماز مقدار یکبار در چهار رکعت
 پیش از نصف شب و اوست بعد از نماز غشیدن
 از دو رکعت غفیله این که ملاحظه کنی شفق را از
 اگر باقی باشد از اوست شروع در عشاء این که در
 طرف شود شفق و تحقیق که گفته اند شیخ طائفه و شیخ
 مفید باینکه داخل نمیشود و عشاء مگر پنهان شدن
 شفق و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام
 که اول وقت عشاء ازین است که در آن وقت

بعد ان تجول في هبات اسوره فانه قال هو الله احد وقال
برب الصاق وقال اعود ربنا الناس لا ربه مرتب بعد ان
كوفي بخان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر
بسم الله الرحمن الرحيم
دمرتب الله صل على محمد وال محمد
ميكوفي الله افصح ابواب رحمتك واسمع على
من جلال رزقك ومتعني بالعافيت ما اقيمتني في
معفي وبصري وجميع جوارحي اللهم ما بنا من نعمه
فانك لا اله الا انت استغفر لك واوب اليك
يا ارحم الراحمين بعد ان ميكوفي واين عاهاتي طلب

اللهم انه ليس في علم موضع رزقي انما اطلبه
مخبرات خطر على قلبي فاجول في طلبك البالد انما
فينا اطلب كالحيران لا ادر في سهل هو ام في
جبال ام في ارض ام في ماء ام في سماء ام في بحر وعلا
يدي من ومنه بل وقد علمت ان عجله عند
واسيا به يبدى وانت الذي تقسم بطفك ونسيم
رحمتك اللهم فصل على محمد وال محمد واجعل
يارب من في اسما ومطلبك سلا ومآخذه قرا

و اما بعد از این که خبر از او رسید که در راه است

ان شاء الله تعالى

والحمد لله وحده على عباده
والآل محمد

نام خداوند سبحان

مجلس اول

وَمَا تَنْبَغِي إِلَيْهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِيهَا
مِنْهَا

مستبرک محمد آل محمد و انصار و ائمه و اهل بیت علیهم السلام

وَارِيْ بِاِطِلَاطِ اَحْيَ اجْنِبِهِ وَلَا جَعَلَهُ

مثلاً با شع هوای بغیر هادی مینک واجعل
مثلاً هر دو هم نوازند: اینست: از تو مکران خوشی

تَبِعَا لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ وَخُلُوفِكَ رِضًا مِنْكَ

وَأَهْدِيْكَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنْ حِجَابٍ ذِيْكَ اِنَّكَ رَهِيدٌ

مِنْ ثَمَّ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

وَاهْدِيْ فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِيْ فَمِنْ عَافَيْتَ وَتَوَلَّيْ

فَمِنْ تَوَلَّيْتَ وَبَارَكْ لِي فِيهَا أَعْطَيْتَ فَقِنِي شَرَّ مَا

اِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يَقْضِي عَلَيْكَ وَتُحْجِرُ وَلَا يُحْجَرُ عَلَيْكَ

ثُمَّ نَزَّلَ اللَّهُ قُرْآنًا فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

حَلَمْتُكَ فَعَفَوْتُ فَلَا تَحْجِدْ وَكَسَطْتُ يَدَكَ فَانْتَهَيْتُ
فَلَا تَحْجِدْ لِحَدِّ طَاعٍ رَيْنَا فَتَكْرُوهُ تَقْصُرُ رَيْنَا فَتَقْصُرُ
وَلَسْتُ رَأَيْتُكَ كَمَا أَتَيْتُ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَالْجُودِ
لَيْتَنِي وَسَعْدَانِي تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا تَحْجِدْ وَلَا
تَحْجِدْ مِنْكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ
وَجَدْتُكَ عَمَلْتُ سُوءَ وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْفُ عَنِّي أَوْ جَنِّ
وَكُنْتُ أَحْمَدُ الْوَالِحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ
كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ

وَجَدْتُكَ عَمَلْتُ سُوءَ وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَأَعْفُ عَنِّي أَوْ جَنِّ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَجَدْتُكَ عَمَلْتُ
سُوءَ وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَبْتَ عَلَى رَأْسِكَ أَنْتَ الْغَوْثُ
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ
رَبِّكَ وَتَعَالَى عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَبَيِّنْ لِي مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَخَفِيٍّ مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ
وَلَسْتُ رَأَيْتُكَ كَمَا أَتَيْتُ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَالْجُودِ
وَلَسْتُ رَأَيْتُكَ كَمَا أَتَيْتُ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَالْجُودِ

وَبِجَىٰ عَنِ لَحْمٍ مِّن رَّادِفَاتٍ رَّدِيهِ وَمِنْ كَادِنَا

Handwritten text in a decorative border at the top of the page.

بِهَصْنِهِ فِي عِبَادِهِ صَبْرِي قَلْبِي فَتَحْتِمْ لِي وَتَضَعْتِمْ
أَبْنِ سَخِينِ وَمَدْرِي سَخِينِ سَخِينِ سَخِينِ
عَنْهُ قَوْلِي وَتَحْتِمْ طَائِفِي وَتَضَعْتِمْ فِيهِ الصُّورَةَ
أَنْتَ قَوْلِي وَمَا بَرَزْتَ لِي حَافِظِي وَرَدَّ لِي بَرَزْتَ
عِنْدَ نَقْطِيعِ الْأَمَالِ وَخَيْبَةِ الرَّجَاءِ مِنَ الْخُلُقِ
لَوْ بَرَزْتَ لِي أَنْتَ وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ
إِلَيْكَ فَضْلًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَكَفَيْتَنِي يَا كَرِيمًا
بِهِمْ قَوْلِي وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ كَفَيْتَنِي كُلَّ شَيْءٍ
لَوْ بَرَزْتَ لِي أَنْتَ وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ
خَلْقِي لَا يَبْقَى شَيْءٌ إِلَّا كَرَّمَ اللَّهُ صِلًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
عَالِيهِ يَا مَنْ لَا يَنْفَكُ عَنْهُ لَوْ كَانَتْ أَعْيُنُ الْمَلَائِكَةِ وَالْأَنْفُسُ
مُحَمَّدٌ وَأَرْثُهُ فِي حَجِّ سَبْتِكَ الْحَلَالِ وَبَارَكَ مَقَرَّتِكَ
مَعَهُ وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ
مَعَ التَّوَكُّلِ وَالشُّكْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْعِدُكَ فَقْتِي
إِنْ بَرَزْتَ لِي أَنْتَ وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ

وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي أَسْتَغْنِيكَ مَا أَهْنَى وَمَا
أَكْثَلَ عَفْوًا عَفْوًا عَفْوًا عَفْوًا عَفْوًا عَفْوًا عَفْوًا عَفْوًا
لَمْ يَمْنُ فِي أَسْأَلِكَ خَيْرًا مِنْ خَلْقِكَ الَّذِي لَا يَمْنُ
فَلْيَمْنُ يَا مَنْ لَا يَمْنُ بِكَ إِلَّا بِكَ وَبِأَمْرِكَ إِلَّا بِأَمْرِكَ
يَسْأَلُكَ يَا كَرِيمُ الْمُحْدِثِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَواتَكَ
تَكُنْ مَعِي يَا مَنْ لَا يَمْنُ بِكَ إِلَّا بِكَ وَبِأَمْرِكَ إِلَّا بِأَمْرِكَ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كُنَّا بِأَمْرِكَ يَا مَنْ لَا يَمْنُ بِكَ إِلَّا بِكَ
وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ
سُجْدًا أَوَّلَ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ نَقْطِعُ الرَّجَاءَ إِلَّا مِنْكَ
مَنْ لَا يَمْنُ بِكَ إِلَّا بِكَ وَبِأَمْرِكَ إِلَّا بِأَمْرِكَ
يَا أَحَدَ مِنْ لَا أَحَدَ إِلَّا أَحَدًا مِنْ لَا أَحَدَ إِلَّا أَحَدًا
لَوْ بَرَزْتَ لِي أَنْتَ وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ
أَحَدًا غَيْرَكَ يَا مَنْ لَا يَمْنُ بِكَ إِلَّا بِكَ وَبِأَمْرِكَ إِلَّا بِأَمْرِكَ
لَوْ بَرَزْتَ لِي أَنْتَ وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ
وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَمْنُ بِكَ إِلَّا بِكَ وَبِأَمْرِكَ إِلَّا بِأَمْرِكَ
لَوْ بَرَزْتَ لِي أَنْتَ وَتَضَعْتِمْ لِي رَدَّ الْأَمَالِ

يَا أَيُّهَا الْجُودُ الْكَرِيمُ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُنْذِرَ كُلِّ

می شوند و افتخار می کنند آنها را بهشت تکبیر را بر سر دعا
مذکور و منتهی در کتب اول و دومه ملک تا واقع و

درد و میسوره و بخواب و میخوابی بعد از فراغ هر طبعی که خوا
باب چرخ در آنچه کرده میشود در میان وقت خواب تا
شب اول پنج بجای و فی الزمانه از خواب طهارت
روایت کرده است رئیس محمد بن در فقیه انجمن صاف
علیه السلام که هر که طهارت کند بعد از آن خای یکدیگر در
خود شک برود و حال آنکه فرشته او مانند محمد آید
و ذکر کرده اند علمای ما که طهارت استیم برای خوابیدن
هر چند نماز باشد آنکه باریاست و نماز برای نماز حین
و اگر اعمال شنی نزو خواب خواندن سوره قل هو الله احد
و قلنا ایها الکافرون استغفر و این کرده است از این زمین
محمد بن در فقیه و وار شده است از اصحاب عصمت
سلام الله علیهم خواندن سوره قل هو الله احد صد مرتبه
چنانچه فرایند کرده است فی الامم و ذکر فی قیامه و بعضی از
افسوس که گفت شبانه از حضرت علی علیه السلام
که میفرمود که هر که بخواند قل هو الله احد صد مرتبه هنگامی
که میرود بخوابگاه خود از نرنگ شود برای او آنچه قبل از آن

کرده باشد بخوابگاه او و این کرده است که در فی الزمانه حضرت
علیه السلام که فرمود که بخواب و صل الله علیه و آله فرمود که
که بخوابند الهام که التکاتیر خوابگاه داشته باشند و فرشته
فرمود و اگر این که بخوابی در هنگامی که خوابی بر لبو آنچه
مروایت کرده است رئیس محمد بن در فقیه استی حسن بن محمد
مسلم که گفت که فرمود من حضرت ابو جعفر علیه السلام که فر
بخوابید در بر جانشین است خود کبریا که بگوید بسم الله
و فی سبیل الله و عملی که رسول الله صلی الله علیه و آله
در نماز و دعا و غیره
اللهم انی استغفرت فی الذلک و وجهت وجهی الیک و
و دعا و حق و برکت و غیره
هو صلت لری الیک و الجانظری الیک و توکلت
و دعا و حق و برکت و غیره
علیک و هبت منک و ربحک الیک لا ملجأ و لا منجأ
و دعا و حق و برکت و غیره
منک الا الیک امنیت بک یا ذی الشانک و رسولک

[illegible]

شود و در دعای آن و از او ایستاد که روایت کرده است از
شیخ طایفه در حدیث بنده صحیحی از حضرت عبد الله که
داخل شد با بایر خود بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام
پس قال کرد و از بایر از شیعین نظر علیها السلام
ان حضرت علیه السلام الله اکبر تا آنکه شریعتی و چهار بار
پس گفت الحمد لله تا رسید بصلوات هفت مرتبه پس گفت
سبحان الله تا رسید بصلوات بیست مرتبه از حضرت علیه السلام
بدست خود بجا و در روایتی که ظاهرش تقدیر سبحان
بر الحمد لله مخصوص است تا آخر کرده میشود و در دعای آن
این روایتی که روایت کرده است نیز حدیث در فقید از
امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود بری از بنی سعلک یا
حدیثی که شمار از خود و فاطمه علیهما السلام بود و از
پس ایستاد بحدیث تا آنکه از کرد در شیعین خود کرد با شما
اینکه ایله کرد و شما او و حاروب کرد خانه را تا آنکه غبار
الوده شما را بباران افروخت و بر دیک تا آنکه شما
شد و شما را بر رسید و از او از حضرت بنی که گفت من و او

که اگر بیای پیش پیر من سوال کنی از وحدت کسری که گفتا
 کند از تو تعب و سختی بخیر تو در این زمین عمل کن پس بعد
 پیغمبر صلی الله علیه و آله پس یافت نزد آنحضرت جوانی چند
 پس فرمود و برکت کن این است آنحضرت که بدین مرتبه که او
 آمده است از تو حاجتی کن صباغ پیر ما آمده و ما در خط
 خود بودیم پس فرمود علی السلام السلام علیه و آله پس آنکه
 ما و شما که در بیابان خود باز فرمود السلام علیه و آله پس
 شدیم و شما که در بیابان خود باز فرمود السلام علیه و آله پس
 رسید که اگر فساد کنی بروی که در دو خطی که می کنی
 چنین سلام کن پس بر این که از آن دارم بشنود داخل
 و اگر نه بر می کشی پس گفت من و علی که السلام ای رسول خدا
 داخل شو پس داخل شد و دست پیرهای ما و فرمود
 فاطمه بود حاجت خود بفرمود و بعد از رسید که اگر
 ندهم او را اینکه بخیر پس برون و فرمود من خود را
 گفت و الله من می بینم از این سوال خدا بدینستی که اول
 کشید بخیر تا اینکه از کرد در سنه او و کرد تا این سال

تا اینکه الله کرد دستهای او و خواب که بخانرا تا اینکه
 خدا را او در خطها او و افش او و سخت بر دایه تا اینکه
 شد چنانی او پس من گفتم با او اگر بیای پیش پیر من
 سوال کنی از وحدت کسری که گفتا پس کند از برای تو تعب
 آنجا را بود را پس عمل کن پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه
 و آله را پس من تسلیم کنی تا آنجا آن حضرت باشد از برای شما
 از خدمت کار هرگاه و اگر بدینگاه خود را پس بکیر بگوید
 سی و چهار بکیر و تسبیح بگوید سی و تسبیح و بخیر
 سی و سجده بپرون او و فاطمه علیها السلام هر خود
 و گفت از خط شده از خدا و رسول او و پوشیده نماند
 این و این صریح نیست در تقدیر تسبیح و سجده هر که
 او افاده تربیت میکند بلکه نیست از هر که از برای
 جمیع سایر مذاهب صریح چنانچه بیان شد است در اصول
 با ظاهر تقدیم بحقیقت اقتضای آن میکند و همچنین
 روایت با صریح نیست در تقدیم تسبیح و سجده هر که
 لفظ خود را بخیر از کلام او است پس باقی نماند از آن

مکمل ظاهر بقدر لفظی بر منافات میان این دو روایت مکتوم
بحسب ظاهر پس از اقرار آنست که در هر دو روایت بحسب سنن
و قوت یافتن آن بعضی روایات ضعیفتر است و روایت
کرده است ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود
در تسبیح زهر علیه السلام ابتدا میگوید تسبیح و چون
باری تسبیح میگوید بار باری تسبیح میگوید بار و این تسبیح
صحیحست و تفهیم بحسب این روایت ظاهر لفظ روایت
پس در هر دو روایت دیگر خلاف ظاهر آنست که
بر طرف شود منافات میان آنها چنانکه گفته شد که اگر
تو که ممکنست غماز کردن ظاهر هر دو روایت با هم
حال کرده شود روایت اول بر آنچه کرده میشود بعد از آن
و روایت دوم بر آنچه کرده میشود در جوابی که و بنا
اختیار نیست که باید دانست دوم از ظاهر این حدیث
کرده توان برین وجه که قابل غشوی یا بر منکوب بر این
اینکه من منافات کسی را که قابل شده باشد بقدر میان
زهر علیه السلام درین و حال آنکه آنچه ظاهر میشود

بعد از تسبیح اینست که هر یک از این دو فرق که قابلست
تجدید و تأخیر آن قابلست از ظاهر و ظاهر شود بعد
نماز یا پیش از خواب یا قبل از بعضی احوالات قول تسبیح است
در برابر جماع و دیگر آنکه آنچه منکوبید که احوالات قول تسبیح
مستقیم مکتوم و فنی که لازم بدانند بر طرف شد آنچه جماع
امت شده باشد بر آن مانند این فاذن کنیز و طی کر شده
بجسب بی اثر نیز اگر اتفاق کرده اند که بعد از آن
بجای آنچه چنین نباشد مثل قول تسبیح نکاح بعضی
عیناً چنانکه بعضی دیگر نیز که هر یک از این تفهیم
در یک قسم و چنانکه در اینجا است نیز که با این تسبیح است
مثل قول تسبیح و فتنه ما که غایب و نکتن مثل
بعوض می بعد از قول آیه انزلت بدویم و بعضی اول
و باره دیگر بعد از این جواب اینست که این تفهیم در
نیت مکتوم مذکور است و اما بنا بر آنچه بیان کرده اند
اما آنکه بحسب اجتماع کلمات است که کائنات است از قول
معصوم و در این تفهیم معقول است چنانکه گفت معصوم

لایم می باشد چنانچه واقعا باشد قایل به هر یک از اینها نیست و
 و قیاس کن بر این مثال فریختن و گشتن را **مسئله** و از آنجا
 که بوده باشد خوابیدند تو بر جانب راست پس بر منتهی که آن
 خواب مؤمنان است چنانکه روایت کرده است از آنکه آن
 در کافیه است و صحیح است از این جهت که گفت که حضرت
 محمد بن حنفیه که می گویند که در آنکه شوم می خدای تو
 بدستی که من نمیکند از برای چیزی که می رسد بخاطر
 و تحقیق که از آنکه که می گویند که سوال کنم بدست از آنکه که
 از آن پس بر نیامد از برای من فرمود حضرت که چیزی
 از آنجا که گفت روایت شده است برای ما از این
 نوع علیهم السلام که خواب سجدان بر قضا های ایشان است
 و خواب مؤمنان بر جانب راست ایشان و خواب منافقان
 بر جانب چپ ایشان و خواب شیاطین بر روی ایشان
 فرمود حضرت علی بن ابی طالب که این است بر کف می
 من بدستی که من نمیکند که خواب بر جانب راست
 خود نمیکند می شود خواب بر آن پس راست باشد حضرت

ساعتی بعد از آن فرمود ای حمزه و ذی کفایتان که این خواب
 پس فرمود که داخل کن دست خود را زیر جامه خود کن داخل
 آنرا پس بر آن فرمود دست خود را از زیر جامه خود کن
 ما این دست خود را بر جانب چپ من و دست چپ خود را
 بر جانب راست من بر سر بکشد گفت حمزه که پس می توانم که
 بر جانب خود را بگویم که که از آنجا که حضرت علی بن ابی طالب
 و نمیکند بر آن خوابی اصلا و از آنجا که می شود
 بر آن خواب این است که روایت کرده است از آنکه که
 در کافیه است و صحیح است حضرت صادق علیه السلام که
 فرمود که هر که بگوید وقتی که می رسد بخوابد خود دست
 الحمد لله الذي علا قهره و الحمد لله الذي طهر
مسئله و از آنجا که گفت که در آنکه که می رسد بخوابد
 و الحمد لله الذي ملك قهره و الحمد لله الذي طهر
 المولى و عبيات الأحياء وهو على كل شيء قدير
مسئله و از آنجا که گفت که در آنکه که می رسد بخوابد

روایت کرده است ثقة الاسلام در کافیه حسن از حضرت
صادق علیه السلام که فرموده که هرگاه ببینید مردی که
ناخوش دارد در خواب خود بگوید که یا رب یا رب یا رب
و بگوید یا ایها النبی من الشیطان یخون الذین آمنوا و
لکن یضارهم شیئا الا بذن الله و علی الله فلیکون
فیه *در روایتی که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که هرگاه مردی را خواب آید که ناخوش دارد و در خواب خود بگوید یا ایها النبی من الشیطان یخون الذین آمنوا و لکن یضارهم شیئا الا بذن الله و علی الله فلیکون فیه*
بعد از آن بگوید غایت عبادت و عبادت ملائکه الله الملقون
و انبیاء و المرسلون و عباد الله الصالحون من شریک
و یغفر لهم *و یغفر لهم*
و من شریک الشیطان الرجیم در آنچه گذارده میشود در
روایتی که در باب بر خاستن شیطان بیان فضیلت آن روایت
کرده است ثقة الاسلام در کافیه حسن از حضرت

صادق علیه السلام که فرموده شرف مؤمن خاستن است
در شب و عزت او استغنائی است از فقر و روایت کرده است
نیز در کافیه حسن از عبد الله بن سنان که گفتند
از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرموده که هرگاه
کدامیک از شما مؤمن و زنیست و بیدارد دنیا و آخرت نماز کند آخر
و مایه و یا از آنچه در دست دارد و یا از آنچه در دست دارد
از آن جهت که الله علیه و آله و روایت کرده است نیز در کافیه
حسن از حضرت علی علیه السلام در قول خدای تعالی
کا فلیس من الذین یجمعون که فرموده که بودند ایشان
چنین که افاضت با قوت میدان ایشان که بر پنج خاستند
ازها و روایت کرده است در کافیه حسن از امام زکی علیه السلام که
المؤمنین علیهم السلام که گفتند بل شیعی که می تحقیق که هر
آنکه از شیعیان بود و دامن المؤمنین علیهم السلام که فرموده
که تحقیق در بند کرده است ترا که انا هان و روایت کرده است
شیخ طایفه در حدیث بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
السلام در قول خدای تعالی ان الذین یستکبرون

وَأَقْبَلُوا قَبْلَهُمْ وَهُوَ بِرَحْمَتِهِمْ وَأَسْأَلُكُمْ رَحْمَتَ خَلْقِ
كَرَامَةِ مَكْنَانِ مَكْرُومٍ لَوْ رَوَيْتُ كَرَامَتِ خَلْقِ دَرْجَتِ
بَسْمِ اللَّهِ خَلْقِ رَحْمَتِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَامَتِ كَرَامَتِ
مَكْرُومٍ بِيَدِ مَكْرُومٍ دَرْجَتِ كَرَامَتِ كَرَامَتِ كَرَامَتِ
بَرْجَتِ خَلْقِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
خُودِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
نَبِيٍّ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
هَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
مَنَارِ كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
خَدَايَ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
أَنْزَلَتْ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
سَنَانِ كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ

خَدَايَ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
عَلِيٍّ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
سَنَانِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
خُودِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
سَنَانِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
أَحْمَدُ اللَّهِ الَّذِي رَوَيْتُ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
نَقَرِ السَّلَامِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
كَرَامَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
وَكَلَامِ اللَّهِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ
زَانِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ بَرْجَتِ

بر سر محراب در وقت که غریب خطبه سوا کرده است
 صادق علیه السلام فرمود که زوال و زوال است و زوال
 بر چون باین فرمود حضرت که ای برای شک
 زوال است و زوال افتاد گفت بر چه چیز می بینم
 زوال فرمود سوارها هرگاه متوجه شوند و ظاهر اینست که
 انحضرت علیه السلام فرموده که سوارها را طاع
 کرده باشند و در غروب افتاد چنانکه گفته است شیخ
 شیخ شریعتی و فرمودند که اینها شروع اینست
 در باین ملک و نماز شد و طاع و در احادیث
 بر هشت رکعت و کاهی بر یازده رکعت باضافه دو رکعت
 شفع و یک رکعت و کاهی بر سیزده رکعت باضافه دو رکعت
 نافله صبح و این نماز سباز است و کاهی موکد است و
 کرده است شیخ طائفه در تندیب بسند صحیح حضرت
 صادق علیه السلام فرموده که بود در وصیت رسول
 خدا صلی الله علیه و آله علیه السلام ای علی
 می کند و از بار نفس خود بخت خلاصت بر حفظ کن

اینها را بعد از آن فرمودند خداوند باری کن و زود ذکر کرد
 جمله انحضرت علیا این فرمودند و عليك بصلوة الليل
 و عليك بصلوة اللیل و عليك بصلوة اللیل
 عليك بصلوة الزوال و عليك بصلوة الزوال
 و عليك بصلوة الزوال و ظاهر اینست که انحضرت
 صلی الله علیه و آله فرموده که زوال نماز شب زده گفت
 و بنماز زوال هشت رکعت را که نافله زوال است چنانکه
 گفته اند بعضی از علمای ما پیش هرگاه خواهی متوجه
 نبوی عبادت زوده باشند از حاجت بخوابند اگر
 بان اول پیش هرگاه خواهی که داخل بیت الحرام شوی پس اگر
 بوده باشد در نقش اکثر توانی که اخراجی باشد
 پس داخل کن از با خود و همچنین در مه های سفید اگر
 کتب نباشد بعد از آن پیش بگذارای چنانکه زوال داخل
 اگر بوده باشد از خانه و اگر قضای حاجت کنی در فضائیل
 صحر او مانند آن پیش بگذارای چنانکه در وضعی که می بینی
 در آن و بگوید شریعت الله و ما لله اعود بالله من الرجس الخیر

انجبت الخبيث الشيطان الرجيم واكرضنا حيا
 بيه كور *صاحب شهرستان نه شده* بكني رقصا
 اختيار كن وضعي كه ديد زود دران شخص تو يا يك
 باش اعتماد و سكهيني تو در وقت فلي براي چي تو
 و نه او راست كودن باي مرست طولماه نشين او
 حرف زن مكر اي حاجتي كه خوف تو باشي يا خو
 ايا لكه با اخلاص و ريت العالمين يا حكمايان يا ذكر
 خدايما و بعد از انكه فارغ شوي كن دست استخرا
 بر كن خود و بگو الحمد لله الذي لما عني الاذي ههنا
سپين مضطربا و در كرد از سر ادي و در كرد
 طعاني شرا في و عافاني من الالبوي و استبرك يا نيك
صاحب مراد سيد و عافيت و عافيت بكناري انكشت
 زود مقدمه بكني انرا اصداف كه بعد از ان بكناري انكشت
 شصت لايه زود كن انكشت شاد ز با لايه الي و بيفشار
 بهوت انرا سه مرتبه بعد از ان بيفشاري حشفه سه مرتبه
 و تخني بكني در حال استبر و هرگاه خواهي كه استخرا كن يا باش

بگو الحمد لله الذي جعل الماء طهورا و انجبت الخبيثا
سپين مضطربا *كرد و نيكو استبرك*
 و استبرك كن بكني چي خواهه باك استخرا كن و خواهه بكني
 و مانده او كود دست تو انكشت باش كه بكني انرا
 ريزه زود باشي زير و نون كرا و او بايد كه بوده باشي
 مقدمه انكشت بكني بكني انكشتي كه باوي انكشت
 و ميز دست است باك و اختيار كن در غير مقدمه
 غايط يعني انكه بخور مقدمه سه بار باشي يا بكني
 مالهين و جمع ميان باك كوخ به شل است و مقدمه
 ان و بكني غايط را نا اينكه احسان بكني صداي ان
 و بگو در حال استخرا الحمد لله الذي جعل في و اعف و استبرك
 و حرمه على الناس *صاحب مراد سيد و عافيت و عافيت*
و غلام كرا و انرا و مقدمه دار شستن و غايط را
 شستن و بكني بول و طاق بكنان عدد شصت هزارا كرا
 زود بخور و برسان هر بكني يا بر تمام حال يا نيك و زود
 انرا بران بكنه كه زود نون انرا بخور بكني بكناري شست

وَيَكُونُ دُرِّيُّونَ مِنْكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَزَمَ لَكَ فِي
جَدِّكَ قُوَّةً وَاجْتَمَعَ
عَدَّهَا
بِرَّكَاهُ بِرُّونَ مَدَى خَلْقِهَا كَيْفَ يَكُونُ الْبَدَا زَانِ
كَامِلٍ بِهَا كَيْفَ كُنْتُ رَابِعًا وَلِوَعْدِهَا زَانِ خُودِ الْخُودِ
سَازِ لَنْ يَخْفُو كَيْفَ رُوَيْتُ شَيْءَ اسْتَنْصَحْتُ رَضَا عَلَيْهِ
الْكَافِرُ مَوْودُ كَيْفَ دَانِي بِرَأْيِ سَيِّدِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
مَا لِي فِي هَكَاهُ وَضُومِيَا خَيْرٌ مِنْكَ لَيْسَ بِخَيْرٍ
وَخَالِ الْكَافِرُ أَنْ يَكُونَ دُرِّيُّونَ شَيْءَ اسْتَنْصَحْتُ رَضَا عَلَيْهِ
كَفَرُ مَوْودُ كَيْفَ دَانِي بِرَأْيِ سَيِّدِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
أَنْ هَفْتَادُ كَيْفَ كُنْتُ دَانِي بِرَأْيِ سَيِّدِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
كَفَرُ مَوْودُ كَيْفَ دَانِي بِرَأْيِ سَيِّدِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَنَيْبُ مَخْصُوصِ فَرَاتِ دَعَا هَايَ أَنْ يَكُونَ هَكَاهُ وَضُومِيَا
سَازِ لَنْ يَخْفُو كَيْفَ رُوَيْتُ شَيْءَ اسْتَنْصَحْتُ رَضَا عَلَيْهِ
دُعَايَ حَضْرَتِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ يَكُونُ دُرِّيُّونَ مِنْكَ

دُرِّيُّونَ مِنْكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَزَمَ لَكَ فِي
جَدِّكَ قُوَّةً وَاجْتَمَعَ
عَدَّهَا
بِرَّكَاهُ بِرُّونَ مَدَى خَلْقِهَا كَيْفَ يَكُونُ الْبَدَا زَانِ
كَامِلٍ بِهَا كَيْفَ كُنْتُ رَابِعًا وَلِوَعْدِهَا زَانِ خُودِ الْخُودِ
سَازِ لَنْ يَخْفُو كَيْفَ رُوَيْتُ شَيْءَ اسْتَنْصَحْتُ رَضَا عَلَيْهِ
الْكَافِرُ مَوْودُ كَيْفَ دَانِي بِرَأْيِ سَيِّدِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
مَا لِي فِي هَكَاهُ وَضُومِيَا خَيْرٌ مِنْكَ لَيْسَ بِخَيْرٍ
وَخَالِ الْكَافِرُ أَنْ يَكُونَ دُرِّيُّونَ شَيْءَ اسْتَنْصَحْتُ رَضَا عَلَيْهِ
كَفَرُ مَوْودُ كَيْفَ دَانِي بِرَأْيِ سَيِّدِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
أَنْ هَفْتَادُ كَيْفَ كُنْتُ دَانِي بِرَأْيِ سَيِّدِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
كَفَرُ مَوْودُ كَيْفَ دَانِي بِرَأْيِ سَيِّدِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَنَيْبُ مَخْصُوصِ فَرَاتِ دَعَا هَايَ أَنْ يَكُونَ هَكَاهُ وَضُومِيَا
سَازِ لَنْ يَخْفُو كَيْفَ رُوَيْتُ شَيْءَ اسْتَنْصَحْتُ رَضَا عَلَيْهِ
دُعَايَ حَضْرَتِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ يَكُونُ دُرِّيُّونَ مِنْكَ

وَسَادِي وَمُصْعَنِي قَادِي فَكَيْفَ يَنَامُ مِنْ خَافٍ

و لوله که در کتبی این دور است را پس خوب است بدانند
که روایت کرده است رئیس محدثین در کتاب اعلی الزیاده
که شنیده از حضرت امام المؤمنین علیه السلام که میگوید

ايداد و ليس الهى كمن يوقى حلت عن قائلتها
يقومك و كمن جزى نكرمت عن كفى يكره
ارطاك في عضبانك عرى وعظم في الضعف ذبي
فا انا مؤيد عظمك وما انا ابراج عظمك
انظر في عقوقه هون على حصتي نو اذكر العظم
من اهلك فاعظم على يدي ان انا قرنت في الضعف
سنة انا ناسها وانت محضها فقول خذوه فلي
من مأوذا لا ينجي ربه ولا تنفعه قبيلته
ارادته

ناضج الاكباد الكلى من اثاره للثوى
من عمن من هبات النحر كمن يكره
بنازي و ينجي كراجم كذا اند علمي ما بانك اول
انضفت و انت و انك هر چند نزهت شود صبح صادق
خواهد بود افضل كراجم كذا كذا كذا كذا
مركت نام كذا في السب كذا كذا كذا كذا
ايش كذا جازيت فقيم ان يرضف سبلى كذا
عنه كذا كذا كذا كذا كذا كذا كذا كذا
بهر كذا كذا كذا كذا كذا كذا كذا كذا
اللهم انى اوتجرك اليك يميني الخيمة والموافق
بين يدي عواجي فاجعلني في الدنيا والآخرة
ومن المؤمنين اللهم ارحمني ولا تغفلني عنه

[illegible]

باقی نوافل و این که تحقیق نقاد کرده اند علای بر اینست که قوت
 چنانکه سنت است و نمازهای واجب سنت است در هر هفته
 و می آید نوافل نیز در روایت کرده است از ائمه الاسلام در
 کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام کافی در قوت است
 بگوید اللهم اغفر لنا وارحمنا و عافنا و عاف عمتنا في
 الدنيا و الآخرة انك على كل شيء قدير چنانکه در
 در کافی نیز از بعضی از علما بسند صحیح روایت
 شده است کافی بودن سه سیچ نیز در قوت و سنت است مانند
 خواندن قنوت هر چند در نوافل و باشد و سوره الفاتحه
 دادن خصوصاً در نماز شب زیرا که وقت در آن معنی دارد
 و تحقیق که روایت کرده است از ابن محمد بن در قنوت از بعضی از
 صلوات الله علیه و اله که فرموده که هر که این شهادت را از زبان
 قنوت او در یاد دارد از دست رحمت او روزه میماند و تحقیق
 که آورده است سید جلال حسینی علیه السلام بطریق کثرت

مُجِيبُ الدُّعَاءِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
أَعْلَمُ مَا سَأَلَهُ عَلَيْهِمْ وَفِيهِمْ مَن يُكْرِهُ الدُّعَاءَ بِرُؤُوسِهِمْ
دِينُ بِلَايَتِهِ كَيْفَ يَفُوتُ الدُّعَاءَ فَاذْكُرُوا فَاذْكُرُوا
أَنْ قَمْنَعُ شَأْنَهُ اسْتَلْزِمَ دُرُفَ رِجْلِ دُعَايَ حُضْرِهِ لَا
كَوْنَهُ غُودُ دُرُفُوتِ نَوَافِلِ فَوَاضِلِ شَيْءٍ رَوَايَتُهُ
أَنْ حَضَرَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى كَيْفَ أَدْعُوكَ وَقَدْ
وَكَيْفَ لَا أَدْعُوكَ وَقَدْ عَرَفْتُ حُبَّكَ فِي قَلْبِي وَأَنْ كُنْتُ
عَاجِزًا مَدَدْتُ لَكَ بِدَايِلِ الدُّعَاءِ عَمَاوَةَ وَعَيْنًا
مَدْدُودَةً مَوْلَايَ أَنْتَ عَظِيمُ الْعِظَامِ وَأَنَا أَسِيرُ الْأَسْرَةِ
أَنَا الْأَسِيرُ بَيْنَ يَدَيْكَ الْمُسْتَضْعَفُ فِي أَلْفِ طَائِفَةٍ
لَا طَائِفَةَ لَكَ بِكَرَمِكَ وَلَنْ طَائِفَةَ لِي بِخَيْرِكَ لَا طَائِفَةَ

يَعْقُودُ وَلَوْ أَنَّ مَرْجِيَّ إِلَى النَّارِ لَأَخَّرَنِي أَهْلَهَا أَنْ كُنْتُ
أَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا
لَكَ وَالْمُعْجِزَةَ لَا تُضِرُّكَ فَهَيْتَ مَا يَنْزِلُكَ وَاعْفُوكَ
مَا لَا يَضُرُّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَزِدْ دُعَايَ مُنَاطِ
شُودُ دُرُفُوتِ نَوَافِلِ دُعَايَ وَسَائِلِ دُعَايَ
كَرَوَايَتِ شَأْنِهِ اسْتَلْزِمَ حَوَاجَةَ حَاجَتِكَ أَسْأَلُكَ
اللَّهُمَّ إِنَّ الرِّجَالَ لِعَمْرٍ حَمْدِكَ أَنْطَقُ فِي بَيْتِكَ الْيَوْمَ
وَأَكْمَلُ لَأَنَّا نَكُورُ فَيْتِكَ شَجَعِي عَلَى طَلَبِ أَمَانِكَ
وَعَفْوِكَ وَلِيَارِيكَ نُوبُتُ فِدَايَ حَمْدِكَ أَوْجَلُ لِقَابِكَ

وَحَطَّ يَاقُلًا حَظَّهَا أَهْلُ الْأَصْطِلَامِ وَاسْتَوْجِبَتْ
بِهَا عَلَى عَذْلِكَ أَلَمْ أَعْلَمْ بِأَنَّ حَقَّقْتُ بِأَخْلَافِهَا سُبْحَانَ
الْعِاقِبَاتِ خَفَّتْ لَعُونُهَا لِجَانِبِي وَنَدَّهَا أُنَايَ عَنْ
خَاجِي بِإِطْلَافِ لَطَائِفِي وَفَقَّرَهَا لِشَبَابِ غَنِي
مِنْ جِلْمِهَا أَنْفَصَ ظَهْرِي مِنْ فَيْضِهَا وَهَضَّ مِنْ لَافِقِهَا
بِحَاوِيهَا ثُمَّ رَاجَعْتُ رَبِّي إِلَى جِلْمِكَ عَنِ الْخَاطِبِينَ وَغَفَرَكَ
عَنِ الْمَذْنِبِينَ وَرَحِمْتِكَ لِلْعَاصِيَةِ فَأَمَلْتُ شَيْئِي
عَلَيْكَ طَارِحًا نَعْتِي بَيْنَ يَدَيْكَ شَاكِيًا بَنِي إِلَيْكَ سَلَامًا

مَا لَا اسْتَوْجِبُ مِنْ نَفْسِي هَمٌّ وَلَا اسْتَخْفُ مِنْ نَفْسِي
الْعَوْرُ مُسْتَقْبِلًا إِنَّا لَوَاقِعُ أَمْوَالِي بِكَ اللَّهُمَّ
عَلَيْكَ الْفَرَجَ وَتَطَوَّلَ عَلَى كِبُولِهِ الْخُجَّ وَأَذَلَّتْ لِي
عَلَيْهِ مَتَّحِي وَارْتَفَعَتْ بِقُدْرَتِكَ عَنِ الظُّرُوفِ لَا
وَحَاضِي مِنْ حَيْثُ الْكَرْبُ بِإِقْلَامِكَ وَأَطْلَقْتَ لِي بِرَحْمَتِكَ
وَطَلَّ عَلَى رِضْوَانِكَ وَجَدْتُ عَلَى بَاحِثَانِكَ وَأَقْلَبْتُ عَنْكَ
وَفَرَجْتُ كَرْبِي وَأَسْعَمْتُ عَيْنِي وَلَا تَجِبْ دَعْوِي وَأَشْدِدْ لِي
أَمْرِي وَفَوِّضْ بِنَظَرِي لِصَلَحِي بِمَا أَمَرْتَنِي أَجْلِبْ بِمَا عَمَرْتَنِي

والصالحين يوم حشرى وقت نشري اليك جلالهم وقوتهم
والمؤمنين يوم حشرى وقت نشري اليك جلالهم وقوتهم
رحيم ويخولهم يانه قد وكنه فكنه فكنه فكنه فكنه
الكلهم اقرت لك ولقد قال مثلك انت موضع
الساكنين ومنتهى عجب الغيبين ادعوك ولا تدع
وارغب اليك ولم يرغب الي مثلك انت محجب دعوة
المضطرين ورحم الراحمين اسئلك بافضل المسائل
واخيرا واعظمها يا الله ما نحن يا رحيم واسئلك
وامثالك العباد ولعلك التي لا تحصى يا اكرم اسمائك
عليك احبا اليك او تفهمناك وسئلنا ونسئلك

عندك منزلة واجرها لك يا ابا واسئلك في الامور
الاجلة وباسئلك المكنون الاكبر لا اعجل الاعظم
الذي تحبته ونهواه وترضى به عن دعاك وانت حبيب له
دعاهه وحقق عليك ان لا تدركك تلك ويكمل اسم هو لك
في التوراة والانجيل والفرقان العظمي ويكمل
اسم دعاك به حلة عرشك وما لك هناك وانما اوله وسلك
واصل طاعتك من جافك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل حج وليك وتعمل خيري عدا له وان تفعل في

[illegible]

ذَلِكُمْ قَالُوا لِكَيْ نَقْصِرَ مِنْ عَذَابِكُمْ عَلٰى اُولٰٓئِكَ الْحٰجِ
 اَنْ اَنْتُمْ سَاهُونَ **وَاُولٰٓئِكَ اَتَتْهُمْ رُسُلُهُمُ بِالْبَيِّنٰتِ**
 عَذَابِيْ يَعْتَدُ لَكُمْ لِيُكَفِّرَ بَعْدَ اِلْحَادِكُمْ عَنْ عَصِيَّ
 غَابَ كَلِمَتُهُ عَنْ اَبْنَاءِ اِيْمَانٍ **وَلَا يَخَافُ**
 لِّلْاَسَافِ وَخَافِيْ وَحِشِيْ وَمَلَكَتْ صُفَاٰتُ هٰجِمٍ مَّحِيْ
 بَلَسَ اَفْهَامُهُمْ رَاوِي اَبُو اَبِي اَرْوَابٍ **وَلَا يَخَافُ**
 لَا يَكُوْنُ فِي الْاَنْفَارِ عَذَابٌ عَزِيْزٌ لَا يَكُوْنُ لِهٰجِمٍ
 غَدِ **وَلَا يَخَافُ** **وَلَا يَخَافُ** **وَلَا يَخَافُ**
 سِوَايْ لَّكَ اِنَّ ذٰلِكَ يَعْزِلُكَ عَلٰى قَلْبِكَ فِيْ كَلِمَةٍ وَتَلَوْنِ
 فَخَرَزَهُمْ **وَلَا يَخَافُ** **وَلَا يَخَافُ** **وَلَا يَخَافُ**
 مِنْ عُوْصِيْكَ بِرُكَّاهٍ فَاَرَادَ اَنْ يَّرْكَبَهُ فَهَبَتْ لِيْهَا
 اِسْتَعَاذًا اِلَّا اَنْهٰ اَللّٰهُ دَهْرُهَا فَهَبَتْ لِيْهَا
 عُدُوْا اِلَيْهِ وَارْتَضٰ وَتَشَبَّهَ عَلٰى نَبِيْكَ وَكَوْنِ بِسَبِيْكَ
 اَوْ مِثْلَهُ **وَلَا يَخَافُ** **وَلَا يَخَافُ** **وَلَا يَخَافُ**
 وَلَا تَرْفَعْ قَلْبِيْ يَعْدَاؤُهَا هَدَيْتَنِيْ وَهَبْتَ لِيْ ذٰلِكَ رَحْمَةً
 وَتَحَنُّنًا **وَلَا يَخَافُ** **وَلَا يَخَافُ** **وَلَا يَخَافُ**

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ فَتَنْبِذْ كَوْنِي الْوَهَّابُ اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ
الْعَلِيَّ الْعَظِيمُ الْحَقُّ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ
لَكَ الْكَمُّ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْاَمْرُ وَجَدَكَ
لَا شَيْءَ لَكَ يَخَالُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ
اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ
وَقَضَىٰ عَمَلِي الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ
اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ
وَقَضَىٰ عَمَلِي الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ الْوَهَّابُ

يَا حَيُّ يَا كَرِيمُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ يَا مَلِكُ
وَهَبَا اَدْعُوكَ رَاغِبًا وَرَاهِبًا وَجَوًّا وَطَمَعًا وَخَالِحًا
وَالْحَافَا وَتَضَرَّعًا وَتَلَقَّا وَفَاوًا وَفَاعِدًا وَمُرَاكِبًا وَجَلًّا
وَرَاكِبًا وَمَا شِئَا وَذَاهِبًا وَجَائِيًا وَفِي كُلِّ لَحَاقٍ
اَسْأَلُكَ اَنْ تَصِلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَانْ تَقْعُدَ لِي
كَذَا وَكَذَا وَبِأَمْرِي طَلَبْتُ خُودًا بَعْدَ اَنْ تَجِدَ مَبْنِي دُو
فَارِغْ شَيْءًا هَسْتُ كَرِهْتَ بَعْضَ بَعْضٍ بَرِيءٌ وَكَرِهْتَ بَعْضَ
وَبِكْرَهْتَ وَتَرَفَضْتَ الْوَقَاتِ اَنَامِيَا بَعْضُ صَادِقٍ وَكَاذِبٍ
حِينَ كَذِبْتَ بَابًا وَلَمْ تَزِدْ كَرِهْتَ صَادِقًا وَكَاذِبًا وَارْتَدَّ
اَمْرًا اَنْ تَحْضُرَ لِي الْمُسْلِمِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِأَمْرِي طَلَبْتُ

علمای متأخرین طلاق و زناست بر رکعت ششم نهاده و چون
 سه رکعت شایع در احادیث که وارد شده است از اصحاب
 سلام الله علیهم عکس اینست چنانکه روایت شده است از
 شیخ طائفة در حدیث بسند صحیح از حضرت صادق علیه
 السلام که پدر او حضرت ابی طالب بخواند اندر و بر او الله
 احد و هب رکعتان چنانکه روایت کرده است نزد حضرت
 بسند معتوق از حضرت علی السلام که فرمود که سه رکعت
 صلی الله علیه و آله منکذارد از هشت رکعت و از چهار
 رکعت نماز اول و هشت رکعت بعد از آن و چهار رکعت
 و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از مغرب و عشاء و چهار
 رکعت و هشت رکعت نماز شب سه رکعت و دو رکعت
 فجر و نماز صبح دو رکعت آخر حدیث و چنانکه روایت شده
 از ابن عباس و غیره بسند صحیح از حضرت زین العابدین که گفته
 شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که
 باک نیست آنکه یکبار در دو رکعت از غیر این بعد از آن برو
 بر او در حاجت خود را باریز کرد پس یکبار دیگر رکعت و نه رکعت

نمازها احادیث بسیار است اما اطلاق و تری بر رکعت ششم
 تنها فی این حدیث است چنانکه روایت شده است از اصحاب
 علمای مابعد بنی اهل و انهم و اما قدما باینکه از این غیر
 از آن بفرموده و بر چنانکه بعضی کرده است از شیخ طائفة در
 مصباح و غیره و اینها ظاهر می شود که کسی که نیکو رکعت
 و سه رکعت نماز بر او نازل از عنایت بیعت مکرر یکبار
 سه رکعت و ظاهر می شود که آنچه ذکر کرده است از شیخ جلیل
 ابو علی طبرسی عطا الله علیه در کتاب مجمع البیان از
 نامیدن سوره فاتحه سبع المثانی یا تسبیح می شود و آن
 در هر نماز واجب و سنتی که هفت رکعت است نماز صبح و
 آنجا عرض کرده اند بر او از این خاص از کلیه نماز و تری و
 والله اعلم و میخواند در هر بار اندر رکعت ششم بعد از نماز
 قل هو الله احد و اگر میخواند از قبل اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ و رکعت
 اول و قل اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ و دو رکعت هر یک سلام وادی
 بخواند یا اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ و علی و آل محمد و
 السلام و یا اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ و علی و آل محمد و السلام

(این حدیث در کتابها در حدیث
 مشهور است)

يُطَوَّلُ وَمَعْرِفُوكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
مُغْفِرًا لِمَنْ رَفَعَهُ رُفْعَةً وَارْتَفَعَهُ رُفْعَةً وَارْتَفَعَهُ رُفْعَةً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ

جیب الدعوة امصطیر و انت لله الہ العالمین و
 ۱۶۵۱

وہ لکھتے ہیں کہ وہی مکتبہ میں رہا ہے

و اینست که او را در روز غنیمت و بر آنکه او را در روز غنیمت

لِفَيْتِكَ مِنْ نَفْسِي الرِّضَا خِي رَضِيَ لَكَ الْعَبْدُ لَا أَعُودُ

برای نفس خدای عز و جل در دنیا فانی شدی و از آنجا که

العفو العفو بعد ان منكوب رب اغفر لي و

عربی و فارسی

أَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ عَلَى أَنَّكَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ وَسُئِلْتُ
عَمَّا كَانَ مِنْ عَمَلٍ فِي ذَلِكَ مِنْ كَلَامٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ ثَلَاثِينَ أَوْ أَلْفًا أَوْ

طول دادن

قوت پر اضافہ میکنی یا نہ پھر رائیش گنشت دکران در
کہ کہ اگر وقت داشت باشد وقت اضافہ کیا دعا دلا

که میخاندند حضرت سیدالعامدین علیه السلام را که

روایت کرده است از رئیس محدثین در کتاب اصابی و انبیا

سَيِّدِي سَيِّدِي هَذِهِ بَدَايَ قَدَمَدَتِي هَذَا إِلَيْكَ بِالدُّعَاءِ

ازین که تا منتهی عصر است بعد از آنکه مال و ماله

فَمَلُوءَةٌ وَعَيْنَايَا الرَّجَاءِ مَمْدُودَةٌ وَحُجْرَتِي دَعَاكَ يَا بَلَدَ

۱۲۷
بسم الله الرحمن الرحيم و الحمد لله رب العالمين

از معرفت اهل بیت کرم الله روی فصل اول ایضا

خَلَقْتَنِي طَيِّبًا كَمَا لِي أَمْرٌ مِنْ هَذِهِ السَّاعَةِ خَلَقْتَنِي

افریقہ طرا بس در ان کس کجی جود ایا از اهل کجی
حق کجی طرا

فَالْبَشْرُ خَالِي سَيِّدِي الصَّبْرُ الْمَقَامُ خَلَقْتَ عَضَاهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ خَلَقْتَ مَعَالِي سَيِّدِيْ وَ اَنْ عَبْدِ
بِاِزْرِ شَامِدِيْ هَمْدِيْ عَلِيٍّ كَرَّمَ وَ اَبِي سَيِّدِيْ اَكْبَرِيْ خِيَا

استطاع الهرب من هؤلاء لکن اول الحارثين منك

استطاع اھرب من مولاہ لکنست اوں ہاربان
میزب کرفی از خد ارجو ہر آنہ ہوا مزل لڑہ و کس

لَكِنِّي أَغْلَمُ إِلَى لَا أَفُوتُكَ سَيِّدِي لَوَ أَنَّ عَذَابِي قَوَّيْتُ

[illegible]

فَمَا لِكَ لِمَا لَكَ الصَّبْرُ عَلَيْهِ غَيْرَ قِيَامٍ

لَا تَذُوقْ مَا لَكَ طَاعُ الْمُطْعَمِ وَلَا تَنْقُصْ مِنْهُ

لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص
من ملكك طاعة المذنبين

سورة الاحقاف

مَعْصِيَةِ الْعَاصِينَ سَيِّئِي مَا أَنَا وَمَا خَطْبِي هَيْهَاتَ هَاهُنَا
وَجَلَلَنِي بِتَرْكِكَ وَأَغْفِرْ عَنِّي بِكُرمٍ وَجْهِكَ الْهَيَّوْهَ
أَحْمَدِي مَصْرُوعًا عَلَى الْفَرَسِ تَقْلِبُنِي إِلَيْكَ أَيْتِي وَأَنْتَ
مَطْرُوحًا عَلَى الْمَغْتَسِلِ بَيْتِي صَاحِبِ حَبْرِي وَأَنْتَ
صَحْوٌ لَا قَلْبَانَا وَلَا قُوَّةَ أَطْرَافِنَا نِي قَارِحِي فِي الدَّ
الْبَيْتِ الْمَظْلَمِ وَخَشْيَتِي فِي غَرْبِي وَوَحْلَتِي وَكَثْرَتِي
قُوَّتِي بِرُتْبَتِ أَقْصَارِي بِخَوَافِي أَرْجُو وَتُغْنِي
بِأَسْمَانِي وَقَدْ وَارَدَ غَايَتِي بِمَنْصُورِي خَوْلَتِي قُوَّتِي
دُرُوسَتِي وَشَكْرِي رُفُوعِي وَإِنْ دُعَايَتِي الْكَلَامُ
أَنْ كُنْتُ الدُّوْبُ تَكْفُتُ لَدُنِّيَا عَرَابِي سَاطِرًا إِلَيْكَ

بِالسُّوَالِ الْمَدَامَ عَلَى الْعَاصِي مَعْنَايَ الصَّرْعُ وَلَا
وَالرَّجَاءُ يَحْتَسِبُ عَلَى سَوَالِكَ يَا أَلْجَلَّالُ إِنْ لَمْ يُعْطِفْ
النَّاسُ عَلَى عَبْدِكَ فَمَنْ يَنْتَعِي السُّوَالُ فَلَا تَزِدْ أَكْثَانَا
الْمُنْظَرُ عَلَيْكَ الْإِبْرَاقُ الْأَمَانُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
هَذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَ نِعْمَتِكَ وَسَيَّئَ تَعْلِيلِي وَتَدْرِي
عَظِيمُ وَشُكْرُهُ قَلِيلٌ الْهَيَّ طُوبَى الْأَمَانُ فَلَا خَائِبَ
الْأَلْبَانِ وَمَعَاكُفِ الْهَيْمِ وَقَدْ تَقَطَّعَتْ الْأَعْيُنُ

مَعْنَايَ الصَّرْعُ وَلَا

وَالرَّجَاءُ يَحْتَسِبُ عَلَى سَوَالِكَ

النَّاسُ عَلَى عَبْدِكَ فَمَنْ يَنْتَعِي السُّوَالُ

الْمُنْظَرُ عَلَيْكَ الْإِبْرَاقُ الْأَمَانُ

أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ

هَذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَ نِعْمَتِكَ وَسَيَّئَ تَعْلِيلِي

عَظِيمُ وَشُكْرُهُ قَلِيلٌ الْهَيَّ طُوبَى الْأَمَانُ

الْأَلْبَانِ وَمَعَاكُفِ الْهَيْمِ وَقَدْ تَقَطَّعَتْ الْأَعْيُنُ

مَعْنَايَ الصَّرْعُ وَلَا

وَالرَّجَاءُ يَحْتَسِبُ عَلَى سَوَالِكَ

النَّاسُ عَلَى عَبْدِكَ فَمَنْ يَنْتَعِي السُّوَالُ

الْمُنْظَرُ عَلَيْكَ الْإِبْرَاقُ الْأَمَانُ

أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدٍ

هَذَا مَقَامُ مَنْ حَسَنَ نِعْمَتِكَ وَسَيَّئَ تَعْلِيلِي

عَظِيمُ وَشُكْرُهُ قَلِيلٌ الْهَيَّ طُوبَى الْأَمَانُ

الْأَلْبَانِ وَمَعَاكُفِ الْهَيْمِ وَقَدْ تَقَطَّعَتْ الْأَعْيُنُ

مِنْ كَرَمِ الْمَوْلُوتِ مِنْ مَوْلَى الْمَرْجِعِ فِي الْقُبُورِ مِنَ التَّلَامَةِ

از آنکه مروت از مولا برگشت و در قبر و از آنکه

یَوْمَ الْقِيَامَةِ سَأَلْتُكَ عَنْتَ هَيْبَتِ وَمَنْبَتِ سَوِيَرِ

در روز قیامت سوال میکنم از نهنگی که از او درون برآید

مُنْقَلَبًا كَرِيمًا غَيْرَ خَرِيٍّ وَلَا فَاحِشٍ اللَّهُمَّ مَغْفِرَتَكَ

بگشت بخیر از خوار کننده و در سر آید خداوند آمرزش

أَوْسَعُ مِنْ دُونِي وَرَحْمَتِكَ أَرْجُو عِنْدِي مِنْ عَمَلِي قَصِيلٌ

فراتر است از من و رحمت تو را میجویم نزد من از کارهای من

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ

بر محمد و آل محمد و بخشای مرا ای زنده که نمیرد

و بعد از آنکه فارغ شدی از مقرر و نروا آنچه متعلق به

بر منجی برای و در کت نافله صبح و مینامند آنها را دست

با اعتبار آنکه بنیان کرده میشوند در قیامت چنانکه در وقت

کرده است شیخ طائفه در تهنیت بسند صحیح انحصار

رضا که بزرگ با آنها نماز شب را وظایف کشیدن وقت آنها

تا طلوع شمس چنانچه منضم است بعضی و ایات چنان

قَالَ شَدَّ أَيْدِيَّ جَاعَتِي لَعَلَّ عِلْمِي مَا أَقْدَرَ اللَّهُ أَوْلَاهُمْ

افضل اوقات آنها میانه صبح که در فصاحت و است و میخواند

در رکعت اول بعد از حمد و سوره قُلْ إِنَّمَا الْكَافِرُونَ

دویم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ هَمَّكَ سَلَامٌ دَادِي جَوَابِ بَرِئُوا

از من و بقیه بروی که میت از دل جدا میکنند و بگویند

کونه راشت خود را بر روی ست راشت خود و بگویند

يَعْرِفُهُ اللَّهُ الْوُفَى الَّتِي لَا أَنْفَصَامَهَا وَأَعَصَمَتْ كَيْدَ

بداند خداوند وفای آنکه از انحصارها و اعصمت کید

الْمُنْثَرِ وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ قِسْفَةِ الْعَرَبِ وَالْعِلْمِ وَمِنْ شَرِّ

المنتر و است و بگویم خداوند از شر قسفه عرب و علم و از شر

قِسْفَةِ الْحَرْبِ وَالْأَنْزِلَ لِلَّهِ رَبِّ الْغَالِبِ اللَّهُ أَمْنٌ بِاللَّهِ

فانقلا من الناس و انزل الله رب الغالب الله امن بالله

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ

توکل کنم خداوند نیست و نه قوت مگر خداوند هر که توکل کند

عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ فَلْيَجْعَلِ اللَّهُ لِكُلِّ

بر خدا چون او حسبه پس هر که توکل کند بر خداوند هر که توکل کند

شَيْئًا فَمَا أَحْبَبَ إِلَيْهِ نِعَمَ الْوَكِيلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
خَيْرِ أُمَّةٍ أَرْسَلْتَ خَلْفًا وَخَيْرِ رُسُلٍ أَفْعَلْتَ خَيْرًا وَخَيْرِ
حَاجَةٍ أَسْأَلُكَ فَإِنِ جِئْتُكَ وَرَعَيْتُكَ لِيُكْرِمَكَ وَجَدَكَ
وَجِئْتُكَ بِأَمْرٍ مُبْتَغَى لِي وَبِشَيْءٍ مُبْتَغَى لَكَ
لَا يَنْبَغِي لَكَ لَكَ تَحَدُّدٌ وَاحِدٌ فَصَلِّ عَلَى صَلَاحِ مُحَمَّدٍ
مَنْ تَنْبَغِي تَرَاهُ بِأَنْ تَنْبَغِي وَتَنْبَغِي وَتَنْبَغِي
فَالْقِيَامُ لَصَلَاةِ مُحَمَّدٍ نَاصِرًا لِرَأْفَاتِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
الْمَعْلُومِ لِمُحَمَّدٍ عَلَى الْمَلَأَ كُنَاوَا الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
ذَلِكَ مُقَدِّمًا لِعَزَائِمِهِمْ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَأَجْزَلُ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَعَلَى لِيَانِي نُورًا
وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ خَلْفِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ
وَمِنْ شِمَالِي نُورًا وَفِي كُلِّ مَقَامٍ نُورًا وَفِي كُلِّ مَقَامٍ نُورًا

شَيْئًا فَمَا أَحْبَبَ إِلَيْهِ نِعَمَ الْوَكِيلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
خَيْرِ أُمَّةٍ أَرْسَلْتَ خَلْفًا وَخَيْرِ رُسُلٍ أَفْعَلْتَ خَيْرًا وَخَيْرِ
حَاجَةٍ أَسْأَلُكَ فَإِنِ جِئْتُكَ وَرَعَيْتُكَ لِيُكْرِمَكَ وَجَدَكَ
وَجِئْتُكَ بِأَمْرٍ مُبْتَغَى لِي وَبِشَيْءٍ مُبْتَغَى لَكَ
لَا يَنْبَغِي لَكَ لَكَ تَحَدُّدٌ وَاحِدٌ فَصَلِّ عَلَى صَلَاحِ مُحَمَّدٍ
مَنْ تَنْبَغِي تَرَاهُ بِأَنْ تَنْبَغِي وَتَنْبَغِي وَتَنْبَغِي
فَالْقِيَامُ لَصَلَاةِ مُحَمَّدٍ نَاصِرًا لِرَأْفَاتِهِ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
الْمَعْلُومِ لِمُحَمَّدٍ عَلَى الْمَلَأَ كُنَاوَا الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ
ذَلِكَ مُقَدِّمًا لِعَزَائِمِهِمْ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَأَجْزَلُ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَعَلَى لِيَانِي نُورًا
وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا وَمِنْ خَلْفِي نُورًا وَعَنْ يَمِينِي نُورًا وَعَنْ
وَمِنْ شِمَالِي نُورًا وَفِي كُلِّ مَقَامٍ نُورًا وَفِي كُلِّ مَقَامٍ نُورًا

والله كل شيء وحده لا شريك له ومالك كل شيء وصلى على محمد
وآله وصحبه وسلم *وآله وصحبه وسلم*
والله واصل في وعلان ما انت اهله ولا
والله واصل في وعلان ما انت اهله ولا
بينما نحن اهله فانك اهله القوي واهل المعقرة
وسواله استكه بجولي بعد افرغ انمقده
يعني سيرة كهت ايند عاكره ميواند ان حضرت سيد
العالدين عليه السلام وازد عاها حقيقه كماله
الله يا ذا الملك المتأيد بالحدود والسطان المتسع
يعجزون ولا احوال والقراني على في الذمور
الاعوام ومواضع الايمان والامام عز سلطانك عا
لا حله باوليه ولا امت له يا خير واسم على

غلو اسقطت الاشياء دون بلوغ امرك ولا تبلغ
اذ ما ستاتر زعيم من ذلك اقصوت الناعين صلت
فمنك الصفات ونقصت دونك البعوت وطار في
كبرياؤك لطائف الاوهام كلاك انت الله الاول فناء
وعلى ذلك انت دافع لا تقول وانا العبد الضعيف
علا الحجة املا خرجت من يدى سباب الوصلا
الا ما وصله صحتك ونقطعت عن عصم الامال
الا ما انا معصم به من عقوبك قل عندى ما عند
الامام

بِرُحْمَا عَيْنِكَ وَكَثُرَ عَلَى مَا أَبَوَيْهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ
يُضِيئُوا عَلَيْكَ عَفْوُكَ عَنْ عَبْدِكَ وَإِنْ سَاءَ فَأَعْفُ عَنِّي
اللَّهُمَّ وَقَدْ شَرَفْتَ عَلَى خَفَايَا الْأَعْمَالِ عَلَيْكَ وَأَكْتَفَى
كُلَّ سُوءٍ دُونَ خَيْرِكَ وَلَا تَطْوِي عَنْكَ دَفْأَ قَوْلِي
وَلَا تُغْرِبْ عَنْكَ عَيْنَاكَ الشَّرَّاءُ وَقَدْ اسْتَحْذَرْتُكَ
عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِعَوَائِي فَأَنْظِرْهُ وَلَسْتُمْ هَلَاكُ
إِلَى يَوْمٍ لَيْلٍ لَا ضَلَالَةَ فِي مَهَلَتِهِ فَأَوْقِعْنِي فِيهِ
إِلَيْكَ مِنْ صَغَارِ ذُنُوبٍ وَيُفَقِّرْ وَكِبَارِ أَعْمَالِي بِرُحْمَا
عَيْنَيْكَ

حَتَّى أَتَارِفَ مَعْصِيَتَكَ وَأَسْتَجِيبُ لِمَوْسِعِي خَطَايَا
مَنْ عَنِّي غَدَا غَدَا غَدَا وَتَلْقَانِي بِكَلِمَةٍ كَلِمَةٍ وَتَوَلَّ
الْبَرَاءَةَ مِنِّي وَأَذْهِبْ عَنِّي فَاحْصِي لِعَصِيَّتِكَ قَرِينًا
وَأَخْرِجْنِي إِلَى فَنَاءِ نِعْمَتِكَ طَرِيقًا لَا تَقْبَحُ لِي شَيْعُ
إِلَيْكَ وَلَا تَحْفَرُ بِي مِثْقَالَ حَبِّ خَبْثٍ
عَنْكَ وَلَا تَمْلَأْ أَلْجَاءَ الشَّرِّ مِنْكَ فَمَا مَقَامُ الْعَائِلِ
بِكَ وَمَحَالُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ فَلَا تَصِفْ عَنِّي فَضْلَكَ وَلَا
تَقْصُرْ دُونَ عَفْوِكَ وَلَا أَكُنْ أَحْبَبَ عِبَادِكَ إِلَيْكَ

وَلَا أَفْطُ وَفُودَكَ الْأَمْلِينَ وَاعْتَمِدْتُ عَلَى خَيْرِ أَعْمَالِي
وَلَا أَسْأَلُكَ إِلَّا بِمَا أَسْأَلُكَ بِهِ وَأَسْأَلُكَ بِمَا أَسْأَلُكَ بِهِ
اللَّهُمَّ أَنْتَ أَمْرِي فِي كُلِّ شَيْءٍ وَهَيْبَتِي فِي كُلِّ شَيْءٍ وَتَوَكَّلْتُ
عَلَيْكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَتَوَكَّلْتُ
عَلَيْكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَتَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ
لِيُخْلِصَ لِي خَيْرُ السُّوءِ فَفَرَّقْتَ وَلَا اسْتَشْهِدْ عَلَيَّ
شَيْئًا وَلَا اسْتَجِيرُ بِشَيْءٍ لِي لَا لَأَسْتَعِيذَ بِكَ مِنْ خَيْرِ أَعْمَالِي
سُئِلْتُ خَلِيفَتُكَ الَّذِي مِنْ صُفَى أَمْلِكَ وَلَسْتُ
أَتَسَلُّكَ لِي بِفَضْلِكَ مَعَ كَثْرَتِهِ أَغْفَلْتُ
فِي ظُلُمَاتِ فُرُوضِكَ وَتَعَلَّيْتُ عَنْ مَقَامِكَ
الْحَرُومَاتِ أَهْكَأُ وَكَبَّأُ ذُنُوبِي خَرَجْتُ كَأَنِّي
لَسْتُ بِكَ إِلَّا بِمَا أَسْأَلُكَ بِهِ وَأَسْأَلُكَ بِمَا أَسْأَلُكَ بِهِ

عَافَيْتُكَ لِي مِنْ فِتْنَةِ أَعْمَالِي وَهَذَا مَقَامُ السُّخْنَى
لَيْسَ مِنْكَ وَتَحْتَ طَعْنِهَا وَرَحِمْتَ عَنْكَ مَقَامَكَ السُّخْنَى
خَاشِعَةً وَرَبَّةً خَاشِعَةً وَطَهَّرْتَ مِنْ لُحَايَا وَأَقْفَا
بَيْنَ رَغْبَتِكَ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ وَأَنْتَ أَوْطَى مِنْ رَجَاءِ
وَأَكْثَرُ مِنْ خَشْيَةٍ وَأَنْفَاءُ فَاعْطِنِي يَا رَبِّ مَا رَجَوْتُ وَأَمْنِي
مَلَحَذَرْتُ وَعُدَّ عَلَى عِيَالِي وَرَحِمْتَكَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْوَلَدِ
اللَّهُمَّ وَأُوسِّدْ لِي بِفَضْلِكَ وَتَعَلَّيْتُ بِفَضْلِكَ فِي دَارِ
الْقَلْبِ وَخَصْرَةِ الْأَكْفَاءِ فَاجْعَلْ لِي مِنْ خَيْرِ أَعْمَالِي دَارَ الْبَقَا

عنده واقفا لا تشاء من الملكة المزمرة والرشد
الذي استعان به من الملكة المزمرة والرشد
المؤمنين والشهداء والصالحين من عبادك اكانه
سبنا في يوم ذي رحمة كنت احسن منه في يوم ذي
الاعوان والاعوان والاعوان والاعوان
يهدى ربك الشكر على ووفيت بك ربك المعقود
وانت اولى من وفود واعطى من عبيدك وازود
من ابنيهم فاحسن الله وانك حلت في ماء مهيأ
من عبيدك من عبيدك من عبيدك من عبيدك
سبنا يا محبتي في حالنا حالنا حتى تهت في
الملكوت والملكوت والملكوت والملكوت

نما الصورة والكتب في الجوارح كانت في كتابك
توضعت في عظامنا ما يكون العظام في كتابك
خالقا اخر كما شئت حتى اجبت الخلق في كتابك
عن عبادك فضلك جعلت في قوتنا من فضل طعام
ومن اجر عبيدك لا تميت التي استميت في جوفها واذن
قل ربنا وقل ربنا وقل ربنا وقل ربنا
حولنا ونضطر في القوي لكان الحول عني مغزلا
ولكانت القوة مني عبيدك فعندوني بفضلك
الملكوت والملكوت والملكوت والملكوت

قد اودع طفت كنهه في انما با من اودع و تفعل من انما

در سیمین بیستم مهر ماه و در یکصد و پنجاه و یکمین روز از سال ۱۲۰۱

شَاكِدْ مَعَ ذَلِكَ نَفْسِي فَانْقَرِعْ مَا هُوَ خَطِيئَةٌ عِنْدِي

قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عَيْنَانِي فِي سُوءِ الظَّنِّ وَضَعُفِ الْيَقِينِ

حقیقہ کا افسوس! کہ سلطان عثمان مراد دہدہ

فَإِنَّا أَشْكُرُوهٗ مَجَازِينَ فِي طَاعَةِ نَفْسِي لَهُ وَسُتَعِصَمَك

مَمْلُوكُهُ أَتَىٰ عَالِيكَ فِي أَرْبَعَةِ الْآلَمَةِ فِي

تو از بهای خود را در این دنیا فروخته و در آنجا آسایش

فَلَا تَحْجُذْ عَلَىٰ بُدْءِ أَمْرٍ بِالْغَيْرِ إِجْرَاءٍ وَاجْتِهَادٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

على ام حسان لا نعام فصل على محمد وآله و
براهمان واهل بيته رحمت بنور محمد وآله واهل بيته

1871

والمعنى هو ان هذا الكتاب هو الذي كان في يد
الملك الناصر و قد كان في يد الملك الناصر

و این کتب است که در این کتابخانه موجود است

فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ يَا خَيْرَ الرَّاغِبِينَ اللَّهُمَّ فِي عَوْدَةِ

بِكَ مِنْ بَارِئُ غَلَّظَتْ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ وَوَعَدَتْ بِهَا

تو از آن که غلبه کند ترا بر کسی که در میان کند

مَنْ صَدَّقَ عَنْ رِضَاكَ وَمِنْ بَارِئِ نَوْرِهَا ظِلْمَةٌ وَهِيَ

النَّمُ وَلَعْنُهَا وَتُومَنُ بِأَكْلِ بَعْضِهَا

برود و ران
نزدیک و از آن که کوخیزد یعنی از آن که

وَيَصُولُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَمِنْ بَارِئِ الدُّعَاءِ

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

و سقى اها حيا و من باره ببعي على من يبيع
و كسب ما يوفى له كرم و ان كسبه كرم و كسبه كرم

1882

وَلَا يَرْجِعُ مَنْ لَمْ يَغْنَمْهَا وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْخَفِيفِ عَنْ
وَرَجْعِ مَنْ لَمْ يَغْنَمْهَا وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْخَفِيفِ عَنْ
خَنَعَهَا وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَنْفِي عَنْهَا أَعْرَافَ
وَقَدْ كَلَّمَكَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ وَأَنْتَ تَعْلَمُ
مِنْ كِبَرِ الْبُكَاءِ شَدِيدًا لَوْ لَا أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَقَابِ
أَزْوَاجِكَ وَرَبِّكَ وَصَلَّى وَبِئْسَ مَا يَرْجِعُ
الْفَاعِلُ أَقْوَاهَا وَجَبَّ عَنِ الْأَصْلِ الْفَرْيَانِيَا وَأَوَّلَهَا
كَلَامُ اللَّهِ مِنْهَا حَقٌّ وَأَوَّلُ الْبُكَاءِ مِنْهَا حَقٌّ وَأَوَّلُ
الَّذِي يَنْقُطُ مَعَاءُ وَأَفْشَى سَكَابُهَا وَيَزْغُ قُلُوبَهُمْ
وَأَسْتَبْدِكُ بِمَا بَاعَدَ مِنْهَا وَأَخْرَعَهَا اللَّهُ صِلَ
وَأَجْمَرُ رَأَى أَرْكَبُكُمْ وَكَرَّ أَرْكَبُكُمْ وَمَنْ فَرَّغَ
عَلَى حَمْدِكَ وَالْوَجْهِ مِنْهَا يَفْضُلُ رَحْمَتِكَ وَأَفْضَلُ
بِرَّكُمْ وَالْوَجْهِ مِنْهَا يَفْضُلُ رَحْمَتِكَ وَأَفْضَلُ
عَنْ الْبُكَاءِ فَالْبُكَاءُ لَا يَخْلُفُ فِي الْخَيْرِ خَيْرُ النَّاسِ
وَالْبُكَاءُ مِنْهَا يَفْضُلُ رَحْمَتِكَ وَأَفْضَلُ

عَلَى الْبُكَاءِ وَتَعْطَى الْحَسَنَةَ وَتَقْعَلُ مَا زِيدَ وَأَنْتَ
عَلَى الْبُكَاءِ وَتَعْطَى الْحَسَنَةَ وَتَقْعَلُ مَا زِيدَ وَأَنْتَ
كُلُّ مَنْ يَفْزِعُ اللَّهُ صِلَ عَلَى حَمْدِكَ وَالْوَجْهِ مِنْهَا يَفْضُلُ رَحْمَتِكَ وَأَفْضَلُ
وَصَلَّى عَلَى حَمْدِكَ وَالْوَجْهِ مِنْهَا يَفْضُلُ رَحْمَتِكَ وَأَفْضَلُ
لَا يَنْقُطُ مَعَاءُ وَأَفْشَى سَكَابُهَا وَيَزْغُ قُلُوبَهُمْ
وَأَسْتَبْدِكُ بِمَا بَاعَدَ مِنْهَا وَأَخْرَعَهَا اللَّهُ صِلَ
وَأَجْمَرُ رَأَى أَرْكَبُكُمْ وَكَرَّ أَرْكَبُكُمْ وَمَنْ فَرَّغَ
عَلَى حَمْدِكَ وَالْوَجْهِ مِنْهَا يَفْضُلُ رَحْمَتِكَ وَأَفْضَلُ
بِرَّكُمْ وَالْوَجْهِ مِنْهَا يَفْضُلُ رَحْمَتِكَ وَأَفْضَلُ
عَنْ الْبُكَاءِ فَالْبُكَاءُ لَا يَخْلُفُ فِي الْخَيْرِ خَيْرُ النَّاسِ
وَالْبُكَاءُ مِنْهَا يَفْضُلُ رَحْمَتِكَ وَأَفْضَلُ

شده است از اینها پس بوده باشد حال و مثال آن برای آنکه بگوید
 کلام فارسی آنکه داند معانی آنرا میگوید و مثال آن
 یا مضرع هرگاه بگوید چنین برای آنکه بگوید معنی آنجا
 او و کافیه است در تفسیر آنرا که آنرا و تخریص او بر ملاحظه
 آنچه میگوید در نماز قول خدای تعالی یا ایها الذین آمنوا لا تفر
 الصلوة و انتم شکاری حتی تکلموا اما تقولون بعضی عجمی
 که ایمان آورده اند نزد یک شویید نماز و حال آنکه نیست
 تا اینکه بداند اینچرا میگوید و الله تعالی عالم و رؤیت
 کرده است پس محمد بن انحرضت صادق علیه السلام
 که فرمود که هرگز نماز بگذار در دور که داند اینچرا میگوید
 در آنجا بر کرده و حال آنکه نباشد میان او و خدا گناهی
 اینکه در نزد خدا باشد آن برای او و مایه و خود را بیعادی
 بیان کرد و در اینها ای که شد آنچه را احتیاج است به بیان و شرح
 کردیم آنچه را احتیاج دارد شرح از ذکرهای نماز و بعضی آنچه
 خوانده میشود دان و تلاوت کرده میشود بعد از آن از آن
 و تحقیق که ختم کردیم خود را نیز بنفسی آنچه را برای آنکه بگوید

خانه و برای آنکه بوده باشد جمیع آنچه میگوید در نماز
 و پیش از آن بعد از آن آنچه ذکر کردیم از ادب کتاب تفسیر کردیم
 شده جمیع شرح کرده شده اسان که هر که آن برادران برود و
 بعین و بر خدا توکل میکنم و یا وری میجویم تا اینجا فایده است
 در هر آنچه کلام شیخ را اقدام نمود و چون بعد از آن تفسیر
 فایده طایب فرموده اند و ذکر کرده اند تحقیقی چند که مشغول
 میشود از آن مگر کسی که اول بهره از عالم بوده باشد و غرض این
 قلیل المضاع از سحر از کتاب شریف عمو رفیع و شمول
 فایده آن بود نسبت به همه طایفه نام از خواص و عوام پس اول
 و انس چنین بود که سوره فاتحه نیز مانند اینها و دعاها
 سابقه ترجیح شود و جای که احتیاج توضیح باشد در حاشیه

قلی الذین یزید فی سؤلایه

بسم الله الرحمن الرحیم

نماز سبب برهان عجب شده

أحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم

سبب برهان که برادران عالمیان سبب شده بدان

صاحب روز جزا ترا عبادت میکنم و این تو بار منم

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ

در این کتابها راه راست راه نامی انعام کرده

عَلَيْهِمْ غَيْرُ الْمَغْرِبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الَّضَلَالِ

برای این که در پیشگاه پادشاهان و زعمای آن زمان

كتبه العبد المتواضع قدام المؤمنين محمد ابراهيم

القبول في شهر ربيع الأول سنة





کتابخانه مجلس
تبریز
شماره ثبت کتاب
۱۳۸۴
تاریخ ثبت
۱۳۸۴

